



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت معارف

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

# اخلاق و آداب اسلامی

صنف هشتم

(برای مدارس دینی)

اخلاق و آداب اسلامی  
صنف هشتم

کتاب درسی مربوط وزارت معارف بوده، خرید و فروش آن  
ممنوع است.

[curriculum@moe.gov.af](mailto:curriculum@moe.gov.af)

سال چاپ: ۱۳۹۸ ه. ش.



جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت معارف  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

# آداب و اخلاق اسلامی

## صنف هشتم

### (برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش.



## مؤلفان

- دكتور عبدالصبور فخرى
- محمد ابراهيم ربانى

## ايدیت علمى

- دكتور فضل الهادى وزين
- رقيب الله ابراهيمى

## ايدیت زبانی

- سيد محمود خلیق

## کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- دكتور شیر علی ظریفی
- سعید الرحمن حامد

## إشراف

- دكتور شیر علی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





## سرود ملی

|                       |                               |
|-----------------------|-------------------------------|
| دا وطن افغانستان دی   | دا عزت د هر افغان دی          |
| کور د سولې کور د تورې | هر بچی یې قهرمان دی           |
| دا وطن د ټولو کور دی  | د بلوڅو د ازبکو               |
| د پښتون او هزاره وو   | د ترکمنو د تاجکو              |
| ورسره عرب، گوجر دي    | پامیریان، نورستانیان          |
| براهوي دي، قزلباش دي  | هم ایماق، هم پشه بان          |
| دا هېواد به تل ځلېږي  | لکه لمر پر شنه اسمان          |
| په سینه کې د اسیا به  | لکه زړه وي جاویدان            |
| نوم د حق مو دی رهبر   | وایو الله اکبر وایو الله اکبر |

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد:  
نصاب تعلیمی معارف، اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی  
نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید  
هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات  
اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای  
معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام  
است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زنده گی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و  
پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی  
مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و  
مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای  
همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی  
عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در  
عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره،  
گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و  
اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می آورند.  
وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون  
اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه  
نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و  
انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا  
ساختن فعالیتهای، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر  
تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



## مقدمه

### معلمان محترم و شاگردان گرامی!

علمای اسلام، تعلیمات و آموزه‌های دین را به سه بخش: عقاید، احکام و اخلاق تقسیم نموده اند، علم عقاید باورها را در مورد خالق - جل جلاله - و مخلوق راست می‌سازد، علم احکام کردار و گفتار را استقامت می‌بخشد و علم اخلاق صفات معنوی انسانها را به سوی کمال راهنمایی می‌کند.

از آنجاییکه علم اخلاق با اوصاف معنوی افراد جامعه بشری سروکار دارد، از ایجاد توانایی‌های معنوی مطلوب و محو کردن اخلاق سوء بحث می‌کند، پس پیشرفت مادی و رفاه اجتماعی جوامع بشری تا حد زیادی به کیفیت ارزشهای اخلاقی در افراد آن ارتباط دارد.

و چون معیار مؤثریت و قابلیت فرد در گرو خصلتهای معنوی وی می‌باشد؛ ازینرو، اخلاق خوب از دیدگاه اسلام معیار نیکی و ارزش انسان شمرده شده است پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: (این خیار کم احسانکم أخلاقاً) بدون شک، بهترین شما، خوش اخلاق ترین شما است.

پس این نیاز مبرم ماست تا فضایل و ارزشهای اخلاقی در جامعه ترویج و انکشاف یابد و با فراگرفتن هدایات قرآن و سنت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و اطلاع از عملکرد و اقوال علما و پیشوایان اسلام، دانش آموزان مدارس دینی با علم اخلاق مزین گردند، خود به آن عمل نمایند و این مشعل فروزان را به هر کنج و کنار و هر خانواده برسانند، تا آنکه به زخمها و رنجهای فراوان فردی و خانوادگی جامعه ما التیام بخشیده شود.

بنا بر این جایگاه و ارزش مهم اخلاق، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان، در بخش نصاب مدارس دینی، مضمون اخلاق را در دو صنف (هفتم و هشتم) مقرر نموده و مفردات آنرا طوری عیار ساخته تا موضوعات عمده اخلاق اسلامی را با در نظر داشت اولویتها و تسلسل منطقی و سطح استعداد و توانایی‌های شاگردان در بر گیرد. در عین حال تألیف کتابهای اخلاق با روش ساده و مؤثر صورت گرفته تا به توفیق خداوند ﷻ خواندن این کتابها نه تنها برای شاگردان مدارس دینی؛ بلکه برای هر خواننده سود مند و قابل عمل واقع گردد و در شخصیت و ظرفیت وی دگرگونی مثبت ایجاد نماید.

وما ذلک علی الله بعزیز.



## فهرست عناوین

| شماره | عنوان                        | صفحه |
|-------|------------------------------|------|
| ۲۰    | ورع                          | ۷۵   |
| ۲۱    | استفاده از وقت               | ۷۹   |
| ۲۲    | نگهداری زبان                 | ۸۳   |
| ۲۳    | کتمان اسرار                  | ۸۷   |
| ۲۴    | تأنی                         | ۹۳   |
| ۲۵    | تعاون و همکاری               | ۹۷   |
| ۲۶    | حکمت                         | ۱۰۱  |
| ۲۷    | شکر                          | ۱۰۵  |
| ۲۸    | قناعت                        | ۱۰۹  |
| ۲۹    | عفت                          | ۱۱۳  |
| ۳۰    | امربه معروف و نهی<br>از منکر | ۱۱۷  |
| ۳۱    | امیدواری                     | ۱۲۲  |

| شماره | عنوان                    | صفحه |
|-------|--------------------------|------|
| ۱     | اخلاص                    | ۱    |
| ۲     | احسان                    | ۵    |
| ۳     | عدالت                    | ۹    |
| ۴     | رفق و نرمی               | ۱۳   |
| ۵     | صبر                      | ۱۷   |
| ۶     | صبر در طاعات             | ۲۱   |
| ۷     | صبر از گناهان            | ۲۵   |
| ۸     | صبر در برابر<br>مصیبت‌ها | ۲۷   |
| ۹     | حیا و فضایل آن           | ۳۱   |
| ۱۰    | انواع حیات               | ۳۵   |
| ۱۱    | تواضع و فروتنی           | ۳۹   |
| ۱۲    | نشانه‌های تواضع          | ۴۳   |
| ۱۳    | استقامت                  | ۴۷   |
| ۱۴    | قوت و نیرومندی           | ۵۱   |
| ۱۵    | اقسام نیرومندی           | ۵۵   |
| ۱۶    | غیرت                     | ۵۹   |
| ۱۷    | عفو و بخشش               | ۶۳   |
| ۱۸    | وفا به عهد               | ۶۷   |
| ۱۹    | ایثار                    | ۷۱   |





## اخلاص

شاگردان عزیز در رابطه به مضمون اخلاق، در صنف هفتم چیزهای زیادی آموختیم. ما در آن صنف، تعریف اخلاق و ارکان و انواع آن را فرا گرفتیم. تأثیر اخلاق نیک و اخلاق بد را در زنده گی فردی و اجتماعی یاد گرفتیم. ما هم چنان تعداد از خصلتها و صفات را که جزئی اخلاق فاضله یا مکارم اخلاقی به شمار می‌رود از قبیل حلم و برده باری، صلۀ رحم، صدق و راستی، امانت داری و ترحم و سخاوت آموختیم. اکنون در این صنف همان راه را پی می‌گیریم و بقیۀ اخلاق فاضله را فرا می‌گیریم. خداوند ما و شما را توفیق فراگیری این درسها و عمل بر آنها را نصیب فرماید.

اخلاص، روح هر عمل کامیاب، نشان پاکی دل، حسن نیت، طهارت قلب، ایمان صادق و پاکی اعمال از شایبۀ نفاق است. اخلاص از جمله بزرگترین اخلاق است که مسلمان باید به آن پایبند باشد تا سعادت دارین را بدست آورد. درین درس خواهیم یافت که اخلاص چیست؟ و چه فضیلت دارد؟ و علایم و آثار آن چیست؟

### تعریف اخلاص

اخلاص در لغت، مصدر اَخْلَصَ یُخْلِصُ از ماده (خَلَصَ) می‌باشد و بر پاکی و تصفیه دلالت میکند. در اصطلاح: اخلاص، عبارت از خالص ساختن عبادت است برای معبود واحد و لا شریک. معنای اخلاص آن است که انسان به وسیلۀ عمل خویش، ذات خداوند ﷻ و حصول رضای او تعالی را، منظور داشته و پاداش کار خویش را تنها از او بخواهد. عکس اخلاص، ریا است، که انسان به وسیلۀ عبادت خود شهرت در بین مردم، مصالح و اغراض موقت و زود گذر دنیوی را مد نظر بگیرد. اسلام، از ریا نهی نموده و به اخلاص داشتن دستور داده است.

### اخلاص در قرآن کریم

۱- الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾ [البینہ: ۵]

ترجمه: در حالی که فرمان نیافته بودند، جز آنکه خدا را بپرستند و ایمان و عبادت را



برای او [از هرگونه شرک] خالص کنند و حق گرا باشند، و نماز را برپا دارند و زکات بپردازند و این آیین استوار و ثابت است.

۲- در جای دیگر میفرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ يَجِدَهُمْ نَصِيرًا ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۴۵-۱۴۶]

ترجمه: بی تردید منافقان در پایین ترین طبقه از آتش اند، و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت مگر کسانی که [از گناه بزرگ نفاق] توبه کردند و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند و به خدا تمسک جستند و عبادتشان را برای خدا خالص ساختند. پس آنان در زمره مؤمنان اند، و خدا به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد.

### اخلاص در نیت

۱. پیامبر ﷺ می فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَرَوُّهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: همانا هر عمل انسان به نیت او وابسته است و هر کس نتیجه ی نیت خود را در میابد. اگر هجرت کسی به خاطر خدا و رسولش باشد، پس او ثواب هجرت به سوی خدا و رسولش را درمیابد و اگر هجرت او به خاطر کسب اغراض و منافع دنیوی یا به خاطر ازدواج با زنی باشد، پس هجرت او به خاطر چیزی می باشد که به خاطرش هجرت کرده است.

۲. رسول اکرم ﷺ، در حدیث دیگری می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَامِكُمْ وَلَا إِلَى صُورِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ»<sup>(۲)</sup>

ترجمه: «همانا خداوند ﷻ به اجسام و چهره های شما نمی نگرد، بل که به قلبهای شما می نگرد».

### اخلاص در تمام اعمال واجب است

بر مسلمان واجب است که در هر عمل نیکی که انجام میدهد، اخلاص داشته باشد، تا عمل او مورد قبول و پذیرش الله ﷻ قرار گیرد. الله ﷻ از بنده اش عملی را می پذیرد که خاص برای او تعالی بوده باشد. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ مَنْ

۱- متفق علیه

۲- مسلم



الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا وَابْتَغَى بِهِ وَجْهَهُ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: قطعاً خداوند عملی را نمی‌پذیرد، مگر آن که خالص برای او انجام شده باشد، و با آن رضایت او طلب شود.

### ریاء و شرک در عمل

ریاء چیست؟ ریاء آن است که شخصی با اعمال نیکی که انجام می‌دهد اجر و ثواب اخروی طلب نکرده و در پی به دست آوردن مصالح دنیوی باشد؛ مثلاً: شخص ریاکار، در پیش چشم مردم، در کارهای نیک و پسندیده فعال می‌باشد؛ ولی، در حال تنهایی کسل و تنبل می‌باشد. اگر مردم او را در انجام کارهای خیر مدح و توصیف نمایند، سعی و کوشش فراوان می‌نماید، و اگر کسی او را بدگویی، نماید نقص در اعمالش رونما می‌گردد.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت:

از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «اولین کسی که در روز قیامت بر او حکم می‌شود، مردیست که شهید شده و آورده می‌شود و خداوند نعمت‌های خود را به او می‌شناساند و او هم آن را می‌شناسد. خداوند برایش می‌فرماید: در برابر آن چه کردی؟ می‌گوید: در راه تو جنگیدم تا شهید شدم. می‌فرماید: دروغ گفتی و لیکن جنگیدی تا گفته شود که او شجاع است و گفته شد. پس در مورد وی دستور صادر شده و وی به رویش کشانده شده به دوزخ انداخته می‌شود. و دوم مردیست که علم آموخته و به دیگران تعلیم داده و قرآن خوانده و او آورده می‌شود و خداوند نعمت‌هایش را به او بازگو می‌کند و او هم می‌شناسد و می‌فرماید: در برابر آن چه کردی؟ می‌گوید: علم آموختم و آن را تعلیم دادم و برای رضایت تو قرآن خواندم. می‌فرماید: دروغ گفتی، لیکن علم آموختی تا گفته شود که عالم هستی و قرآن خواندی تا گفته شود، قاری هستی، گفته شد. سپس در مورد وی دستور داده می‌شود و او به رویش کشانده شده و به دوزخ انداخته می‌شود. و سوم مردیست که خداوند به وی روزی فراخ داده و از انواع مال به وی ارزانی داشته است و آورده می‌شود و او را به آن می‌شناساند و او هم می‌شناسد. می‌فرماید: در برابر آن چه کردی؟ می‌گوید: هیچ راهی را که دوست داشتی در آن خرچ شود، نگذاشتم، مگر اینکه در آن برای رضایت خرچ کردم. خداوند متعال



می‌فرماید: دروغ گفتی! تو این کار را کردی تا گفته شود که جواد و سخاوتمند است و گفته شد و در مورد وی دستور صادر می‌شود و به رویش کشیده می‌شود تا آن که در دوزخ افکنده می‌شود.<sup>(۱)</sup>

## فواید اخلاص

۱. اخلاص، اساس قبول اعمال و اقوال انسان در نزد خداوند است.
۲. رضایت خداوند ﷻ به وسیله اخلاص به دست می‌آید.
۳. اخلاص، منزلت و مقام انسان را بلند می‌برد.
۴. اخلاص، سبب اطمینان قلبی گردیده، انسان سعادت را احساس می‌کند.
۵. مقام صدق و احسان به آن تحقق می‌پذیرد.
۶. اگر شخصی از اخلاص محروم شود و به ریا و خود نمایی روی آورد، فرجام بدی در انتظارش خواهد بود.

## ارزیابی

۱. اخلاص را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. خداوند، در این آیت: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ [البینة: ۵] از مؤمنین چه خواسته است؟
۳. چرا این سه کس (شاهد، عالم، سخی) در روز قیامت به سوی جهنم کشانیده می‌شوند؟
۴. برای اخلاص در نیت یک مثال از قرآن و یا حدیث نبوی ﷺ ذکر نمایید.
۵. ریا چیست و با اخلاص چه تفاوت دارد؟
۶. چرا خداوند متعال بعضی از اعمال را هرچند که ظاهراً کار خیری هم باشد، نمی‌پذیرد؟

کارخانه گی

در مورد اخلاص یک مقاله بنویسید که علاوه بر دلایل قرآنی، بعضی از داستان‌های واقعی را نیز در بر گرفته باشد.

۱- مسلم، نسائی و ترمذی



## احسان

روزی نظر حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بر غلامی افتاد که برای بادر خود چوپانی می نمود. خواست او را امتحان کند. برایش گفت: می خواهم یکی از گوسفندان را خریداری کنم. غلام گفت: گوسفندان مال من نیستند؛ از بدارم هستند و من غلام او هستم! عبدالله گفت: ما در جایی هستیم که بدارت ما را دیده نمی تواند، یک گوسفند را برایم بفروش و به بدارات بگو که آن را گرگ خورد، غلام مراقبت خدای تعالی را به یاد آورده با آواز بلند گفت: اگر بدارم ما را دیده نمی تواند، پس خداوند کجاست؟ حضرت عبدالله رضی الله عنه از هوشیاری و ایمانداری غلام خیلی مسرور گردیده، با بدارش ارتباط بر قرار نمود و او را از وی خریداری کرده، آزاد نمود.

درین درس خواهیم دید که احسان چیست، دلایل آن کدام است و در زنده گی انسان چه تأثیر دارد و در کدام جای ها التزام به احسان ضروری است؟

### تعریف احسان و دلیل آن

احسان در لغت: یعنی انجام دادن کارهای نیک با کمال درستی و اتقان.  
و در اصطلاح: احسان عبارت از آن است که الله تعالی را بگونه عبادت نمایی گویا که او تعالی را مشاهده می کنی و اگر تو او را نمی بینی، یقین داشته باشی که او تعالی ترا می بیند.  
در روایتی آمده است که حضرت جبریل علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد احسان پرسید: احسان چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به وی فرمود: **«الْإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»** <sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «احسان، آن است که خداوند را چنان عبادت نمایی گویا که او را مشاهده می کنی و اگر تو او را نمی بینی، [یقین داشته باشی که] او ترا می بیند.  
کلمه احسان با مشتقات مختلفش صد و نود و پنج بار در قرآن به کار رفته است و این خود دلیلی بر اهمیت آن در اسلام می باشد. خداوند متعال فرموده است: **«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ**



ترجمه: «خداوند به عدالت و احسان دستور میدهد».

## انواع احسان

۱- احسان در عبادات: احسان در عبادت آن است که عبادات آدمی با به جای آوردن شروط، ارکان، آداب و سنت‌های آن صورت گیرد و مؤمن باید باور قوی داشته باشد که خداوند مراقب اوست؛ و ایمان داشته باشد که خداوند را مشاهده می‌کند.

۲- احسان در معاملات: احسان در معاملات عبارت از خوبی و نیکویی در تمام معاملات و شئون زنده‌گی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سایر اموری است که برای اسلام و جامعه انسانیت سودمند باشد.

## مواضع عملی کردن احسان

احسان در تمام اعمال مسلمان یک امر مطلوب است، چنانچه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خداوند احسان را در هر چیز فرض گردانیده است» و با آن هم در بعض موارد مهمتر شمرده می‌شود که برخی از آنها قرار ذیل است:

۱- احسان با خداوند: احسان با خداوند آن است که شخص در هر لحظه و در هر حالت حضور و مراقبت خداوند را احساس نماید.

۲- احسان با خویشان: یکی از موارد احسان با خویشان آن است که انسان مسلمان از حرام دوری اختیار کند و غیر از رضای الله متعال مراد و هدفی نداشته باشد و او با این عمل، خود را پاک نگهداشته، از گمراهی و حیرت در دنیا، و از عذاب و شقاوت در آخرت نجات می‌یابد.

۳- احسان در گفتار: احسان در سخن زدن، یک امر مطلوب است؛ لذا انسان مسلمان غیر از سخن نیک، چیز دیگری را به زبان نمی‌راند، چنانچه خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ [بقره ۸۳] ترجمه: «برای مردم سخن نیکو بگویید».

۴- احسان در عمل: شخص مسلمان باید اعمال خود را از روی احسان انجام دهد، تا مورد پذیرش خداوند جل جلاله قرار گیرد و بر سر آن پاداش به دست آورد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقِنَهُ﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «خداوند ﷻ دوست دارد که اگر کسی از شما کاری را انجام می‌دهد، آن را درست و با اتقان انجام دهد».



۵. **احسان با والدین:** انسان مؤمن باید همیشه با والدین خود احسان نموده، از اوامر آنها اطاعت نماید و حقوق شان را رعایت کند و از اساءت و بدرفتاری با آنها دوری گیرند. خداوند ﷻ در این مورد میفرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الإسراء: ۲۳]  
**ترجمه:** (ای انسان!) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و با پدر و مادر خود نیکی کنید).

۶. **احسان با همسر:** اسلام به نیکویی با همسر، و ایفای تمام حقوق او و حسن معاشرت با وی امر نموده است. خداوند متعال در این مورد فرموده است: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [النساء: ۱۹]. و چنانچه پیامبر اکرم ﷺ در این مورد فرموده است: ﴿اَسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ﴾<sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** «شما را به نیکویی با زنها سفارش میکنم چون ایشان در نزد شما امانت اند».  
 ۷. **احسان با اقارب:** باید انسان مؤمن با تمام اقارب و خویشاوندان و نزدیکان خود رحیم و مشفق باشد، خداوند ﷻ میفرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱]

**ترجمه:** «و از (خشم) خدایی بترسید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید؛ و بپرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صله رحم را نادیده گیرید)؛ زیرا که یقیناً خداوند مراقب شما است (و کردار و رفتار شما از او پنهان نمی‌ماند).

۸. **احسان با مزدور کار:** آن است که مزد او قبل از خشک شدن عرق پیشانی اش اعطا گردد و به کار شاقه فوق طاقتش گماشته نشود.

۹. **احسان با همسایگان:** مسلمان باید با همسایگان خود احسان نموده و ایشان را اکرام کند، چون پیامبر ﷺ در این مورد میفرماید: ﴿مَا زَالَ جَبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَرُونَهُ﴾<sup>(۲)</sup>

**ترجمه:** «همواره جبریل علیه السلام مرا به نیکویی با همسایه توصیه میکند، حتی گمان کردم از او میراث می‌برد». و اذیت نکردن همسایه از کمال ایمان است. آنحضرت ﷺ میفرماید: «اگر کسی به خدا و روز آخرت ایمان دارد، پس همسایه خود را اذیت نکند».

۱۰. **احسان با فقرا، مساکین و یتیمان:** مسلمان باید با فقرا و یتیمان احسان نموده، برای

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.



شان صدقه دهد و در حق شان بخل نورزد؛ زیرا مال و دارایی نعمت الهی است که باید از آن به مردم داده شود. از سوی دیگر، آن حضرت به احسان به یتیمان تأکید زیاد کرده است، حتی جایگاه سرپرست یتیم را در بهشت با جایگاه خود نزدیک و مساوی دانسته است، چنانچه می‌فرماید: ﴿أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «من و سرپرست یتیم در جنت همین قسم قرار داریم، و اشاره به انگشت شهادت و انگشت وسطی نموده، در بین آن دو انگشت خود فاصله دادند».

**۱۱. احسان با عموم مردم:** مسلمان باید به رفع نیازهای دیگران توجه کرده و تا حد توان مشکلات شان را مرفوع نماید و با آنان با نرمی و ملایمت سخن بگوید و با آنها از روی تواضع برخورد کند و آنها را امر به معروف و نهی از منکر نماید و اگر حقی بر وی داشته باشند، با جبین گشاده آن را ادا نماید.

**۱۲. احسان با حیوانات:** بر مسلمان لازم است که با حیوانات نیز احسان کند و در وقت گرسنگی برایشان خوراکه تهیه کند و اگر بیمار شدند، آنها را تداوی نماید و اسباب رفاه شان را مهیا سازد، بارشان را از توان شان اضافه نسازد، به آب و علف شان متوجه باشد، در سردی و گرمی به حال شان رسیدگی نماید، در جایی که رفته نمی‌توانند، آنها را مجبور نه سازد، و هرگاه دو نفر سوار بر مرکب‌ها در نیم راه مقابل شده و با هم صحبت نمایند، باید از مرکب‌های خود پیاده شوند.

## ارزیابی

- ۱- احسان را در لغت و اصطلاح تعریف کنید؟
- ۲- احسان چند نوع است؟
- ۳- احسان با خویشتن چگونه می‌باشد؟
- ۴- احسان با خداوند را بیان نمایید.
- ۵- احسان با خویشاوندان را توضیح دهید.
- ۶- در مورد احسان با همسایه یک دلیل بیاورید.
- ۷- با یتیمان و تهی‌دستان چگونه باید احسان کرد؟





## عدالت

روزی فرستاده پادشاه روم، وارد مدینه منوره شد تا پیام پادشاه خویش را برای امیرالمؤمنین حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه برساند. برایش گفته شد که امیرالمؤمنین در زیر درختی خوابیده است. وقتی فرستاده رومی به زیر درخت رفت، نگاه کرد که هیچ کسی به خاطر حراست از او وجود ندارد و محافظی هم در آنجا نیست که مانع ورود بی‌هنگام مردم به نزد او گردد. فرستاده رومی از دیدن این حالت، سخت شگفت زده شده همان قول مشهور خود را گفت: (عدلت، فأمنت، فنمت) ترجمه: عدالت نمودی که در امن شدی و با فکر آرام خوابیدی! عدالت امیرالمؤمنین حضرت عمر رضی الله عنه معروف و مشهور است که به عنوان نمونه از آن یاد آور شدیم.

### تعریف عدالت

عدالت در لغت از عَدَلَ یَعْدِلُ گرفته شده و آن در برگیرنده معنای استواء (برابری) می‌باشد، پس معنای عَدَلَ خلاف ظلم است، و این چیز در دلها مستقر می‌باشد. و در اصطلاح: اداکردن حق را به صاحب آن بدون زیادت و کمی عدالت گویند؛ چون زیادت فضل است و نقصان ظلم. به عبارت دیگر عدل، عملی است متوسط در بین افراط و تفریط.

و عدالت در شریعت: عبارت از استقامت بر راه حق و اجتناب از محظورات دینی می‌باشد.

### دلایل ثبوت عدالت

عدالت مسؤولیت و وجیبه هر فرد مسلمان در تعامل با افراد و گروه‌ها می‌باشد، خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾. [النساء، ۵۸]

ترجمه: «خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن بازگردانید، و هنگامی

که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید».

در آیات متعدد قرآن کریم امر به عدالت شده است، چنانچه خداوند عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى﴾ [النحل: ۹۰]

ترجمه: «خداوند به عدالت و احسان و کمک با اقرباء دستور میدهد».

## اهمیت عدالت

از جمله مهمترین ستونهای سعادت و نیکبختی که بشریت همواره برای حصول آن تلاش می‌ورزد، یکی هم اینست که مردم در مورد حقوق و اموال خویش مطمئن بوده، و عدالت میان آن‌ها حکم فرما باشد. پس عدالت در اسلام، جایگاه خاص دارد و هیچ قانونی در اسلام نیست مگر اینکه بر اساس عدالت استوار است.

## دو نمونه از عدالت در اسلام

۱. بعد از فتح مکه، زنی از خانواده‌های اشراف، مرتکب سرقت شناخته شد و خانواده آن زن از اسامه بن زید رضی الله عنه درخواست کردند تا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفته، در مورد آن زن شفاعت کند که دست او را قطع نکند و آنگاه که اسامه بن زید در مورد آن زن شفاعت کرد، چهره پیامبر صلی الله علیه و آله از شدت غضب دگرگون شده برایش گفت: آیا در مورد حدی از حدود الله شفاعت میکنی؟ سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بپا خاست و برای مردم خطبه ای را ایراد نموده فرمود: آنچه اقوام پیشین را هلاک نمود، آن است که اگر شخصی از اشراف دزدی میکرد، او را رها میکردند و اگر فقیر و مستضعفی مرتکب چنین کاری می‌شد حد را بر او جاری می‌کردند. به خدا سوگند اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی کند دست او را قطع خواهم کرد»<sup>(۱)</sup>.

۲. مردی از اهل مصر نزد حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! من با پسر عمرو بن العاص والی مصر مسابقهٔ اسب دوانی اجرا کردم و بر او سبقت جستم. پسر عمرو با شلاق مرا زد و گفت: چگونه از من پیشی می‌گیری در حالی که من شریف زاده و محترم استم؟! علی الفور حضرت عمر رضی الله عنه به عمرو بن عاص رضی الله عنه نامه نوشت و او و فرزندش را به نزد خود فرا خواند. زمانی که هر دو نزد حضرت عمر رضی الله عنه حاضر شدند، شلاق را برای آن مرد مصری داد و گفت: این شریف زاده را شلاق بزن.



## عرصه‌های اجرای عدالت

مواقع اجرای عدالت فراوان است، ولی از آن جمله به مواقع زیر اشاره می‌نماییم:

۱. **عدالت در حق همسران:** اگر مرد مسلمان بیشتر از یک همسر داشته باشد، باید در حق همسران خویش عدالت را مراعات نماید.

۲. **عدالت در میان فرزندان:** باید شخص مسلمان میان فرزندان خود مساوات و عدالت نماید؛ حتی در نوازش و هدیه، بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح ندهد تا سبب افروختن آتش عداوت و دشمنی در بین شان نگردد. پیامبر ﷺ فرمودند: **﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ﴾**

ترجمه: «از خداوند بترسید و میان فرزندان خویش عدالت نمایید».

۳. **عدالت در میان رعیت:** خداوند بر حاکم مسلمان فرض گردانیده که عدالت را در بین رعیت خویش مراعات نموده و بر هیچکس ظلم نکند و به یک طرف به حساب دیگران مایل نشود و سعی نماید که حقوق آنها را عادلانه تأمین کند و ظلم را از سر شان بردارد.

۴- **عدالت در بین دو فرد متخاصم:** پیامبر اکرم ﷺ در تطبیق عدالت بهترین مثال است؛ دو شخص که در بین خود به کدام چیزی اختلاف داشتند از جمع انصار نزد آن حضرت ﷺ حاضر شده از ایشان خواستند که در بین شان حکم کند، آن حضرت ﷺ برای شان گفتند: اگر کسی حق برادر خود را بگیرد در حقیقت پاره ای از آتش دوزخ را گرفته، آن دو شخص گریان نموده، هر کدام شان از حق خود برای برادر خود تنازل نمود.

۱. عدالت در ترازو و پیمانه: لازم است که شخص مسلمان در وزن کردن عدالت نموده حقوق مردم را مکمل ادا نماید، و از جمله آنانی که از مردم زیاد گرفته و برای شان کم میدهند، نباشد، چون خداوند تعالی برای اینگونه مردم و عید داده می‌فرماید: **﴿وَيَلِّ لِلْمُطَفِّينَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿۲﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿۳﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿۴﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۵﴾﴾** [المطففين: ۱-۵]

ترجمه: وای بر کم فروشان آنان که چون از مردم کالایی را با پیمانه و وزن می‌ستانند، تمام و کامل می‌ستانند و چون برای آنان پیمانه و وزن کنند، کم می‌دهند، آیا اینان یقین ندارند که حتماً بر انگيخته می‌شوند برای روزی بزرگ»؟.

## فوائد عدالت

عدالت آثار و فواید فردی و اجتماعی بس بزرگی به بار می‌آورد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- عدالت یکی از مهمترین فضائل اخلاقی است؛ چون بوسیله آن حقوق مردم مصوون مانده، مساوات در بین مردم تحقق می‌پذیرد.
- ۲- عدالت، اساس وزیر بنای حکومتداری و بقای دولتها و رمز قدرت و پایداری آنها است و هرگاه ظلم در جامعه رائج گردد، حقوق پایمال می‌شود و امنیت مختل می‌گردد و اعتماد بین حاکم و محکوم از بین می‌رود و فساد و فتنه همه جا را فرا می‌گیرد.
- ۳- عدالت در جامعه الفت، رحمت و همبستگی را بوجود می‌آورد؛ چون هر یک از افراد جامعه مصوونیت حقوق خویش را احساس می‌نماید.

## ارزیابی

- ۱- معنای عدالت چیست؟
- ۲- یک آیه را ذکر نمایید که دلالت به وجوب اقامه عدالت کند؟
- ۳- دو مثال به عنوان نمونه عدالت در اسلام را بیان نمایید؟
- ۴- دو فایده از فواید عدالت در زنده‌گی را ذکر کنید؟
- ۵- عرصه‌های اجرای عدالت کدام است و برای آن مثال بیاورید؟

کارخانه‌گی

یک مقاله در مورد عدالت بنویسید که در آن علاوه بر عرصه‌های اجرای عدالت یاد شده در این درس، به شماری از عرصه‌های دیگر اجرای عدالت در زندگی اشاره شده باشد و از یک صفحه کمتر نباشد.

## رفق و نرمی

رفق و نرمی از جمله اخلاق اسلامی محسوب می‌شود که انسان مسلمان باید آن را در تمامی امور خویش تطبیق نموده و از سنگدلی، سرکشی، فحش و یاوه سرایی دوری جوید. از خصوصیت‌های مسلمان، التزام و پای بندی به نرمی و ملایمت در تعامل با مردم می‌باشد. الگوی شخص مسلمان در این زمینه رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حق مسلمین خیلی مهربان بودند، چنانچه از ام المؤمنین عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر آینه خداوند نرم است و نرمش را دوست می‌دارد و در برابر نرم رفتاری ثوابی می‌دهد که به سخت رفتاری و دیگر کارها نمی‌دهد»<sup>(۱)</sup>. این درس به شناخت معنی و مفهوم رفق و نرمی تخصیص یافته است.

### تعریف رفق و نرمی

رفق در لغت: به معنای مهربانی، نرمی و لطف و نیکویی است.  
رفق در اصطلاح: عبارت از نرمی در گفتار و رفتار و کردار، و آسانگیری در تعامل با مردم می‌باشد.

### دلایل اثبات رفق و نرمی

آیات قرآنی در مورد رفق:

۱- خداوند عَزَّ وَجَلَّ به تحلی به رفق و نرمی در تمام کارها دستور داده، و از شدت و سختی و عنف بر حذر داشته است، خداوند عَزَّ وَجَلَّ می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» [الأعراف: ۱۹۹]

ترجمه: «گذشت داشته باش و آسانگیری کن و به کار نیک دستور بده و از نادانان چشم پوشی نما».



۲- خداوند متعال پیامبرانش، موسی و هارون علیهما السلام را به رفق و نرمی در دعوت دستور می‌دهد: ﴿اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۴۳) فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ [طه: ۴۳-۴۴]

ترجمه: «به سوی فرعون بروید که سرکشی کرده است (و در کفر و طغیان از حد گذشته است). سپس به نرمی با او (در باره ایمان) سخن بگویید، شاید ( غفلت خود و عظمت خدا را) به یاد آورد و (از عاقبت کفر و طغیان خویش و عذاب دوزخ) بهراسد».

### نرمی و ملایمت در حدیث و سیرت پیامبر ﷺ

حضرت پیامبر اکرم ﷺ مهربان ترین و نرم ترین شخص بود و بهترین مثالهای نرمی و مهربانی در تعامل با اصحاب و یا رانش را برای ما به عنوان نمونه و الگو به جا گذاشته است مثلاً:

روزی یک اعرابی نزد آنحضرت ﷺ حاضر شده از او تحایف و هدایا طلب نمود و با شدت با او سخن گفت، آن حضرت ﷺ تبسم نموده برایش بار دو شتر را بخشش نمود، و در احادیث آمده است که رسول الله ﷺ با حضرت حسن و حسین بازی نموده و آنها را بوسه می‌نمود، و آنان را روی شانه‌های مبارک خود بر میداشت.

آنحضرت، همیشه اصحاب و یاران خویش را توصیه نموده و می‌فرمود: ﴿يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَيَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «آسانگیری کنید و سختگیری نکنید، و به مردم مژده دهید و آنها را گریزان مسازید».

### انواع رفق

رفق خصلت بزرگ اسلامی است که در هر چیزی رونما گردد، آنرا زینت می‌بخشد، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: نرم رفتاری در هیچ چیزی نمی‌باشد، جز این که آن را زینت می‌بخشد و از هیچ چیزی دور نمی‌شود، مگر این که آن را زشت می‌سازد<sup>(۲)</sup>.

رفق را باید در عرصه‌های مختلف زندگی به مرحله اجراء گذاشت؛ رفق و نرمی با مردم، نرمی با خدمتگزاران، نرمی با حیوانات و نرمی با نباتات و همه چیز. برای اثبات

۱- متفق علیه

۲- مسلم

این مطلب نصوص دینی زیادی وارد شده است. از جمله آن پیامبر ﷺ فرموده است:  
«سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: «دشنام دادن مسلمان فسق و جنگ با او کفر است».  
رسول اکرم ﷺ در حدیث دیگری فرموده است: «مَنْ لَطَمَ مَمْلُوكَهُ أَوْ ضَرَبَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ فَكَفَّارَتُهُ أَنْ يُعْتِقَهُ»<sup>(۲)</sup> ترجمه: «کسی غلام خود را بزند و یا او را به اساس گناهی که او نکرده بر وی حد جاری کند، پس کفاره اشتباهش آزاد نمودن اوست».

### فضیلت و اهمیت رفق و نرمی در جامعه

هر جامعه ای که افراد آن به رفق و نرمی ملتزم باشند، محبت و احترام متقابل در میان شان انتشار یافته سبب رضای الله متعال و رسولش میگردد. پیامبر اکرم ﷺ با روشهای مختلف کوشیده است که ما را بطرف رفق و نرمی سوق دهد، چنانچه فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ»<sup>(۳)</sup>

ترجمه: «خداوند با رفق و مهربان است و مهربانی را در تمام کارها دوست دارد».  
مسلمان با نرمی و ملایمت از آتش دوزخ دور گردیده و از اهل بهشت به شمار می آید.  
پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: آیا شما را خبردار نسازم از کسی که بر دوزخ حرام است؟ و یا دوزخ بر او حرام است؟ دوزخ حرام است بر هر شخص نرم و ملایم و آسان گیر. و اگر انسان با مردم نرمی و ملایمت کند، خداوند با او در روز قیامت نرمی و شفقت میکند.  
روزی یک مرد صحرا نشین، در مسجد بول نمود. مردم برخاستند تا او را سرزنش نمایند. پیامبر ﷺ فرمود: او را بگذارید و بر بول او آب بریزید؛ زیرا شما برانگیخته شده اید تا آسانگیر باشید و برای آن برانگیخته نشده اید که سختگیری کنید<sup>(۴)</sup>.

- 
- ۱- متفق علیه
  - ۲- مسلم
  - ۳- البخاری
  - ۴- بخاری

## ارزیابی

الف: به پرسش‌های ذیل پاسخ دهید:

- ۱- رفق و نرمی را تعریف کنید.
  - ۲- یک نمونه از رفق را بیان نمایید.
  - ۳- حدیثی را بیان کنید که بر رفق تشویق می‌نماید.
  - ۴- برای اثبات رفق و نرمی از قرآن کریم یک دلیل بیاورید.
  - ۵- با مادر خود چگونه تعامل و رفتار باید کرد؟
  - ۶- با پدرت چگونه تعامل و رفتار باید داشته باشی؟
  - ۷- با دوستان و همسایگان خود چگونه رفتار و معامله می‌کنی؟
  - ۸- خویشتن را بررسی نمایید که آیا صفت رفق و نرمی در شما وجود دارد؟
  - ۹- در جامعه امروزی ما، آیا مردم بر اساس رفق و نرمی تعامل میکنند یا نه؟
- ب: نظر خود را در موارد ذیل بیان نموده، و نیز توضیح دهید که تصرف صحیح در آن چگونه می‌باشد:
۱. دسته ای از شاگردان اتفاق بر آزار و اذیت یکتن از دوستان خود کردند.
  ۲. کارمند با مراجعین خود تعامل بد میکند، و بر سر ایشان فریاد می‌کشد.
  ۳. طفلی سگ را باریسمان محکم بسته و او را با شدت می‌کشانند.
  ۴. کودکی پرنده یی را گرفته و بال‌هایش را قطع میکند.
  ۵. مردی با همسر خود تعامل بد و نادرست می‌نماید.

کارخانه گمی

شاگردان عزیز! در کتابچه‌های خود چگونگی تعامل و رفتار نیک با خانواده را تحریر کنید، و در این مورد کلمات ذیل را می‌توانید به کار ببرید: رفق، نرمی، گذشت، احسان، شدت، سختی، بدبینی، غضب، قهر، کبر و غرور.



## صبر

اکثریت ارزشهای اخلاقی و ایمانی اسلام به صبر ارتباط دارد؛ از اینرو پیامبر اسلام در یک حدیث نبوی صبر را ایمان خوانده است.

صبر چیست؟ صبر چه اهمیت دارد؟ فضایل و ثمرات آن چگونه است؟ انواع صبر از چه قرار است؟ اجر و منزلت صابران در اسلام چگونه است؟

### تعریف صبر

صبر در لغت، به معنای حبس است و در اصطلاح عبارت است از حبس نفس بر چیزی یا از چیزی. رمضان را ماه صبر می‌گویند به خاطری که آدم در آن ماه نفس خویش را حبس می‌کند و نمی‌گذارد همه خواهشاتش را به دست آورد.

صبر نیروی اخلاقی است که انسان را برای تحمل سختی‌ها، دردها و مشقتها آماده می‌سازد و او را از بیقراری، آه و فریاد، شور و هیجان، ترس و طمع و دیگر تمایلات نفسی و غریزی باز می‌دارد.

صبر دو شاخه اساسی دارد:

**صبر بدنی:** که در انجام کارهای دشوار و مقاومت در برابر سختیها و مشقتها صورت می‌گیرد.

**صبر نفسی:** که خود داری از خواسته‌ها و هوسهای فطری و غریزی را شامل می‌شود. صبر نفسی میدان وسیع و نامهای متعدد دارد؛ مثلا: اگر در مقابل مصیبت باشد، بنام "صبر" یاد میشود، اگر در جنگ باشد، "شجاعت" گفته میشود، اگر در مقابل خواسته‌های شهوانی باشد بنام "عفت" یاد میشود، اگر در مقابل غضب باشد، بنام "حلم" یاد میشود.

قرآن کریم مجموع این انواع را بنام (صبر) یاد نموده است. آنجا که می فرماید: ﴿وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۷] ترجمه: و (خوشا به حال) صابرائی که به هنگام تنگدستی و ناخوشی و هنگام کار زار صبر می کنند، اینها کسانی هستند که راست میگویند و هم اینان پرهیزگاراند.



## فعالیت

یک شاگرد مکتب و طالب علم چگونه به صبر ضرورت دارد؟ نتیجه و ثمره صبر کردنش چه می باشد؟ معلم محترم موضوع را با شاگردان بحث نماید.

## اهمیت صبر

از آنجایی که خداوند متعال مرگ و زندگی را برای امتحان آفریده است، هر انسان در حیات خود ناگزیر به انواع مشکلات، مصایب، ناخوشیها و سختیها مواجه میگردد. وقتیکه سیل حوادث ناگوار زندگی بالای انسان هجوم می آورد، روشنائی صبر پیشروی مسلمان متجلی گردیده، مؤمن واقعی با سلاح صبر به مقابله ابتلاءات و پیشامدهای تلخ و شیرین زندگی می شتابد.

فهم درست از صبر همراه با توقع نصرت دنیوی و اجر اخروی آن، مسلمان را از بیقراری در برابر مشکلات و مصایب باز میدارد. صبر جوهر پختگی و استواری انسان در برابر دشواریها و مصیبتهاست و میزان صدق و کذب انسانها میباشد. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾ [محمد: ۳۱]

ترجمه: و همین گونه شما را می آزماییم تا از میان شما مجاهدان و صابران را باز شناسیم.

## فضایل صبر

صبر فضیلت های زیادی دارد؛ بطور نمونه، به فضایل آتی اشاره می نماییم:

۱- صبر از صفات پیامبران است. چنانچه خداوند متعال صبر ایوب علیه السلام را ستایش

نموده می‌فرماید: ﴿إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ [ص: ۴۴]

ترجمه: ما او را شکیبا یافتیم، چه نیکو بنده ای که ثواب بود.

۲- صبر از اخلاق انسانهای با ثبات و صاحبان عزم راسخ است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [الشوری: ۴۳]

ترجمه: هر کس که شکیبایی و گذشت پیشه کند، بیگمان این از کارهای سترگ است.

۳- صبر دلیل صدق ایمان است. سوره "العصر" به این امر دلالت دارد.

۴- صبر کلید گشایش مشکلات انسان است. پیامبر اسلام می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّابِرِ﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: و بدان که نصرت و کامیابی همراه صبر است.

۵- صبر وسیله رسیدن به قیادت و زعامت در دنیا و امامت در دین است.

۶- فضیلت و منزلت صبر به حدی می‌رسد که خداوند متعال اجر و ثواب صبر کننده‌گان را بی حساب وعده می‌دهد. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰]

ترجمه: همانا پاداش صابران بی حساب به آنان داده می‌شود.

## خلاصه

- بیشتر ارزشهای اخلاقی و ایمانی به صبر ارتباط دارند.
- صبر بمفهوم منع کردن نفس و آمادگی برای تحمل انواع دشواریها می‌باشد.
- فهم درست صبر انسان را برای تحمل مشکلات و دشواریهای مادی و معنوی آماده می‌سازد.
- فضایل صبر بی‌شمار است: صبر از صفات پیامبران، اخلاق انسانهای بزرگ، دلیل صدق ایمان، گشایش مشکلات، وسیله رسیدن به زعامت در دنیا و امامت در دین است.



## ارزیابی

- ۱- کلمه (صبر) چه معنی دارد؟
- ۲- شاگردان با رهنمایی و مساعدت معلم صاحب ارتباط صبر را با سایر احکام و ارزشهای اخلاقی اسلام بحث و مناقشه نمایند.
- ۳- معنای مخالف کلمات ذیل را پیدا نمایید!  
صبر، شجاعت، حلم، عفت، تواضع
- ۴- صبر بدنی و صبر نفسی از هم چه فرق دارند و کدام یکی مهمتر است؟ مثال بیاورید!
- ۵- چهار فضیلت از فضایل صبر را ذکر نمایید؟
- ۶- اجر و ثواب صبر با دیگر طاعات و مکارم اخلاق چه فرق دارد؟

## صبر در طاعات

مفهوم صبر و اهمیت و فضائل آنرا در درس قبلی آموختیم. در این درس نقش و جایگاه صبر در طاعات و عبادات را فرا می‌گیریم.

### صبر در طاعات

در اسلام طاعات و اوامر زیادی است که ادای آن به صبر نیاز دارد. طاعات بصورت عموم به فرایض و نوافل تقسیم می‌گردد که خداوند آن را در این آیت مبارکه جمع نموده و به اجرای آن امر کرده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ [النحل: ۹۰] ترجمه: خداوند به عدل و احسان و ادای حق خویشاوندان فرمان می‌دهد. البته همه این طاعات به صبر ضرورت دارند.

### صبر در عبادات

عبادات از جمله طاعات اسلام اند و نماز در رأس این عبادات قرار دارد که ادای آن صبر و استقامت می‌خواهد؛ زیرا نماز فریضه ای است که در یک شبانه روز پنج بار تکرار می‌شود و خداوند مؤمنان را در ادای آن به صبر و شکیبایی امر نموده است؛ چنانچه می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ [طه: ۱۳۲]

ترجمه: و خانواده ات را به نماز فرمان ده و در آن صبورانه بکوش.

پس ادای نماز موضوع ساده و آسان نیست؛ زیرا ادای درست این فریضه، اخلاص و صبر و فدا کاری می‌خواهد. توقف کار و مشغولیت‌های زندگی روزانه پنج بار برای ادای نماز عمل دشوار است؛ مگر برای مؤمن راستین که با صبر و اخلاص، خشوع و تجرد خویشتن را برای ادای نمازهای پنجگانه فارغ می‌سازد و کار و بار خود را توقف داده به مناجات

پروردگار خویش می‌شتابد.

به همین ترتیب اگر به سایر عبادات نظر کنیم می‌بینیم که ادای هر یکی به انواع صبر و فداکاری ضرورت دارند. مثلاً انجام فریضه حج، ادای فریضه روزه، ادای فریضه زکات و دیگر شعائر اسلامی به صبر و استقامت معنوی و مادی احتیاج دارند.

### صبر در جهاد

جهاد در راه خدا از موارد دیگر طاعات است که مستلزم صبر قوی و فداکاری به جان و مال در راه خدا می‌باشد. به همین دلیل قرآنکریم سخت‌ترین مراتب صبر را در جهاد بیان نموده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۲۰۰]

ترجمه: ای مؤمنان شکیبایی و پایداری ورزید و آماده جهاد (و سایر عبادات) باشید، و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. در این آیت مراتب و مراحل صبر با کلمات (صبر، مصابر، رابطه) بحیث شرط حصول کامیابی و رستگاری تأکید گردیده است که خود اعجاز قرآنکریم را نشان می‌دهد.



### فعالیت

میان کلمات (صبر - مصابر - رابطه) از لحاظ معنی چه تفاوت و ارتباط می‌بینید؟ معلم محترم موضوع را با شاگردان مورد بحث و گفتگو قرار بدهند.

### صبر در تحصیل علم

همچنین صبر و استقامت در راه تحصیل علم، تحقیق و تفکر در کاینات و مخلوقات خداوند از موارد دیگر صبر بر طاعات شمرده می‌شود که صبر طولانی، اراده محکم و تحمل فراوان ضرورت دارد. از همین جهت است که تحصیل علم و استنباط احکام شرعی در اسلام، بنام (اجتهاد) که بمعنای سعی و تلاش می‌باشد، نام گذاری شده است. و این درجه را تنها کسانی حاصل می‌کنند که از نیروی صبر و استقامت قوی بهره مند

باشند؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [لقمان: ۳۱]

ترجمه: آیا ننگرسته ای که کشتیها به نعمت الهی در دریا روانند، تا به شما از آیات خویش بنمایاند؛ بیگمان در این برای هر شکیبای شاکری مایه‌های عبرت است. این آیت دلالت بر آن دارد که تحقیق و تفکر در پدیده‌های طبعیت و کائنات، انسان را به وحدانیت خداوند رهنمایی میکند؛ همچنان دلالت بر آن دارد که پژوهش و تفکر علمی و استفاده از نتایج آن تنها با صبر قوی و ایمان استوار به دست می‌آید.



### فعالیت

آیا درس خواندن به صبر ضرورت دارد؟ شاگردان نظر بدهند.  
به این ترتیب ملاحظه نمودیم که طاعات و عبادات اسلامی به صبر و استقامت ادا می‌شود و مسلمان صبر کننده در نتیجه صبر خود برای انجام این طاعات و عبادات به سعادت و کامیابی دنیا و حصول اجر و ثواب در آخرت نایل می‌گردد.

### خلاصه

- در اسلام طاعات و عبادات زیادی است که ادای آن به صبر و استقامت نیاز دارد.
- هر یکی از عبادات اسلامی مستلزم صبر و استقامت است.
- فریضه جهاد بالا ترین صبر و استقامت و تحمل را ایجاب می‌کند
- تحصیل علم یکی از فرایض اسلامی است که به صبر و تحمل و استقامت ضرورت دارد.

### ارزیابی

۱. چگونه ادای نمازهای پنجگانه به صبر ضرورت دارد؟ توضیح بدهید.
۲. اگر نماز بصورت درست ادا شود، چه فواید و نتایجی برای نماز گزار ببار می‌آورد؟

۳. صبر در ادای روزه چه نقش دارد و فواید این صبر برای روزه دار و جامعه چگونه است؟

۴. مراتب صبر را در جهاد توضیح نمایید؟

۵. صبر در تحصیل علم و پژوهشهای علمی چه اثر دارد و نتیجه صبر و زحمت کشی یک شاگرد چه می باشد؟

کارخانه گی

راجع به ضرورت صبر در ادای فریضه حج یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.



## صبر از گناهان

پیامبر اسلام می‌فرماید که "راه جنت با سختیها و مشقتها و راه دوزخ با خواسته‌های شهوانی پوشانده شده است"<sup>(۱)</sup>.

### صبر از گناهان

انسان همراه با خواهشات نفسانی و غرایز شهوانی متنوع، آفریده شده است. این خواسته‌ها و شهوتها یا مباح و جایز است و یا ممنوع و حرام، که هر دو به صبر ضرورت دارند. خواسته‌های مشروع و حب مال و متاع حلال دنیا برای مسلمان ممنوع نیست، ولی مسلمان باز هم در استفاده از لذتهای دنیا افراط نمی‌کند و در حصول آن از صبر و قناعت و زهد کار میگیرد.

اما صبر در برابر گناهان و خواسته‌های نا مشروع نفس برای مسلمان یک جهاد و مبارزه پیگیر و دوامدار است. مسلمان در این مبارزه دوامدار به صبر و اراده قوی ضرورت دارد تا بتواند در مقابل انواع خواسته‌ها و تحریک کننده‌های نفسی و مادی که پیشروی وی قرار میگیرد و با شیوه‌های گوناگون مزین ساخته میشود صبر کند و با آن مبارزه نماید. خداوند عز وجل انواع معاصی را در این آیه مبارک جمع نموده و از ارتکاب آن نهی فرموده است: ﴿وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ﴾ [النحل: ۹۰]

ترجمه: و از نا شایستگی و کار ناپسند و سرکشی باز می‌دارد. اجتناب از همه این معاصی باز هم به صبر ضرورت دارد. سخت ترین صبر در برابر گناهان و عادات نا پسند می‌باشد که در میان مردم به رسم و رواج عمومی تبدیل گردیده، خصوصا گناهان زبانی از قبیل: غیبت، دروغ، ریا، خود ستایی، سخن چینی و امثال آن که با سهولت و آسانی در میان مردم رد و بدل میشود و به عادت روز مره مبدل گردیده و از امراض مهلک جامعه محسوب میشوند که در برابر آن به صبر و مقاومت جدی ضرورت است.

۱- متن حدیث مبارک چنین است: «حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَحُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ». صحیح مسلم.

برخی معاصی و گناهان زبانی را که در میان مردم شایع است نام بگیرید.

### الگوی صبر و مقابله با مغریات

زندگی پیامبران الهی، اصحاب کرام، اولیای خدا و صالحین پر از تجارب و نمونه‌های بی‌مانند صبر و استقامت در مقابل انواع مغریات، خواسته‌های نفس، وساوس شیطان و ابتلائات گوناگون است که همه درس صبر بما می‌آموزند.

بطور نمونه به داستان حضرت یوسف علیه السلام توجه نمایید که چگونه در قصر عزیز مصر در مقابل تحریکات، فشارها و تهدیدات زن عزیز مصر، صبر و مقاومت نشان داد و از این امتحان سخت پیروزمندانه و سر بلند بیرون شد تا اینکه صبر و استقامت یوسف علیه السلام جاودانه ثبت تاریخ انسانیت گردید.

ابن قیم جوزی از صبر یوسف علیه السلام اینچنین نتیجه گیری نموده است: "سوره یوسف را خواندم.. وتأمل نمودم که صبر یوسف در مقابل خواسته‌های نا مشروع نفس، عظمت او را جاودان گردانید. بخود گفتم: عجب! هرگاه یوسف علیه السلام خواسته نفس را قبول میکرد، نتیجه چه می‌بود؟! اما او در مقابل هوای نفس مقاومت کرد و به این ترتیب صبر یوسف علیه السلام برای همیشه سرمشق و افتخار انسانها گردید که این همه عظمت و افتخار نتیجه صبر چند لحظه بود".

### خلاصه

- صبر در مقابل معاصی و خواسته‌های تحریک کننده و گناهان ثواب عظیم دارد.
- صبر در مقابل گناهان و خواسته‌های نفس یک جهاد دوامدار است.
- صبر و مقاومت یوسف علیه السلام در برابر اغراءات و مقابله با معاصی، الگو و سرمشق اخلاق اسلامی می‌باشد.

### ارزیابی

- ۱- متن عربی حدیث شریف «راه جنت به سختیها و راه دوزخ به شهوات پوشانده شده است» را حفظ و تکرار نمایید.
- ۲- چرا در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله راه جنت دشوار و راه دوزخ آسان خوانده شده است؟ شاگردان توضیح بدهند.
- ۳- چرا صبر در مقابل گناهی که شکل عادت عمومی را بخود گرفته، دشوار است؟ توضیح بدهید.
- ۴- امام ابن قیم جوزی از خواندن سورت یوسف چه نتیجه گرفته است؟ مختصراً بیان نمایید.

## صبر در برابر مصیبت‌ها

عمر بن خطاب رضی الله عنه فرموده است: "هر مصیبتی عاید حالِم گردید، با سه چیز خدا را شکر نمودم؛ اول آنکه مصیبت عاید شده در دنیایم بود نه در دینم. دوم آنکه خوب است که مصیبت بزرگتر از آن برایم نه رسیده. سوم آنکه با صبر کردن در مقابل مصیبت اجر کمایی نمودم".

### صبر بر مصیبت نشان صدق ایمان است:

صبر بر مصیبت از نشانه‌های صدق ایمان و رضای کامل به قضا و قدر خداوند است. وقوع مصیبت از جانب خداوند یا نشان عقوبت و مجازات انسان است و یا امتحان و آزمایش الهی که در هر دو حالت باید به صبر استعانت خواسته شود. دین مقدس اسلام مؤمنان را در حالات مبتلا شدن به مصایب و درد و رنج ناشی از مصیبت‌ها، به صبر توصیه نموده و در مقابل، برایشان اجر و پاداش عظیم بشارت داده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ، أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷]

ترجمه: و همواره شما را به نوعی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود محصول می‌آزماییم و صابران را نوید بده. همان کسانی که چون مصیبتی به آنان رسد گویند: ما از خداییم و به خدا باز می‌گردیم. بر اینان درود و رحمت پرورگار شان باد و ایشانند که رهیافته اند.

از این آیت قرآنی چنین می‌فهمیم که خداوند متعال مؤمنان را با مصیبت ترس، گرسنگی، کمبود اموال و دارایی و گرفتن جان امتحان میکند. و همچنان این نص

قرآنی دلالت بر آن دارد که مسلمان صابر در مقابل مصیبت‌های وارد شده، مستحق عالی‌ترین قدر و منزلت و ثواب و پاداش می‌گردد.

#### فعالیت

آیت مبارکه فوق پاداش و اجر صبر کننده در برابر مصیبت را سه چیز وعده داده است، این سه پاداش کدامها اند؟ شاگردان به نوبت توضیح بدهند.

#### ابتلاء و امتحان سنت خداوند است

ابتلاء و امتحان انسان به مصایب، سنت خداوند است که بسا اوقات بندگان مخلص خود را به مصیبت و مشقت آزمایش می‌کند؛ چنانچه پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: کسی را که خداوند ارادهٔ خیر کند، او را به مصیبت مبتلا می‌سازد. همچنان در حدیث دیگری چنین آمده است: «لَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِي نَفْسِهِ وَمَالِهِ وَفِي وَلَدِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَا عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَةٍ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: همواره هر مرد و هر زن مؤمن در فرزند و مال خویش دچار ابتلاء و امتحان است تا وقتی که بخداوند بپیوندد و گناهان وی بخشیده شده باشد. صبر و قناعت و رضایت در برابر درد و رنج مصیبت‌ها، برای مسلمان دو نتیجه بار می‌آورد که هر دو به خیر و منفعت مسلمان است:

- ۱- پاداش عاجل که عبارت از کفارهٔ گناهان و آمرزش لغزشهای انسان می‌باشد.
- ۲- پاداش اخروی مصیبت، که بحیث ثواب و فضل و رحمت خداوند برای مؤمنان داده می‌شود.

#### ادب مؤمن در وقت مصیبت

باید بدانیم که انسان وقتی پاداش دنیوی و اجر و ثواب اخروی را نصیب می‌شود که آداب اسلامی را در هنگام مبتلا شدن به مصیبت مراعات نماید. هرگونه مظاهر و اشکال جزع

۱ بخاری

۲ ترمذی

و فزع در وقت مصیبت از قبیل کندن موی و روی، یخن پاره کردن، اظهار افسردگی، تغییر عادت در چهره، لباس و امثال آن از نظر اسلام مردود است. اسلام آداب استقبال مصیبت را با گفتن کلمه **﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾** مشخص ساخته است.

همچنان پیامبر اسلام مؤمن را در وقت مصیبت ارشاد فرموده که بگوید: **﴿اللَّهُمَّ اجْزِنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَعْقِبْنِي خَيْرًا مِنْهَا﴾**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: بار خدایا! بمن در مصیبتم اجر نصیب بگردان و بهتر از آن بمن ارزانی کن. به این ترتیب هرگاه یک مؤمن با اینچنین ادب در مقابل مصیبتی که به وی عاید میشود برخورد نماید، شامل صبر جمیل میشود که علمای اسلام صبر جمیل را چنین تعریف نموده اند: صبر جمیل به آن صبری گفته می‌شود که بدون جزع و فزع باشد و به کسی شکایت نکند و یا اینکه مؤمن در وقت مصیبت حالت طبیعی و عادی خود را از دست ندهد و بدون تغییر در چهره و لباس و روش قبلی اش با دیگران پیش آمد نماید.

### خلاصه

- خداوند متعال مؤمنان را در جان و مال و فرزندان شان مورد امتحان و ابتلاء قرار می‌دهد.
- از نگاه اخلاق اسلامی امتحان و آزمایش و رسیدن مصیبت برای مؤمن دلیل خیر خواهی خداوند برایش می‌باشد.
- صبر و شکیبایی در هنگام مصیبت و برخورد با آن مؤمن صابر را از غیر آن جدا می‌سازد.

### ارزیابی

۱. وقوع مصیبت برای انسان در دنیا، به چه مقصد صورت می‌گیرد و انسان مؤمن در وقت مصیبت به چه چیز استعانت بجوید؟
۲. خداوند در آیت مبارکه فوق مسلمان را با کدام چیزها مورد ابتلا و آزمایش قرار داده

---

۱- روایت مسلم

است؟

۳. هرگاه خداوند عز و جل بنده مخلص خود را به مصیبت‌ها و مشکلات مبتلا سازد، گویا اینکه:

(أ) او را بد می‌بیند. (ب) او را عذاب میکند. (ج) به وی اراده خیر دارد.

۴. مؤمن در وقت مبتلا شدن به مصیبت چه میگوید؟

۵. صبر در وقت مصیبت و رضایت به قضا و حکم خداوند برای مؤمن صبر کننده دو نتیجه دارد:

(۱)

.....

(۲)

.....

۶. صبر جمیل آن است که انسان در وقت مصیبت:

(أ) لباس سیاه بپوشد و فریاد و ناله نماید.

(ب) اظهار افسردگی نموده، با مردم صحبت نکند.

(ج) به قضای خدا راضی باشد و به کسی شکایت نکند.

کارخانه گی

راجع به برخی عادات غیر شرعی در هنگام مصیبت (فوت اقارب) که در میان بسیاری مردمان رواج دارد، در روشنایی صبر بر مصیبت مقاله ای در یک صفحه بنویسید.

## حیا و فضایل آن

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: چهار چیز از سنتها و روشهای پیامبران است: حیا، خوشبویی، مسواک و ازدواج.<sup>(۱)</sup>



### فعالیت

در باره حیا چه میدانید؟ شاگردان بطور منظم اظهار نظر نمایند.

### تعریف حیا

حیاء خوی و خصلت نیکو و نشانه عزت انسان است. حیاء عبارت از تغییر نفسی است که در حالت احساس عیب به انسان پیش می‌شود. حیا در اصطلاح، همان خویی است که انسان را به ترک نمودن امور بد، وادار می‌سازد، و صاحب خود را از تقصیر و کوتاهی منع می‌کند؛ بناءً، حیاء انسان را بسوی کمال و همت بلند سوق می‌دهد و از کردار پست و رذایل باز می‌دارد. ضد حیا وقاحت و چشم سفیدی است، که شخص به اقوال و افعال نا شایست، شرم آور و بی‌حیایی دست می‌زند.

### فرق بین حیا و خجالت

حیای شرعی همین است که گفته شد، اما آن نوع خجالت و کم دلی که برخی به آن دچار هستند که آنها را از کارهای خوب باز می‌دارد و در وقت ضرورت به خوبی‌ها امر و از بدی‌ها منع کرده نمیتوانند، در فرا گرفتن علم خجالت می‌کشند. این حالت حیای شرعی نیست، بلکه تنها در عرف به آن حیا گفته می‌شود، و این صفت نا پسند است و باید انسان خود را از آن رها سازد.

۱- رواه الترمذی

## فضایل حیا

پیامبر اسلام ﷺ در باره حیا رهنمودهایی فرموده که از جمله، موارد زیر را می‌توان ذکر نمود:

### حیا شاخه ایمان است

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً، أَعْلَاهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «پیامبر ﷺ فرمودند: ایمان هفتاد و چند شاخه دارد که اعلی ترین آن گفتن کلمه لا اله الا الله و پایین ترین آن دور ساختن نا پاکی اذیت کننده از راه می‌باشد، و حیا شعبه و یا شاخه ای از ایمان است».

### حیا ثمره خوب دارد

انس رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «مَا كَانَ الْفُحْشُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ وَلَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: «فحش و نا سزا در هیچ چیزی نمی‌رسد، مگر اینکه آنرا نا شایست می‌سازد، و حیا هیچ وقت به چیزی یکجا نمی‌شود، مگر اینکه آنرا زیبا و گوارا می‌سازد».

همچنان عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت نموده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ الْحَيَاءَ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ»<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: همانا حیا جز خوبی بار نمی‌آورد.

۱- متفق علیه

۲- الترمذی

۳- متفق علیه





## برخی از فواید حیا

در حیا فواید زیادی وجود دارد که برخی از اینقرار است:

۱. حیا اخلاق اسلام است. از زید بن طلحه روایت گردیده که پیامبر ﷺ فرمودند: **«إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا، وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ»**<sup>(۱)</sup>. ترجمه: بدون شک هر دینی خوی و اخلاق دارد که خوی و اخلاق اسلام حیا است.

با داشتن حیا و یا به وسیله حیا، انسان در باره حقوق خداوند تقصیر نمی‌ورزد؛ زیرا از وسعت علم و عظمت خداوند حیا می‌نماید، نعمت‌های او تعالی را بیاد می‌آورد، بناء مسئولیت‌های خود را بجا میکند و از محرمات خود را حفظ می‌نماید.

۲. حیا زیبایی است، در حدیث فوق الذکر خواندیم که: حیا در هیچ چیزی یکجا نمی‌شود، مگر اینکه آنرا زینت می‌بخشد. انسان با حیا صاحب وقار است، هرکس با احترام با وی تعامل می‌کند و انسان بی‌حیا شخص سبک است، نه در خانواده اش کسی به او به نظر احترام می‌بیند و نه در قریه و جامعه از احترام برخوردار می‌باشد.

۳. حیا سبب ازدیاد نعمت‌های خداوند و دفع آفتها می‌گردد، و بی‌حیایی و فسق عذاب را همراه دارد. خداوند متعال می‌فرماید: **«وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقَرْيَ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ»** [هود: ۱۱۷]

ترجمه: و چنین نبود که پروردگارت شهرها را هلاک نماید، در حالیکه اهل آن در صدد اصلاح بوده باشند.

در جای دیگر می‌فرماید: **«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا»** [اسراء: ۱۶]

ترجمه: و هنگامیکه بخواهیم شهر و دیاری را هلاک سازیم، ثروتمندان آنرا (به طاعت) امر می‌کنیم، مگر آنها در آن شهر فسق و فساد را ترویج می‌کنند (از طاعت سر پیچی می‌کنند) وعده عذاب بر آنها متحقق می‌شود، پس ما آنرا ویران و تباه می‌کنیم. و معلوم است که نیکی از حیا و فسق از بی‌حیایی سرچشمه می‌گیرند.



## خلاصه

- حیا شاخهٔ ایمان و یکی از سنتهای پیامبران الهی است.
- حیا انسان را بسوی کمال و همت بلند سوق می‌دهد و از رذایل و پست همتی نجات می‌بخشد.
- داشتن حیا انسان را به شناختن و رعایت حقوق خداوند متعال و رعایت حقوق بندگان و ادار می‌سازد و از گناه و معصیت باز می‌دارد.
- حیا زیبایی است؛ حیا به هر چیزی که یکجا شود، آنرا زینت می‌بخشد.
- حیا سبب ازدیاد نعمتهای خداوند، و بی حیایی سبب هلاکت و تباهی امتها و مدنیتهای می‌گردد.

## ارزیابی

۱. حیا را لغة و اصطلاحاً تعریف نمایید.
۲. ضد حیا چه چیز است و چه نقصان دارد؟
۳. در بارهٔ حیا، سه حدیث پیغمبر ﷺ را با معنای آن بیان کنید.
۴. حیای شرعی، با حالت کم دلی چه فرق دارد؟ با مثال توضیح بدهید.
۵. برخی فواید حیا را بیان کنید.

کارخانه گمی

احادیث زیر را با معنای آن حفظ نمایید:

۱. «مَا كَانَ الْفَحْشُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانُهُ وَلَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانُهُ»<sup>(۱)</sup>.
۲. «إِنَّ الْحَيَاءَ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ»<sup>(۲)</sup>.

۱- الترمذی

۲- متفق علیه

## انواع حیا

حیا از لحاظ اعتبارات مختلف و به اعتبار اینکه از چه کسی صادر می‌شود، انواع زیاد دارد که در این درس انواع حیاء را مطالعه می‌نماییم.

**حیای فطری:** آن است که انسان با آن آفریده شده است، که این نوع حیا یک صفت و خوی عالی و توفیق بزرگ خداوند است. این قول پیامبر ﷺ از همین نوع حیا است که به یکی از یاران خود (اشج بن عبدالقیس) فرمودند: ﴿إِنَّ فِيكَ لَخَصْلَتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ، قُلْتُ: مَا هُمَا؟ قَالَ الْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ، قُلْتُ: أَقْدِيمًا أَمْ حَدِيثًا؟ قَالَ: بَلْ قَدِيمًا، قُلْتُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي عَلَى خَصْلَتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: (ای اشج بن عبدالقیس) همانا در تو دو خصلت وجود دارد که خدا آنرا دوست دارد. (اشج می‌گوید) من گفتم: آن دو خصلت کدامها اند؟ فرمودند: حلم و حیاء، من گفتم: آیا از قدیم این خصلتها بمن داده شده اند یا اینکه این خصلتها در من جدید اند؟ فرمودند: بلکه از قدیم این خصلتها به تو داده شده. گفتم حمد وستایش خدایی را که مرا به خصلتها پیدا نموده که او تعالی آنرا دوست دارد.

**حیای کسبی:** آن است که انسان آنرا به اراده خود به دست آورده باشد؛ زیرا که به وسعت علم خداوند ایمان دارد، نعمت‌های خداوند و تقصیرات و کوتاهی‌های خود را بیاد می‌آورد، به دین خدا ایمان دارد، و آنچه اسلام آنرا نا جایز دانسته، انجام نمی‌دهد.

۱- امام مسلم، این یک قسمت حدیث شریف است که عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده است.

در حدیثی آمده است: ﴿اعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ﴾<sup>(۱)</sup>. ترجمه: بندگی خدا ﷻ را طوری بجا آر، که گویا او را می بینی، هرگاه تو او را نمی بینی، یقیناً او تعالی تو را می بیند.

هرکسی که این چنین حیا نداشته باشد، برای وی در انجام دادن کارهای بد هیچ مانعی وجود ندارد. ﴿إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: وقتی که حیا نکردی، هرچه خواهی انجام بده. **حیای شرعی:** آن است که انسان را به کارهای نیک دعوت و از کارهای نا روا باز می دارد.

**حیای غیر شرعی:** این گونه اوصاف در حقیقت حیا نبوده، بلکه کم دلی، خجالت و یک نوع ضعف است که در عرف مردم به آن حیا گفته شده، انسان در نتیجه آن برخی مکلفیت های خود را انجام نمی دهد، مثلاً به دین خدا دعوت کرده نمی تواند و یا در نتیجه کم دلی از مسایل ضروری سوال کرده نمیتواند.

**عائشة علیها السلام** می گوید: خداوند به زن های انصار رحمت کند؛ حیا آنها را از فهمیدن مسایل دینی منع نکرد.<sup>(۳)</sup> در اینجا مراد از حیا، همان حیای عرفی است که این نوع حیا مذموم است و صاحب آن در برخی امور نا موفق می باشد.

حیا به اعتبار اینکه از چه کسی صورت می گیرد، به سه نوع تقسیم می شود: حیا از خداوند، حیا از مردم و حیا از خویشان.

**حیا از خداوند ﷻ:** طوری که عظمت خدا و رحمت او همراه با تقصیر خود به یاد آید، و در اجرای اوامر و ترک نواهی، از خداوند حیا صورت بگیرد و رضای خدا طلب شود.

در حدیث شریف آمده است: ﴿اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ﴾<sup>(۴)</sup>. ترجمه: از خداوند طوری که شایسته است حیا کنید.

۱- البیهقی

۲- البخاری

۳- الفتح/۲۲۸۱-۲۲۹

۴- الترمذی

**حیا از مردم:** مانند حیا از انجام گناه بصورت علنی. پیامبر ﷺ فرموده: هر یکی از امت من بخشیده می‌شود، مگر مجاهرین بخشیده نمی‌شوند، مراد از مجاهر کسی است که شبانه کاری را انجام می‌دهد، خداوند بر وی ستر نموده، اما خود وی در صبح می‌گوید: من شب چنین کاری را انجام دادم. شب خدا بر وی ستر نموده و در روز، خود ستر و پرده خدا را از بالای خود دور می‌سازد.<sup>(۱)</sup>

**حیا از خویشان:** یعنی حیا نمودن در هنگام خلوت؛ آن وقت که از طرف مردم به انسان عیبی راجع نمی‌شود، این نوع حیا ظاهر می‌گردد. از این سبب گفته شده: حیا از خود باید نسبت به حیا از دیگران زیاد باشد.



### فعالیت

هر شاگرد یک حالت از حیای شرعی، عرفی، فطری و کسبی را در کتابچه خود بنویسد. سپس به نوبت نوشته‌های خویش را پیش روی صنف توضیح بدهند.

با ملاحظه مطالب درس انواع حیا را میتوان اینطور خلاصه نمود:

۱. حیای فطری.
۲. حیا به اعتبار اختیار و انتخاب: حیای کسبی، حیای شرعی.
۳. حیا به اعتبار شریعت و عرف: حیای عرفی، حیا از خداوند عزوجل.
۴. حیا به اعتبار شخص: حیا از مردم و حیا از خویشان.

### خلاصه

- حیا به اعتبار کسب و این که از چه کسی صادر می‌شود، به انواع مختلف تقسیم گردیده است.
- حیای فطری جزء خلقت انسان و یک صفت عالی است که خداوند برای انسان ارزانی فرموده است.

---

۱- متفق علیه

- حیای کسبی که انسان با اراده خود کسب می‌کند تا مانع ارتکاب گناهان و بدیها گردد.
- حیای شرعی انسان را به کارهای خوب دعوت و از کارهای زشت باز می‌دارد.
- حیا از خداوند، حیا از مردم و حیا از خویشان از جمله انواع حیا می‌باشد.

### ارزیابی

۱. حیا به چند اعتبار تقسیم گردیده؟ توضیح نمایید.
۲. حیای فطری و کسبی را تعریف نموده، یک دلیل به وجود آن ذکر کنید.
۳. حیای شرعی و حیای عرفی از هم چه فرق دارند؟ حکم هر دو را بیان نمایید.
۴. حیا از کی صورت می‌گیرد؟ جواب خود را با دلیل توضیح بدهید.

کارخانه گی

در مورد انواع حیا که در فوق ذکر شد، یک یک مثال در کتابچه‌های خود بنویسید.

## تواضع و فروتنی

تواضع یک خصلت ارزشمند اخلاقی است که اسلام به آن امر کرده و خداوند متعال بهشت را برای کسانی وعده نموده که در روی زمین دعوی بزرگی و فساد نمی‌کنند. تواضع چیست و در اسلام چه جایگاهی دارد؟ در این درس این موضوع را مطالعه می‌نماییم.

### مفهوم تواضع

تواضع در لغت فروتنی و انکسار را گویند. و در اصطلاح: فضیل بن عیاض گفته است: تواضع تسلیم شدن به حق و قبول آن است، اگر چه آنرا از یک طفل بشنوی. ابن مبارک می‌گوید: تواضع آن است که خود را با کسی که از نعمت‌های دنیا نسبت به تو کمتر دارد، برابر بشماری و بدانی که تو در دنیا نسبت به وی بهتر نیستی؛ و همچنان خویشتن را با شخصی که در دنیا نسبت به تو بالا تر است، یکسان بدانی تا آنکه وی را در امور دنیا نسبت به خود بهتر و برتر نشماری.

تواضع ضد کبر و خود بزرگ بینی است و شخص متواضع به اساس معیارهای دنیایی خود را از کسی برتر نمی‌داند، به هرکس نزدیک می‌باشد، با دیگران مهربان است، با درمانده‌گان و بیچاره‌گان رابطه خوب دارد. خدمت دیگران را می‌کند و خدمتگزاری مردم برایش ناپسند معلوم نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ

لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [سورت القصص، آیت: ۸۳]

ترجمه: آری، این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که ارادهٔ برتری جویی

در زمین و فساد را ندارند، و عاقبت نیک برای پرهیز گاران است. سبب رانده شدن و بد بختی شیطان همین خود بزرگ بینی بود، آن وقت که امر شد تا آدم عليه السلام را سجده کند، از تواضع کار نگرفت و دعوای بزرگی کرد که به لعنت ابدی گرفتار شد.<sup>(۱)</sup>

خداوند جل جلاله پیامبر خود محمد صلی الله علیه و آله را به مهربانی و دلسوزی نسبت به مسلمانان امر فرموده است که به تواضع دلالت می نماید. آنجا که قرآن کریم می فرماید: ﴿وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [سورت الشعراء، آیت: ۲۱۵]. ترجمه: بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، (از روی تواضع) بگستر.

پیامبر اسلام در باره مردمان متواضع می فرماید: ﴿طُوبَى لِمَنِ تَوَاضَعَ فِي غَيْرِ مَسْكَنَةٍ﴾<sup>(۲)</sup>. ترجمه: خوشا به آن کسی که بدون ذلت و مسکنت، تواضع و فروتنی اختیار نماید. "وداع خود نمایی کن ز ننگ ذره گی بگذر چو گمگشتی به چشم هر که آیی آفتاب آیی"



## فعالیت

۱- استاد محترم حدیث ذیل را دو بار با ترجمه آن بخواند، سپس هر شاگرد به نوبت آنرا تکرار نماید.

۱- در این باره خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾ ﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ خَلْقَتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ ﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱-۱۳] ترجمه: ما شما را آفریدیم، سپس شما را صورت بندی کردیم، سپس به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده (خضوع) کنید. آنها همه سجده کردند، جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. خداوند به او فرمود: چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟! گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل! خداوند فرمود: از آن مقام و مرتبه ات فرود آی، تو حق نداری در آن مقام تکبر نمایی، بیرون رو که تو از افراد پست و کوچک هستی.

۲- الطبرانی



و عن أبي هريرة، رضي الله عنه، أن رسول الله ﷺ قال: ﴿ما نقصت صدقةً من مالٍ، وما زاد الله عبداً بعفوٍ إلا عزاً، وما تواضع أحدٌ لله إلا رفعه الله﴾<sup>(۱)</sup>.

۲- شاگردان تعریف تواضع را در نظر گرفته، دو دو تن، راجع به کسب نمودن صفت تواضع با همدیگر تبادل نظر نمایند و بر نقاطی که اتفاق نمودند، آنرا بنویسند، سپس به نوبت آنرا به دیگران بشنوند، موارد توافق شده را بالای تخته بنویسند.

### چگونه تواضع را کسب نماییم؟

تواضع یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند است که هر مسلمان باید برای به دست آوردن آن زحمت بکشد. برای حصول تواضع دو روش دارای اهمیت است: علم و تربیت، و یا آموزش و پرورش؛ با فهم و دانش اینکه تواضع نعمت خداوند برای انسان است و نباید با این نعمت خود بزرگ بینی نموده، دیگران را تحقیر کند؛ تا مستحق نعمت‌های بیشتر گردد. همچنان با آموزش و پرورش، در گفتار و کردار، دیگران را احترام نموده و تواضع و فروتنی را پیشه خود گرداند.

### خلاصه

- تواضع تسلیم شدن به حق، قبول حق و خشوع و فروتنی در برخورد با دیگران است.
- تواضع ضد کبر و غرور و خود بزرگ بینی است.
- پیامبر اسلام ﷺ کسانی را که بدون ذلت و مسکنت تواضع و عاجزی پیشه می‌کنند بشارت داده اند.
- انسان می‌تواند صفت تواضع را با تعلیم و تربیت کسب نموده و تقویت بخشد.

### ارزیابی

۱. تواضع را لغتاً و اصطلاحاً تعریف نمایید.
۲. ضد تواضع چیست؟ فرق آنرا با تواضع بیان نمایید.
۳. در باره منع و تحریم فساد و بزرگ بینی چگونه از قرآن کریم استدلال می‌نمایید.



۴. چرا شیطان از رحمت خداوند رانده شد؟  
۵. خداوند ﷻ به پیامبر خود در مورد مهربانی با مسلمانان چه فرموده است؟  
۶. تواضع را از کدام راه‌ها به دست آورده می‌توانیم؟ توضیح بدهید.

آیات مبارکه ذیل را با معنای آن حفظ نمایید:

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾

[سورت القصص، آیت: ۸۳]

﴿وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [سورت الشعراء، آیت: ۲۱۵]

## نشانه‌های تواضع

برای اینکه تواضع حقیقی را بشناسیم، خود را با آن آراسته نماییم، از بزرگ بینی و ذلت نا روا خود را نگهداریم، لازم است چند نشانه تواضع را شناسایی کنیم. هرگاه بخواهیم شخصی را متواضع بگوییم، از نظر اخلاق اسلامی، لازم است علایم و نشانه‌های ذیل در وی موجود باشد:

۱. شخص متواضع کامیابی و ناکامی، خوبی و بدی را به اعتبار سرمایه مادی نمی‌سنجد. به این سبب بخاطر دنیا، نه خود را از دیگران بزرگ می‌بیند، و نه هم بخاطر داشتن نعمت‌های دنیوی دیگر سرمایه داران را بر بیچارگان ترجیح می‌دهد. تواضع حقیقی کامیابی و ناکامی را با معیار علم، عمل و اخلاق می‌داند، نه به اساس مال و منصب.

۲. انسان متواضع برای شخص خود خشم نمی‌گیرد، از همین سبب روایت گردیده که رسول خدا ﷺ هیچ گاهی بخاطر شخص خود انتقام نگرفته اند. خشم و غضب آن حضرت تنها برای خدا جلّ و دین خدا بوده است. چنانچه در حدیثی فرموده اند: ﴿مَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: خداوند عزت و مرتبت شخص عفو کننده را بیشتر می‌سازد، و کسی که برای خدا تواضع نماید، خداوند قدر و منزلت وی را بلند میگرداند.

۳. انسان متواضع همیشه برای خدمت آماده است، خدمت دیگران ثمره لازمی تواضع می‌باشد، کسی که خدمت نمودن به دیگران را عیب بداند، یقیناً به مرض تکبر و خود خواهی گرفتار است. پیامبر ﷺ فرموده اند:



﴿مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: کسی که نیاز و حاجت برادر خود را برآورده سازد، خداوند حاجت وی را برآورده می‌سازد.

۴. انسان متواضع همه صفات کمال را به خداوند جَلَّالَهُ منسوب می‌نماید. هرگاه نیکی را در وجود خود احساس نماید، آنرا فضل و توفیق خداوند می‌داند؛ بناءً مغرور نمی‌شود و خویشتن را از کبر و غرور نگه‌میدارد.

۵. انسان متواضع، پست و فرومایه نمی‌باشد، هیچگاه ذلت را برای خود نمی‌پسندد، اگر به اعتبار مال و منصب، خود را از دیگران برتر نمی‌بیند، به همین ترتیب با این اعتبارات خویشتن را از کسی کمتر هم نمی‌داند، و با داشتن یقین به خداوند جَلَّالَهُ از جابران نمی‌هراسد.

۶. انسان متواضع با انگیزه خود بزرگ بینی به نظر و موقف نا درست خود، اصرار نمی‌ورزد. هر وقت واز هر زبانی که حق بیرون شود آنرا می‌پذیرد.

۷. انسان متواضع خود را از فرا گرفتن علم بی‌نیاز نمی‌بیند و همواره در تلاش ازدیاد علم و دانش خود می‌باشد.

۸. انسان متواضع مورد محبت مردمان است به مردم نزدیک است و نظرش محترم شمرده می‌شود و در جامعه از احترام و مقبولیت برخوردار است.

۹. زشت نشان دادن و بد رنگ نمودن شکل و صورت نشانه تواضع نیست، و این هم لازمی نیست که انسان متواضع حتما لباس کهنه و چرکین بپوشد، بلکه از مسلمان خواسته شده که منظر زیبا و آراسته داشته باشد. خداوند جَلَّالَهُ جمیل و زیبا است، زیبایی را دوست دارد، و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ارشاد فرموده که خداوند متعال دوست دارد اثر نعمت‌های خود را در مسلمان ببیند. قبول نکردن حق و مردمان را به نظر سبک دیدن کار خلاف تواضع است، اما پوشیدن لباس زیبا و پاک نگهداشتن خود هر گز با تواضع منافات ندارد.

---

۱- رواه مسلم

درس فوق را با دقت مطالعه نمایید. هر شماره را در یک جمله خلاصه نموده و در کتابچه‌های خود بنویسید.

مثال:

|   |                                                   |
|---|---------------------------------------------------|
| ۱ | معیار کامیابی و ناکامی انسان معنویت است نه مادیت. |
| ۲ |                                                   |
| ۳ |                                                   |
| ۴ |                                                   |
| ۵ |                                                   |
| ۶ |                                                   |
| ۷ |                                                   |
| ۸ |                                                   |
| ۹ |                                                   |

### خلاصه

• مهم‌ترین نشانه‌های تواضع صفات وارزشهای معنویت، عفو و گذشت، خدمتگزاری به دیگران، عزت نفس، رجوع به حق، جستجوی علم و فضل و دیگر اوصاف نیکو می‌باشد.

### ارزیابی

۱. انسان متواضع، معیار کامیابی و ناکامی را در چه می‌داند؟
۲. آیا پیامبر ﷺ برای نفس خود انتقام گرفته و خشم و غضب آنحضرت برای چه بوده

است؟

۳. در باره فضیلت بخشش و خدمت کردن به دیگران دلایلی از سنت پیغمبر ﷺ بیان نمایید.

۴. فرق میان ذلت و تواضع را توضیح دهید.

۵. تقاضای تواضع را در مورد قبول حق و فرا گرفتن علم توضیح بدهید.

۶. آیا تواضع در پوشیدن لباسهای چرکین و ژولیده و بد رنگ ساختن شکل و صورت است، یا اینکه با داشتن منظر زیبا هم می توان تواضع اختیار کرد؟ شاگردان به ترتیب توضیح بدهند.

کارخانه گمی

ترجمه حدیث ذیل را از طریق امام مسجد تان یاد بگیرید، و آنرا در کتابچه خود به خط مقبول بنویسید.

عن ابن عمر رضی الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَسْلُمُهُ. مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ، كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ، وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً، فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>(۱)</sup>.

## استقامت

یکی از خصلت‌های اخلاقی برای یک مسلمان، استقامت است. استقامت بنابر کاربرد آن در آیات و احادیث، به دو معنا آمده است: نخست درپیش گرفتن راه راست و کار درست و دوم استوار ماندن و ثبات نشان دادن بر آن.

بنا بر معنای نخست، استقامت شامل دوری از هرگونه کجروی و انحراف و اجتناب از هرگونه افراط و تفریط، و به همین جهت به راه راست "صراط مستقیم" گفته اند، زیرا مستقیم از قوام گرفته شده که به معنای اعتدال است و اعتدال خلاف افراط و تفریط است.

### دشواریهای استقامت

اسلام از پیروانش خواسته است همیشه در جستجوی راه راست باشند و همانگونه که در شبانه روز چندین بار از خداوند عَلَّامُ الْغُیُوبِ خواهان هدایت به راه راست می‌شوند، خود نیز در عمل تلاش ورزند تا این راه را درپیش گرفته و از هرگونه کجی و میل به دیگر شیوه‌ها به شدت دوری گزینند.

درپیش گرفتن راه راست با دشواریها نیز همراه است و به آسانی تمام به دست آمدنی نیست؛ زیرا نابسامانیهای اجتماعی و اخلاقی زمینه‌های درستکاری را کاهش می‌بخشد و بسیاری را به کجی و دوری از راه راست وامی‌دارد.

اصل بر این است که انسان مسلمان در همه شرایط، حتی هنگام فزونی گرفتن نابسامانیها بر راه راست روان باشد و به دیگر سو میل نکند، ولی اگر کسی نتواند به سطح بسیار عالی و آرمانی عمل کند، دین اسلام با در نظر گرفتن ناتوانیهای مردم از آنان خواسته

است خود را به سطح مطلوب نزدیک گردانند و درحد وسع و توان خود دراین جهت، تلاش بورزند. پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: ﴿سَدُّوا وَقَارِبُوا﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: کارها را به درستی انجام دهید و خود را به درستکاری نزدیک بسازید. اما اگر کسی بتواند با وجود همه موانع، راه راست را با قوت و متانت بپیماید و هیچ گونه سستی وضعفی از خود نشان ندهد، در آن صورت او صفت استقامت را به کمال دریافته است؛ زیرا دومین معنای استقامت، پایداری کردن و مقاومت ورزیدن بر راه راست است، و استقامت کامل هم شامل درپیش گرفتن راه راست است و هم شامل ثبات و پایداری بر آن.

### درجات و ثمرات استقامت

۱- کسانی که به استقامت کامل متصف می‌شوند، به درجات بلند نایل می‌شوند. خداوند ﷻ فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا فِي الْغَنَةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾. [سورت فصلت، آیت: ۳۰]

ترجمه: بیگمان کسانی که گویند پروردگار ما خداوند است، سپس پایداری ورزند، فرشتگان بر آنان نازل شوند [وگویند] که مترسید و اندوهگین مباشید و شاد شوید به بهشتی که به شما وعده داده شده بود.

۲- استقامت ورزیدن از مشکلات هراس نداشتن، از موانع عبور کردن و راه دیانت و ادای رسالت را با موفقیت پیمودن همیشه با هزینه سنگین و تکالیف توانفرسا همراه است. به همین جهت پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمود: "مرا سورت هود پیر ساخت" زیرا در این سوره به ایشان فرمان داده شده بود که: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ﴾ [سورت هود، آیت: ۱۱۲].

ترجمه: پس همچنانکه دستور یافته یی پایداری کن."

هنگامی که کسی از یاران پیامبر ﷺ به آن حضرت گفت: "به من سخنی بفرما که پس از تو از هیچ کس نخواهم" ایشان به وی فرمودند: "بگو ایمان آوردم به خداوند، سپس بر

۱- صحیح مسلم - (۸/ ۱۴۱)



آن استقامت کن" (۱).

۳- استقامت علاوه بر داشتن درجات بلند اخروی و پاداش آن، در این دنیا نیز پیامدهای خجسته و پربهری دارد. یکی از نتایج آن این است که انسان را پذیرای سفارشهای الهی می‌سازد، چنانکه خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ، لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾ [سورت التکویر، آیت: ۲۸]

**ترجمه:** آن جز پند آموزی برای جهانیان نیست. برای هرکس از شما که بخواهد راستی و درستی پیشه کند.

۴- همچنان استقامت ثمرات و برکات مادی نیز می‌تواند در پی داشته باشد، چنانکه خداوند عزوجل فرموده است: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ [سورت الجن، آیت: ۱۶].

**ترجمه:** و اگر بر آن شیوه پایداری ورزند، آنان را آب [وامکانات] فراوان ارزانی می‌داریم. مقصود این است که برکت، خرمی و شادابی نصیب ایشان می‌گردد. بنا بر اهمیت این ویژگی اخلاقی بوده است که شماری از دانشمندان اسلام گفته اند: ﴿أَعْظَمُ الْكَرَامَةِ لُزُومُ الْأَسْتِقَامَةِ﴾ یعنی: بالا ترین درجه کرامت (که از اولیای الهی دیده می‌شود) پای بندی به استقامت است.



#### فعالیت

هریک از شاگردان نمونه ای را بیان کند که با وجود موانع او توانسته است در زنده گی خود کار درستی را انجام دهد.

## خلاصه

- استقامت در اخلاق اسلامی عبارت از فهمیدن و در پیش گرفتن راه درست و ثبات و استواری در آن راه می‌باشد.
- استقامت و در پیش گرفتن راه درست در اخلاق اسلامی کار دشوار بوده، مشکلات و آزمایشهایی را در قبال دارد.
- استقامت و ثبات در راه درست از نظر اخلاق اسلامی دارای ثمرات و نتایج بسیار بزرگ در دنیا و آخرت می‌باشد.
- خداوند متعال بنده‌گان با استقامت خود را در دنیا به ارزانی نعمتهای خود بشارت داده است.

## ارزیابی

۱. چرا به راه راست "صراط مستقیم" گفته شده است؟
۲. اگر کسی نتواند به سطح بسیار عالی عمل کند، چه باید بکند؟
۳. استقامت به دو مفهوم بکار می‌رود. این دو مفهوم را توضیح بدهید؟
۴. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمود «سورت هود پیرم ساخت». مراد این فرموده پیامبر گرامی اسلام را توضیح دهید؟
۵. استقامت چه پیامدهایی می‌تواند در این دنیا داشته باشد؟

کارخانه گی

ده سطر درباره ارزش اعتدال و دوری از افراط و تفریط بنویسید.

## قوت و نیرومندی

### مظاهر و جلوه‌های نیرومندی

یکی از اخلاقیاتی که دین اسلام از پیروانش خواسته تا اهمیتش را دانسته و بدان متصف باشند، قوت و نیرومندی است.

اسلام می‌خواهد انسان مسلمان دارای شخصیت استوار و نیرومندی باشد که مسیر زنده‌گی را با روحیه قوی و همت عالی بپیماید و حوادث نا ملایم او را نلرزاند و از اهداف بلند و آرمان‌های متعالی باز ندارد.

نیرومندی جلوه‌ها و مظاهر گوناگونی در شخصیت افراد دارد. یکی از جلوه‌های نیرومندی، بیرون شدن از تردید و دو دلی است. انسان مؤمنی که از اضطراب و دلهره‌هایی می‌یابد و در برابر رویدادهای ناگوار خویشتن را نمی‌بازد، انسانی قوی است. خداوند چنین کسانی را دوست می‌دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: **«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ»** <sup>(۱)</sup>

ترجمه: مؤمن نیرومند در نزد خداوند بهتر و محبوب‌تر از مؤمن ضعیف و نا توان است.

### قوت حقیقی کدام است؟

برخوردهای دیگران به ویژه اگر نسنجیده و همراه با نوعی سوء ادب باشد، می‌تواند انسان را برآشفته و نا آرام سازد. انسان‌های قوی و نیرومند در چنین حالاتی بر خویشتن مسلط

می‌باشند و خشم خویش را مهار می‌کنند. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ روایت شده که فرموده اند: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: انسان توانا آن نیست که دیگران را در کشتی بر زمین افکند، بلکه انسان نیرومند آن است که هنگام خشم و غضب خویشتن داری کند.

زیستن در میان دیگران و داشتن ارتباط با آنان گاهی سبب می‌شود که یک شخص از استقلال نظر تهی گردد، نه خود آزاد بیندیشد و نه آزاد تصمیم بگیرد، بلکه در هر زمینه به دیگران بنگرد و دنباله رو آنان گردد و این سخن را کورکورانه تکرار کند: "خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو" این خاصیت زیبنده انسان‌های قوی نیست، بلکه دلیل بر ضعف شخصیت انسان است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «لَا تَكُونُوا إِمْعَةً، تَقُولُونَ: إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَحْسَنًا، وَإِنْ أَسَاءُوا أَسَاءْنَا، وَلَكِنْ وَطَّنُوا أَنْفُسَكُمْ إِنْ أَحْسَنُوا أَنْ تُحْسِنُوا، وَإِنْ أَسَاءُوا أَلَّا تَظْلِمُوا»

ترجمه: شما چنین نباشید که بگویید ما همراه مردمیم، اگر آنان خوبی کردند، ما نیز خوبی می‌کنیم و اگر آنان بدی کردند، ما هم بدی می‌کنم؛ بلکه باید خویشتن را استوار سازید که اگر مردم خوبی کردند، شما خوبی کنید و اگر آنان بدی کردند، شما از ظلم و بدی اجتناب ورزید.

انسان‌های قوی، روش و منش واضح و بی‌ابهام دارند. تیره‌گی و غموض در موضعگیری و خط مشی افراد نشانه سستی و نا استواری شخصیت ایشان است. چنین کسانی سبب می‌شوند که دیگران در برابر آنان سردرگم شوند و چهره واقعی ایشان را نشناسند و در تعامل با آنان به لغزش افتند.

هم چنان انسان‌های قوی با اعتماد به خود و امیدواری زندگی می‌کنند. آنان عرصه زندگی را فراخ و رنگارنگ می‌یابند و زمینه‌های پیشرفت و موفقیت را متنوع می‌دانند؛ از این رو آنان از یأس و ناامیدی گریزانند و از بدبینی و تیره اندیشی فاصله می‌گیرند؛

۱- متفق علیه

چنان که درصفت پیامبر ﷺ آمده است که: خوش بینی و به فال نیک گرفتن برایش خوشایند بود و به همان پیمانه بد بینی و شگون بد زدن را نا پسند می دانست.

## فعالیت

مثالی در حضور استاد و همصنفی های تان ذکر کنید که نشان دهد، شما دنباله رو دیگران نبوده و مستقل می اندیشید.

## خلاصه

۱. برای به دست آوردن و نگهداری بسیاری ارزشهای اخلاقی به قوت و نیرومندی ضرورت است.
۲. دین مقدس اسلام از انسان مؤمن می خواهد از داشتن قوت و نیرومندی برخوردار بوده مسیر زندگی را با روحیه عالی و اهداف و آرمانهای بلند تعقیب نماید.
۳. معیار قوت و نیرومندی از نظر اخلاق اسلامی قوت جسمی و پامال نمودن دیگران نیست؛ بلکه معیار نیرومندی حقیقی در اسلام خویشتن داری در وقت خشم و غضب، قوت اراده و دفاع از راستی و درستی، اعتماد به خود و امید واری به آینده خوب و درخشان می باشد.

## ارزیابی

۱. "خداوند متعال مؤمن قوی را دوست دارد" این موضوع را توضیح بدهید.
۲. کدام قوت مورد قبول و پسند خداوند است؟ قوت مادی، یا قوت معنوی و یا هر دو؟
۳. جلوه های قوت و نیرومندی در چیست؟

۴. تسلط بر خویشتن نشانه چیست؟ از حدیث نبوی دلیل ذکر نمایید.

۵. چرا مردم در تعامل با یک تعداد افراد دچار سردرگمی می‌شوند؟

۶. خوش بینی چه رابطه ای با قوت شخصیت دارد؟ توضیح بدهید.

کارخانه گی

مطلب کوتاهی درباره نقش نیرومندی در رسیدن به اهداف عالی بنویسید.

## اقسام نیرومندی

در درس پیشین گفته شد که نیرومندی یکی از اخلاقیات اسلامی است و مظاهر گوناگون در شخصیت انسان‌ها دارد؛ پس کدام نوع قوت برای انسان در حیات فردی و زندگی اجتماعی اهمیت بیشتر دارد؟ کدام نوع قوت، ضامن حفظ استقلال و شگوفایی ملت‌ها می‌گردد؟

### قوت ظاهر و قوت باطن

باید بدانیم که قوت به دو جنبه ظاهر و باطن تعلق می‌گیرد؛ و در هردو زمینه ارزشمند است. کسی که جسم سالم و بدن قوی دارد از سلامت روانی بیشتر و توازن عصبی بهتر برخوردار است. به این دلیل باید انسان مسلمان به صحت و سلامت خود توجه کند و به وقایه و حفاظت خود از بیماری‌ها اهمیت دهد. پیامبر اسلام ﷺ در دعاهایش می‌فرمود:

﴿اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي﴾<sup>(۱)</sup>

ترجمه: بار الهی! بدنم را به سلامت بدار، بار الهی! شنوائیم را به سلامت بدار، بار الهی! بینائیم را به سلامت بدار. این روایت نشان می‌دهد که باید انسان مسلمان به اهمیت سلامتی خود قایل باشد؛ زیرا وی با داشتن بدن سالم بهتر می‌تواند هم به عبادت خداوند بپردازد و هم در خدمت و خیر رسانی بندگان خداوند سهم بگیرد.

اما مهم تر از قوت جسمی نیرومندی اراده است؛ زیرا تحقق بخشیدن به آرمان‌های بلند ملی، دینی و انسانی بستگی به داشتن اراده استوار و خلل ناپذیر دارد. کسانی که نمی‌توانند بر تصمیم خویش پایداری کنند و اهداف خود را با جدیت پیگیری نمایند اشخاصی ضعیف و شکست خورده اند که سودی به حال ملت‌های شان نخواهند داشت.

## راه‌های تقویت اراده

یکی از راه‌های تقویت اراده لگام زدن برغرایز و سیطره یافتن بر تمایلات سرکش است. انسان‌های هوسرانی که از مقاومت در برابر غرایز و خواسته‌های نفس عاجز باشند، نمی‌توانند به اراده قوی و عزم نیرومند دست یابند.

دین اسلام می‌خواهد پیروانش از اراده مستحکم و خلل‌ناپذیر برخوردار باشند تا در ادای رسالتی که بر دوش دارند به نا کامی مواجه نشوند. قرآن کریم مؤمنان با اراده را چنین توصیف نموده است: ﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا﴾ [سورت آل عمران، آیت: ۱۴۶].

ترجمه: چه بسیار پیامبرانی که خدا (پرستان مردان) الهی فراوانی همراه با آنان جنگ کردند. آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و نا توان نشدند. این آیه مبارک می‌رساند که کامیابی در راه خدا و ادای رسالت به برخورداری از تصمیم و اراده قوی بستگی دارد.

مهم‌ترین عاملی که می‌تواند اراده را تقویت کند، ایمان است. عقیده صحیح و ایمان قوی انسان را از تردید و هراس نجات می‌دهد و به او قوت قلب و آرامش خاطر می‌بخشد. بدون بهره‌مندی از چنین ایمانی، انسان از درون فرو می‌ریزد و شخصیتش در باطن متلاشی می‌شود و نمی‌تواند اراده و عزمی قوی داشته باشد.

## قوت معیار ایفای مسئولیت

هرگاه کسی شخصیت قوی پیدا کند و از ضعف و سستی‌رهایی یابد، شایستگی دارد که مسئولیت‌ها را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی بر دوش گیرد و عهده دار امور دیگران گردد. برخی از دانشمندان مسلمان این مفهوم را از این آیه کریمه برداشت کرده‌اند: ﴿إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ [سورت القصص، آیت: ۲۶]

ترجمه: بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، آن کس است که قوی و امین باشد. و برعکس آن، اگر کسی فاقد قوت و نیرومندی لازم باشد، حتی اگر دیگر خوبی‌ها را



هم داشته باشد، نباید به مسئولیت‌های سنگین گماشته شود و سرنوشت دیگران به او سپرده شود؛ چنان که پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر غفاری که یکی از یاران جلیل القدر ایشان بود فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: ای ابوذر، تو ضعیف هستی و این (امارت) یک امانت است و در روز قیامت مایه خواری و پشیمانی است.

هم چنان که باید افراد یک جامعه از صفت قوت و نیرومندی برخوردار باشند، یک ملت نیز باید به قوت و نیرومندی دست یابد تا نیازهایش را برآورده سازد، از تمامیت ارضی و نوامیس ملی اش دفاع کند و هرگاه با خطر و تهدیدی رو به رو گردد به ذلت و زبونی تن ندهد. به همین جهت خداوند عزوجل فرموده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» [سورت الأنفال، آیت: ۶۰]

ترجمه: و هر نیرویی که در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید. از آن چه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که سستی و زبونی یک صفت ناشایسته است و قوت و نیرومندی یک ویژگی و خصلت پسندیده و گران بها است که باید هم افراد مسلمان به آن متصف باشند و هم جوامع اسلامی.



## فعالیت

شاگردان نظریات خود را در زمینه حفظ صحت و تقویت جسمی در حضور همصنفی‌های خویش بیان کنند.

## خلاصه

۱. قوت و نیرومندی شامل هر دو جنبه مادی و معنوی و یا ظاهری و باطنی می‌گردد.
۲. اخلاق اسلامی به توجه به قوت ظاهری و باطنی هر دو تأکید نموده است.
۳. قوت اراده و نیرومندی باطنی و معنوی مهمتر و مقدمتر از قوت مادی و ظاهری

می‌باشد.

۴. دین مقدس اسلام می‌خواهد پیروانش از قوت اراده برخوردار باشند؛ و یکی از راه‌های تقویت اراده لگام زدن برغرایز و تمایلات سرکش نفس است.
۵. مهمترین عامل تقویت اراده ایمان است.
۶. انسانهایی که از داشتن قوت اراده و نیرومندی واقعی برخوردار نباشند، نمیتوانند از عهده مسئولیتهای خود بدر آیند.

## ارزیابی

۱. آیا قوت تنها به جنبه ظاهر خلاصه می‌گردد و کدام قوت بهتر است؟ به حدیث نبوی استدلال نمایید.
۲. چگونه می‌توان در ادای رسالت ملی و دینی خویش به کامیابی رسید؟
۳. چه عاملی مهم ترین تأثیر را در تقویت اراده دارد؟
۴. آیا سپردن مسئولیت‌های جمعی به افراد ناتوان جایز است؟ دلیل بیاورید.
۵. آیا قوت فردی سبب بی‌نیازی از نیرومندی ملی می‌گردد؟

کارخانه‌گی

در باره روش‌های تقویت همبستگی ملی مقاله ای را بنگارید که از یک صفحه کمتر نباشد.

## غیرت

غیرت از اخلاق نیکویی است که اسلام قدر و منزلت آن را بلند شمرده و دفاع از ناموس و آبرو را جهاد شمرده است. گاه انسان به خاطر دفاع از ناموس، مجبور می‌شود که دست به سلاح برد و یا خود را در معرض خطر جدی قرار دهد. سعید بن زید رحمه الله عنه گفته است: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌گفت: «اگر کسی به خاطر مالش کشته شود، شهید است و اگر کسی به خاطر دفاع از جانش کشته شود، شهید است و اگر کسی به خاطر عقیده اش کشته شود، شهید است. اگر کسی به خاطر اهل و خانواده اش کشته شود شهید است».<sup>(۱)</sup> درین درس خواهیم خواند که معنای غیرت چیست؟ غیرت چند نوع است؟

### تعریف غیرت

غیرت در لغت: از غَارَ یَغِیرُ به معنای حمیت و جانفشانی آمده است. و در اصطلاح: عبارت است از برانگیخته شدن خشم و اقدام برای دفاع در صورتیکه بر ناموس، آبرو و مقدسات انسان تجاوز صورت بگیرد.

### اهداف غیرت

الله تبارک و تعالی این قوت را در انسان به خاطر مصون ماندن کرامت انسانی و حفاظت نسب به وجود آورده است. به همین خاطر گفته شده: هر قومی که در مردان آن غیرت موجود باشد، عفت و پاکدامنی زنان آنها مصون می‌ماند. گاهی این نیرو به خاطر حفاظت از دین، جان، مال، و ناموس استعمال می‌شود.

## مشروعیت غیرت

در قرآن کریم لفظ غیرت ذکر نشده است، بلکه لفظ (حَمِيَّةٌ) که عین معنا را می‌رساند، وارد شده است و آن هم در سیاقی که بر غیرت مذموم و ناپسند دلالت دارد، لذا قرآن کریم آن را به "حَمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ" توصیف نموده است: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ [الفتح: ۲۶]

ترجمه: «آنگاه که کافران تعصب و نخوت جاهلیت را در دل‌هایشان جای دادند». لفظ «غیرت» در سنت نبوی به معنای غیرت بر ناموس و غیرت بر دین و عقیده استعمال گردیده است. و پیامبر ﷺ به این نکته اشاره می‌کند که خداوند متعال از هر کسی غیرتمند تر است؛ از همین روی است که حدود را وضع نموده است. غیرت فطری انسان زمانی به خروش می‌آید که ناموسش مورد تجاوز واقع شود و غیرت دینی اش آنگاه فوران می‌کند که مقدسات وی در معرض خطر و پامال شدن واقع شود.

## غیرت مثبت و منفی

غیرت، هم مثبت می باشد و هم منفی؛ از این روی خداوند متعال بعضی از غیرت را دوست دارد و بعضی دیگر را زشت و مکروه می‌پندارد. پیامبر ﷺ فرموده است: «برخی از غیرت و نخوت را خداوند دوست دارد و برخی دیگر را بد می‌بیند»<sup>(۱)</sup>.

بدون شک اگر غیرت به خاطر دفاع از ناموس و مقدسات باشد، آنگاه غیرت، مثبت بوده و از نشانه‌های مردانگی به شمار می‌رود؛ زیرا غیرت از ایمان راسخ سرچشمه می‌گیرد. و اگر غیرت بی‌جای و بر اساس بدگمانی‌های بی‌مورد باشد، در آن صورت غیرت منفی بوده مشکلات زیادی را به شخص و خانواده به وجود می‌آورد. در بسا موارد، در اثر شایعات و تبلیغات دروغین در میان زوجین بدگمانی رخ می‌دهد و سبب قتل و یا جدایی و طلاق می‌گردد.

پیامبر ﷺ فرموده است: «سه طایفه از مردم هرگز در جنت داخل شده نمی‌توانند (دیوث، الرجل، و مدمن الخمر) صحابه گفتند: ای رسول خدا ! مدمن الخمر (دایم



الخمیر) را می‌شناسیم، اما دیوث کیست؟ رسول الله ﷺ فرمودند: دیوث، کسی است که باک ندارد چه کسی وارد خانه او شده است. و باز صحابه عرض نمودند: (الرجلة من النساء) کیست؟ رسول الله ﷺ فرمودند: زنی که خود را به مردها تشبیه کند<sup>(۱)</sup>.

### نمونه‌هایی از غیرت مسلمانان در تاریخ

۱- غیرت مرد بر همسرش: روایت شده، زمانی که گروه بغاوتگر داخل خانه حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه شدند، همسر او نائله رضی الله عنها خواست موهای خویش را برهنه سازد تا این گروه متجاوز حیا کنند و از این عمل شوم شان صرف نظر نمایند، حضرت عثمان بر سر همسرش داد کشیده گفت: چادرت را بپوش، به خدا سوگند ورود آنها به خانه ام بر من از حرمت موهای تو آسان تر است.

۲- روایت است زنی در سال ۲۸۶هـ ق به نزد قاضی شهر ری رفته، از شوهرش شکایت نموده گفت: شوهرم مهرم را که پنجصد دینار می‌باشد، نمی‌دهد، ولی مرد از این چیز انکار ورزید. آن زن شاهدان را احضار نمود و آنها هم به نفعش شهادت دادند. برخی از حاضرین مجلس گفتند: باید زن چهره خویش را برهنه سازد تا بدانیم که یقیناً او همسر این مرد است یا نه. در این حال، مرد گفت: این عمل را انجام ندهید. او در ادعایش راستگو است. به این ادعا اعتراف نمود، و ادای مبلغ را پذیرفت تا این که چهره همسر خویش را محفوظ بدارد. زمانی که زن غیرت شوهرش را دید گفت: او به این امر اعتراف ورزیده تا این که چهره ام را از دید بیگانه‌گان مصون بدارد، پس من هم مهرم را برای او در دنیا و آخرت بخشیدم. قاضی از این ماجرا شگفت زده شده گفت: «باید این ماجرا در مکارم اخلاقی درج شود».

۳- در دوره خلافت معتصم بالله عباسی، زن مسلمانی در شهر عموریه به اسارت کفار افتاد و تحت شکنجه آنها ضجه می‌کشید و فریاد بر می‌آورد و معتصم بالله را به کمک می‌خواست. وقتی معتصم بالله از این موضوع اطلاع پیدا کرد، بی‌درنگ لشکر بزرگی تهیه نمود و به آن شهر حمله ور شد و آن زن مسلمان و هزاران زن و مرد مسلمان دیگر را که در اسارت کفار قرار داشتند، آزاد ساخت و آن شهر نیز فتح شد و جزء قلمرو

خلافت اسلامی گردید.

## ارزیابی

- ۱- کسی که بخاطر دفاع از دین، مال و دارایی، ناموس و جان خویش کشته شود، شهید است. برای اثبات این یک دلیل بیاورید.
- ۲- معنای غیرت را در اصل لغت و اصطلاح بیان کنید.
- ۳- انواع غیرت را بیان نمایید.
- ۴- در معنای غیرت در قرآن کریم کدام لفظ استعمال شده است؟
- ۵- در احادیث نبوی «غیرت» به چند معنی استعمال گردیده است؟
- ۶- «غیرت» در کدام حالت مثبت و در کدام حالت منفی می‌باشد؟
- ۷- غیرت پروردگار و غیرت بر همسر را توضیح دهید.
- ۸- در تاریخ اسلامی، غیرت سبب شماری از رویدادهای بزرگ شده است. برای این موضوع یک مثال از تاریخ بیان کنید.

کارخانه گی

در مورد غیرت یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد و برای اثبات آن یک واقعه را که در زنده‌گی خود شما رخ داده باشد و یا از کس دیگری شنیده و یا در جایی خوانده باشید، بیان دارید.

## عفو و بخشش

در روایات آمده است که روزی حضرت امام حسین علیه السلام از خادمه خود آب طلب نمود، وی آب بسیار گرم را حاضر کرد، حینی که می خواست بر دستانش آب بریزد، ظرف آب از دستش افتاد و دستان آن حضرت را بدرد آورد. کنیز از کرده اش سخت خجالت زده شد، وقتی امام حسین را در حال غضب دید، این قول خداوند متعال را به یادش آورد

﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ﴾ [آل عمران: ۱۳۴]

ترجمه: «آنانی که خشم خود را فرو می بندند».

حضرت امام حسین علیه السلام گفت: «خشمم را فرو بردم» کنیز گفت: ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ ترجمه: «از مردم در می گذرند»، امام گفت: از اشتباهت در گذشتم و ترا بخشیدم، باز کنیز گفت: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْحَسَنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۴].

ترجمه: «و خداوند نیکوکاران را دوست دارد»، در مقابل امام حسین علیه السلام فرمودند: «ترا به خاطر خداوند آزاد کردم».

این درس به این سؤالات پاسخ می گوید:

عفو چیست؟ دلایل مشروعیت آن کدام است و اثرات آن در زنده گی چیست؟

### تعریف عفو

عفو در لغت: مصدر عَفَا يَعْفُو عَفْواً می باشد، که بر دو معنای اساسی دلالت دارد:

اول: ترک یک چیز. دوم: طلب نمودن آن.

و در اصطلاح: گذشت از اشتباهات و لغزشها و ترک عقاب بر آن می باشد.

### دلایل مشروعیت عفو و گذشت در نصوص اسلامی

#### اول: عفو و گذشت در قرآن کریم

خداوند جل جلاله می فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۹]

**ترجمه:** «گذشت داشته باش و آسانگیری کن و به کار نیک دستور بده و از نادانان چشم‌پوشی نما». خداوند متعال در این آیت کریمه به طور مستقیم به آراسته شدن به عفو و گذشت دستور فرموده است و لازم است کسی که پیرو محمد ﷺ می‌باشد و مخصوصاً دعوت‌گران، این خصوصیت را جزئی از اخلاق خویش بگردانند. خداوند ﷻ در جای دیگری عفو و گذشت را جزئی از خصوصیات متقیان پنداشته می‌فرماید: ﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْحَسَنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۴] ترجمه: «آن کسانی اند که خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد».

## دوم: عفو و گذشت در سنت نبوی

- از حضرت عائشه رضی الله عنها نقل است که رسول الله ﷺ هیچگاه کسی را به دست خویش نزده اند؛ نه زنی را و نه خادمی را، مگر آن که جهاد فی سبیل الله کرده باشد. و هرگاه بر ایشان تجاوزی صورت گرفته، هیچگاه برای خویش انتقام نگرفته اند، مگر آن که به حریم شریعت الهی تجاوز شده باشد و آنحضرت ﷺ فقط برای حق تعالی انتقام گرفته است و بس.

- حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: دیدم که پیامبر ﷺ در مورد حالت پیامبری از پیامبران الهی سخن می‌گوید و حکایت می‌کند که قومش او را لت و کوب نموده و خون آلودش می‌کردند و او خون خود را پاک نموده می‌گفت: ﴿اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** «پروردگارا قوم مرا ببخش، چون ایشان نمی‌دانند».

- همچنان صحنه‌های زیادی در زندگی پیامبر ﷺ وجود دارد که دال بر وجود این خُلق رفیع در وجود آن ﷺ می‌باشد. از جمله آن که پیامبر اسلام روزی که به طایف رفته بودند تا آنها را به دین اسلام دعوت نمایند، ولی از طرف آن قوم سخت آزار دیدند، در نتیجه فرشته ای جهت کمک رسول الله ﷺ فرستاده شد و فرشته برایش پیشنهاد نمود که اگر خواسته باشد آزار دهندگان را در میان دو کوه از بین می‌برد، ولی پیامبر





بزرگ از اشتباه آنها گذشت و فرمود: من امید وارم که از نسل آنها کسی پیدا شود که خداوند را به یگانگی بشناسد و پرستش نماید. و همین طور بعد از فتح مکه، مردم آن شهر را با همه جنایاتی که در حقش انجام داده بودند، مورد عفو قرار داد و از مجازات شان در گذشت.

#### فعالیت

شاگردان عزیز در مورد اهمیت و ضرورت عفو و گذشت در میان ملت افغانستان بحث نموده، نتایج بحث خود را نکات وار در کتابچه های خویش بنویسند و بعداً آن را در پیش روی صنف بخوانند.

#### فضیلت عفو

خداوند متعال در عفو و گذشت نتایج دلپسند و فضایل خوبی را قرار داده است. مثلاً خداوند متعال در آیت ذیل می فرماید: ﴿وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۴]

ترجمه: «اگر عفو کنید و چشم پوشی نمایید و ببخشید ( خدا هم شما را مشمول عفو و مرحمت و مغفرت خود قرار می دهد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است). خداوند متعال، در آیت دیگری اهل فضل مؤمنین را دستور داده است که در برخورد اجتماعی شان باید راه گذشت و عفو در پیش گیرند، و می فرماید: ﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النور: ۲۲]

ترجمه: «باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست نمی دارید که خداوند شما را بیامرزد؟ و خدا آمرزگار و مهربان است».

و مسلمان با عفو و گذشت، عزت را از خداوند و احترام را از مردم بدست می آورد و حتی دشمن او نزدش آمده و از او پوزش می خواهد. خداوند ﷻ در این مورد می فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۶]

**ترجمه:** «هرگز بدی با نیکی برابر نمی‌شود، پس باید تو با زیباترین طریقه و بهترین شیوه دفاع بکنی (پاسخ دهی) نتیجه این کار، آن خواهد شد کسی که میان تو و میان او دشمنی وجود داشته است، به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد».

پیامبر اسلام ﷺ فرموده: کسی که خشمش را فرو خورد، در حالی که می‌تواند آن را عملی سازد، خداوند در روز قیامت در برابر سران مردم، او را می‌خواند و مختارش می‌سازد تا از آن چه از حور العین می‌خواهد انتخاب کند<sup>(۱)</sup>.

## ارزیابی

- ۱- عفو را در لغت و اصطلاح تعریف نمایید.
- ۲- دلایل عفو را از قرآن کریم و سنت نبوی بیان کنید.
- ۳- اهمیت عفو را در جامعه کنونی ما توضیح بدهید.
- ۴- از زندگی پیامبر بزرگ اسلام یک نمونه گذشت را بیان دارید.
- ۵- فهم خود را در مورد آیت قرآنی ذیل بیان کنید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾
- ۶- باز تاب عفو و گذشت را در قرآن کریم روشن سازید.
- ۷- برای فضیلت عفو و گذشت چند نمونه ذکر نمایید.

کارخانه گمی

طی یک مقاله، پنج نتیجه از نتایج عفو و بخشش را به تفصیل بنویسید.

---

۱ ابو داوود، ترمذی و ابن ماجه

## وفا به عهد

الله تعالی فرموده است: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب: ۲۳]

ترجمه: «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آن چه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند».

در بیان سبب نزول آیه فوق آمده است: این آیه در شأن انس بن نصر رضی الله عنه نازل شده است؛ زیرا او از غزوه بدر غایب بود و پس از آن با خداوند جل جلاله عهد بست که در غزوه دیگری که رخ می‌دهد، مردانه بجنگد؛ لذا در غزوه احد چنان جنگید تا به شهادت رسید و در بدن وی بیشتر از هشتاد زخم را یافتند<sup>(۱)</sup>. از این روی درس کنونی را به بیان اهمیت وفا به عهد تخصیص می‌دهیم.

### تعریف وفا

وفا در لغت، مصدر وَفَى یَفِی وفاءً بوده به معنای اكمال عهد و اتمام شرط می‌باشد و ضد این کلمه غدر و خیانت است.

و در اصطلاح: معنای وفا آن است که انسان به عهد و وعده‌های خویش التزام نشان داده از بد عهدی، خلافتکاری و بد قولی خود داری ورزد.

### باز تاب وفا در نصوص دینی

خداوند متعال به وفا به عهد امر نموده می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ [الاسراء: ۳۴]

۱- أسباب النزول للواحدي - (۱/ ۳۴۲)

ترجمه: «و به عهد و پیمان خود (که با خدا یا مردم بسته‌اید) وفا کنید، چرا که از (شما در روز رستاخیز درباره) عهد و پیمان پرسیده می‌شود».

و در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [النحل: ۹۱]

ترجمه: «و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوغندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکیند با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید؛ زیرا خدا آن چه را انجام می‌دهید، می‌داند».

رسول ﷺ فرمودند: شش چیز را برای من ضمانت کنید جنت را برای شما ضمانت می‌کنم؛ هر گاه سخن زدید راستگو باشید، هر گاه وعده نمودید به وعده خود وفا کنید، امانتها را به اهل آن‌ها تسلیم دهید، عورت (شرمگاه)‌های خویش را از ارتکاب گناه نگهدارید، و چشمان خود را از نامحرمان ببندید، و از اذیت مردم دست نگهدارید.<sup>(۱)</sup>



#### فعالیت

وفا به عهد چه تأثیراتی در زنده‌گی ما دارد و اگر عهد خود را بشکنیم، با کدام مشکلاتی روبه رو خواهیم گردید؟ نتایج بحث را در کتابچه‌های خود بنویسید و در پیش روی صنف قرائت نمایید.

#### انواع وفا

وفاداری دارای اقسام زیادی است که ما در اینجا به ذکر چندقسم مهم آن اکتفا می‌نماییم:

۱. وفا با خداوند جل جلاله: در میان خداوند و بنده اش عهد بزرگ و مقدسی و جود دارد، این که فقط او را عبادت نماید، و هیچ چیز را با او تعالی شریک نسازد، و از عبادت شیطان و پیروی راه و روش او اجتناب ورزد. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [یس: ۶۰]

ترجمه: «ای فرزندان آدم مگر از شما تعهد نگرفته بودم که شیطان را مپرستید؛ زیرا

۱- احمد و طبرانی

وی دشمن آشکار شماست».

۲. وفا به عهد و پیمان: اسلام به احترام عهد و پیمان و اجرای شروط متفقّه توصیه میکند، رسول الله ﷺ می‌فرماید: ﴿الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ﴾<sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** مسلمانها بر شرطهای خویش پای بند هستند. از همین روی بود که پیامبر ﷺ در تمام پیمانهایی که با مخالفین خود می‌بست، آن را کاملاً مرعی می‌داشت، مثلاً زمانی که در حدیبیه با سران مکه صلح نمود، به تمام شروط صلح پابند ماند، تا آن که مشرکین خود خلاف ورزی کردند و آن گاه بود که به فتح مکه اقدام کردند.

۳. وفا به نذر: مسلمان به نذر خود وفادار می‌باشد در صورتی که این نذر در کارهای خیر باشد، و در غیر آن و فاداری به آن جواز ندارد. خداوند متعال در وصف بندگان خداوند و نیکو کاران می‌فرماید: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ [الإنسان: ۷]

**ترجمه:** «[همان بندگان] که [به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است، می‌ترسیدند]».

۴. وفا به وعده: مسلمان به وعده خود وفا نموده و خلاف آن، عمل نمی‌نماید، چون می‌داند که خلاف ورزی از وعده، و زیرپا نهادن آن، از خصلتهای منافقین است چنانچه پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِيَ خَانَ﴾<sup>(۲)</sup>

**ترجمه:** «نشانه‌های منافق سه چیز است: هرگاه سخن زند، دروغ می‌گوید، و اگر با کسی وعده نماید، خلاف ورزی می‌کند، و اگر برایش امانتی سپرده شود، خیانت میکند».

### نمونه‌هایی از وفاداری صحابه رضی الله عنهم

صحابهٔ پیامبر اکرم ﷺ به تمامی وعده‌های خویش وفا دار و پای بند بودند. هرچند که به قیمت جان شان هم تمام می‌شد، و در اینجا به عنوان نمونه، قصه انس بن نضر را یاد آور می‌شویم: حضرت انس بن نضر از عدم اشتراک در غزوهٔ بدر بسیار ناراحت و غمگین

۱- بخاری

۲- متفق علیه

بود و قسم یاد نمود که اگر خداوند او را همراه پیامبر ﷺ در غزوۀ دیگری شرکت نصیب فرمود، صادقانه جهاد خواهد کرد. وی در غزوۀ احد به خاطر وفا به این عهد جنگ بی نظیری کرد تا این که جام شهادت نوشید، و بعد از ختم جنگ، صحابه ملاحظه نمودند که در جسد او هشتاد و چند ضربه شمشیر و تیر وجود دارد و هیچ کس نتوانست او را شناسایی نماید، مگر خواهرش و آنهم با آن علامت که در انگشت او بود.

## ارزیابی

- ۱- عبارات درست ذیل را با علامت (✓) و عبارات غلط را با علامت ✕ نشاندهی کنید:
  - ا- مسلمان به عهد خود با مسلمانها و کفار وفادار است. ( )
  - ب- از صفات منافقین وفا به عهد است. ( )
  - ج- عهد شکنی خصلت بد است. ( )
  - د- مسلمان به نقض عهد مبادرت نمی‌ورزد. ( )
- ۲- وفا به عهد را تعریف نمایید.
- ۳- یک آیت را بنویسید که بر وفا به عهد ترغیب نماید.
- ۴- اگر کسی بر وفا به عهد حریص باشد ولیکن به خاطر عذری نتواند به این امر پای بند باشد، این شخص چه حکم دارد؟
- ۵- سه عرصه از عرصه‌های وفا به عهد را بیان دارید.
- ۶- در مورد حرص پیامبر ﷺ بر وفا به عهد یک مثال ذکر کنید.



شاگردان عزیز! اهمیت وفا به عهد را در جامعه خود ما در چهار سطر بنویسند.

## ایثار

### تعریف ایثار

**در لغت:** لفظ ایثار از ماده (ا ث ر) اخذ شده است، که معنای اختیار و تفضیل را می‌رساند،<sup>(۱)</sup> چنانچه در آیت قرآنی آمده است: ﴿قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ﴾ [یوسف: ۹۱]

**ترجمه:** «سوگند به خدا، که او [تعالی] تو را (به سبب پرهیزگاری و شکیبایی و نیکوکاری) بر ما برگزیده و برتری داده است». و در اصطلاح، ایثار عبارت از ترجیح دیگران بر نفس خود، و یا ترجیح شخصی بر شخصی دیگر، و یا چیزی بر چیز دیگر است.

### اهمیت ایثار

انسان با وجود نیازمندی‌های خود، حاجت دیگران را بر حاجت خود ترجیح می‌دهد، خود را گرسنه و تشنه نگه می‌دارد تا آن‌ها سیر و سیراب شوند. چنانچه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: (ایمان کامل ندارد هیچ یک از شما تا اینکه بپسندد برای برادر مسلمان خود آنچه را برای خود می‌پسندد). (متفق علیه)

ایثار، خصلتی از خصلت‌های بزرگ اسلامی است؛ چون در نهاد بعضی انسانها بخل و خود بینی جای می‌گیرد، پس اگر دلها از این رذیله اخلاقی پاک و منزّه گردد، چنین انسانی تا مقام بلند فرشتگان هم بالا می‌رود.

واقعاً خیلی مشکل است که انسان از خودش کاملاً بگذرد و برادر مسلمان خود را بر خودش در چیزی ترجیح دهد که خود بدان نیاز شدید دارد.

با این وصف، می‌بینیم که این پدیده در وجود مادران و پدران در حق فرزندان آنها به خوبی دیده می‌شود، چنان که آنها فرزندان خود را بر خویشتن خویش ترجیح می‌دهند. بلی این کار را در میان والدین می‌بینیم که در حق فرزندان خود ایثار نشان می‌دهند. الگوی ایثارگری آن است که ایثار در دایره‌های تنگ باقی نماند و به خود بینی‌ها و منیتها محصور نماند این ایثاری است که آن را جز در وجود مؤمنان صادق در کس دیگری

نمی‌توانیم دید، آنانی که با خدا معامله می‌کنند و در پی رضوان او تعالی می‌باشند و اجر و پاداش را هم از او تعالی می‌خواهند.

### بازتاب ایثار در نصوص دینی

خداوند متعال نمونه ای از ایثار انصار را در حق مهاجرین ثبت نموده و نشان می‌دهد که آنها چگونه برادران مهاجر خود را بر بسیاری از چیزهایی که خود بدان نیاز بیشتر داشتند، ترجیح می‌دادند. وقتی که خداوند ﷺ آنها را با داشتن این خوی نیک می‌ستاید، در حقیقت مسلمانان را به اقتدا به آنها تشویق می‌نماید: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٩﴾ [الحشر: ٩]

**ترجمه:** «و کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند، هر کس را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند، دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده، در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند خودشان به آن ضرورت [مبرم] داشته باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشان که رستگارانند»

### ایثار در زنده‌گی پیامبر ﷺ

پیامبر بزرگ اسلام، نمونه زیبایی از ایثار و خودگذاری بودند. مطالعه در زنده‌گی آن پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که تا کدام اندازه ایثارگری را ترجیح داده است. در روایتی آمده است، زنی یک برده «عبای» پشمین را که خود بافته و خیاطی کرده بود، به نزد پیامبر ﷺ آورده به آن ﷺ هدیه داد. زن گفت: این برده را با دست خود بافته‌ام و خواستم که آن را به شما هدیه کنم، پیامبر ﷺ هدیه اش را پذیرفت و از وی تشکر نمود، وقتی پیامبر ﷺ به نزد صحابه بیرون شد آن برده «عبا» را در بر داشت، وقتی صحابه آن را در بر وی دیدند. آن را تحسین نمودند. چند لحظه بعد، یکی از حاضران مجلس در حالی که از اعجاب به آن برده «عبا» به وجد آمده بود، از پیامبر ﷺ خواست که آن را برایش هدیه دهد. پیامبر ﷺ در حالی که به آن برده «عبا» نیاز داشت آن را به شخص در خواست کننده بخشید، دیگران آن مرد را سرزنش کردند که چرا چنین کرد، در حالی که می‌دانست پیامبر ﷺ برده «عبای» دیگری ندارد و درخواست کسی را هم رد نمی‌کند. مرد سوگند یاد نمود که آن را به خاطر پوشیدن نخواست به بلکه به خاطری خواسته است تا در روز مرگ کفنش باشد، و همان طور شد که در روز مرگ وی را با آن برده کفن نمودند<sup>(۱)</sup>.



۲- حضرت ابو هريره رضی الله عنه روایت می‌کند که روزی خیلی گرسنه بودم و از شدت گرسنگی بر شکم ام سنگ بسته بودم. می‌گشتم تا کسی را بیابم که مرا مهمان کند و برایم غذا بدهد. نظرم بر پیامبر صلی الله علیه و آله افتاد. وقتی به من نگاه کرد، تبسم نمود و از چهره ام دانست که من در چه وضعی هستم، و به من دستور داد: از پشت سرم بیا وقتی نزدیک خانه اش شدیم، ایشان وارد خانه شدند و بعد به من هم اجازه ورود دادند و من هم داخل شدم، در خانه یک کاسه شیر را دید، پرسید که این شیر از کجا پیدا شده؟ گفتند فلان شخص برایتان هدیه آورده. پیامبر صلی الله علیه و آله روی به من نموده فرمود: ابا هریره، گفتیم: لبیک ای رسول خدا، فرمود: «به نزد اهل صفة برو و آنها را به نزد بخوان»، (اهل صفة در واقع مهمانان اسلام بودند، نه خانواده ای داشتند، نه از مال و دارایی برخوردار بودند، هرگاه صدقه ای به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسید آن را بر سر اهل صفة مصرف می‌نمود و خود از آن استفاده نمی‌کرد) و اگر برایش هدیه ای می‌رسید، باز هم آنها را در هدیه شریک می‌نمود و خودش هم استفاده می‌کرد، وقتی برایم چنین دستوری داد، خفه شدم و با خود گفتم این چقدر شیر است که آنها را به اهل صفة هم می‌دهد و به من هم می‌دهد، در حالی که خیلی اندک است؟! ولی از اطاعت امر خدا و پیامبرش گریزی نداشتم. رفتم و اهل صفة را فرا خواندم و همه آمده و در جاهای خود قرار گرفتند و پیامبر صلی الله علیه و آله به من دستور داد: ابا هریره، این کاسه شیر را بگیر و به مهمانان بنوشان من هم کاسه را گرفتم و به یک، یک آنها تقسیم نمودم و هر کدام که نصیبش را می‌نوشید کاسه را به من دوباره می‌داد و این طور کاسه را بر سر تمام مهمانان گردانیدم و همه سیر شدند. و در نهایت آن را در دست پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشتم، پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حالا صرف من و تو ماندیم. آنگاه کاسه را به من پیش نموده فرمود: بنوش. من هم نوشیدم و بعد دو باره فرمود: بنوش. تا اندازه ای اصرار نمود که گفتم: سوگند به خدایی که تو را به حق فرستاده دیگر جایی باقی نمانده است. در آخر چیزی که در کاسه باقی مانده بود آن را خودش نوشید.

### ایثار در زنده‌گی صحابه کرام و نسل‌های صدر اسلام

۱. ابو هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله مهمان شد، شام به خانه‌های خود کس فرستاد تا غذایی یابند که به مهمان بیاورند. در هیچ یک از خانه‌های آنحضرت صلی الله علیه و آله خوردنی ای یافت نشد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در میان حاضران صدا کرد که کدام یک از شما این مهمان را امشب نگه میدارد؟ مردی از انصار گفت: من، و مهمان را با خود به خانه برد. وقتی به خانه داخل شد، به همسر خود گفت: مهمان رسول الله را باید

اکرام کنی. زن گفت: جز غذای یک بار برای فرزندانم چیز دیگری نداریم. مرد گفت: خیر است، غذا را پخته نما، چراغ را روشن کن و فرزندان را بخوابان. وقتی که زن غذا را آماده نمود و چراغ را روشن کرد و فرزندان خود را خواباند، بعد از آن از جای خود برخاست. انگار می‌خواهد که چیزی را درست کند و چراغ را خاموش نمود و به مرد نشان می‌دادند که گویا از غذا می‌خورند. در حالی که دست به کاسه می‌بردند، ولی نمی‌خوردند و گذاشتند تا آن که مهمان غذا را مکمل خورد و سیر شد و خود گرسنه خوابیدند، فردا مرد انصاری مهمان خود را گرفته به نزد پیامبر ﷺ رفتند. وقتی پیامبر ﷺ او را دید، فرمود: «امشب خداوند از کار تو خیلی خوش شد» و در اثر همان حادثه بود که آیت **﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَنَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾** [سورت الحشر، آیت: ۹] ترجمه: «و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشان رستگارانند»، نازل گردید.

۲- انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند: زمانی که عبدالرحمن بن عوف مهاجر شد پیامبر ﷺ در میان او و سعد بن الربیع عقد برادری بست و سعد در حالی که مرد ثروتمندی بود، به عبدالرحمن گفت: همه انصار می‌دانند که من از همه آنها مال و دارایی بیشتری دارم، مال و دارایی ام را در میان خود و شما دو قسمت می‌کنم، و من دو زن دارم به آنها نگاه کن هر کدام شان که برایت مقبول می‌نمود، انتخاب کن و من او را طلاق می‌دهم و بعد از تمام شدن عدتش تو با او ازدواج نما. عبدالرحمن در جواب گفت: خداوند در مال و اهلت برکت اندازد... من مرد تاجر هستم مرا به بازار بلد سازید»<sup>(۱)</sup>.

## ارزیابی

- ۱- ایثار را تعریف کنید.
- ۲- اهمیت ایثار را بیان نمایید.
- ۳- برای اثبات ایثار از قرآن کریم دلیل بیاورید.
- ۴- از زنده‌گانی صحابه کرام یک نمونه ایثار را بیان نمایید.

کارخانه گی

به تفاسیر مراجعه نموده، تفسیر آیت ذیل را در کتابچه‌های خود نقل نمایید:

**﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾**

## ورع

صحابی جلیل القدر، حضرت سلمان رضی الله عنه فرموده است: «فردا- روز قیامت- قریب ترین مردم به خداوند اهل ورع و پرهیزگاران می باشند».

ورع قلب انسان را از پلیدیها پاک کرده، و نفس وی را صاف می گرداند.. حضرت عائشه رضی الله عنها گفته است: شما از بهترین عبادت ها (پرهیزگاری) غافل مانده اید! درین درس می کوشیم تا در مورد ورع معلومات دقیق به دست آوریم.

### تعریف ورع

ورع در لغت: از ورع یرع ورعاً، گرفته شده است و عبارت است از خود داری از انجام آنچه که مناسب نمی باشد<sup>(۱)</sup>.

و در اصطلاح: ورع عبارت است از اجتناب از شبهات به خاطر ترس از وقوع در محرمات<sup>(۲)</sup>.

### دلایل ورع

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: ﴿إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ أَلَا وَإِنْ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا وَإِنْ حِمَى اللَّهِ مَحْرَمُهُ أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ﴾<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: «بدون شک حلال و حرام هر دو واضح اند و در میان آن دو، اموری مشتبه قرار دارند؛ بسیاری مردم آنها را درک نمی کنند و کسی که از واقع شدن در شبهات خود را نگهدارد، دین و آبروی خود را حفاظت کرده است، و کسی که در مشتبهات واقع شود، در حرام افتاده است، مانند شبانی که رَمه اش را در اطراف کشتزار می چراند، چیزی نمی ماند که رَمه اش به

۱ معجم مقاییس اللغة لابن فارس

۲ تعریفات السید الجرجانی ص ۱۷۰

۳ المسلم

کشتزار راه یابد و در آن بچرد؛ آگاه باشید که هر پادشاهی را مرزها و چارچوبهایی است که نباید شکستانده شود و مرزهای الهی محارم اوست. در بدن انسان قطعه گوشتی است که اگر آن درست شود، همه بدن درست می‌شود و اگر آن به فساد گراید، تمام جسد فاسد می‌گردد و آن دل است.»

پیامبر ﷺ در جای دیگری فرموده است: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ»<sup>(۱)</sup>. ترجمه: از کمال مسلمان بودن شخص آن است که آنچه برایش ارتباط و نفعی ندارد آن را ترک کند.

### فضیلت ورع

نبی کریم ﷺ فرموده است: «كُنْ وَرِعًا تَكُنْ عَبْدَ النَّاسِ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: پرهیزگارباش، عابدترین مردم می‌گرددی.  
و فرموده است: «لَا يَلْبِغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَدَرًا مِمَّا بِهِ بَأْسٌ»<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: (بنده نمی‌تواند که به درجه متقیان برسد، جز آن وقت که چیزی را که اشکالی در آن وجود ندارد، بخاطر چیزی که اشکال آفرین است، رها نماید).  
از حسن پرسیده شد: در مورد ورع چه می‌گویی؟ فرمود: ورع در رأس همه امور قرار دارد.

### انواع ورع

۱. ورع واجب: عبارت است از پرهیز نمودن از کارهای حرام و عمل بر واجبات.
۲. ورع مستحب: عبارت از پرهیز کردن از مکروهات و عمل به مستحبات است، و شامل پرهیز از شبهات نیز می‌شود.
۳. ورع افضل: عبارت از خود داری از بسیاری امور مباح و قناعت کردن بر اقل ضروریات است و این صفت پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین است. چنانچه نبی اکرم ﷺ می‌فرماید «إِنِّي لَأَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِي فَأَجِدَ الثَّمَرَ سَاقِطَةً عَلَى فِرَاشِي، فَأَرْفَعُهَا لِأَكُلُهَا، ثُمَّ أَخْشَى أَنْ تَكُونَ صَدَقَةً فَأَلْقِيهَا»<sup>(۴)</sup> ترجمه: «من نزد خانواده خود بر می‌گردم و دانه

۱- ترمذی (۲۳۱۷)

۲- سنن ابن ماجه

۳- سنن الترمذی

۴- صحیح بخاری

خرمایی را روی بستر خود مییابیم، او را می گیرم که بخورم، بعداً میترسم که صدقه باشد پس آن را دور می اندازم)

## معیارهای ورع

برای آنکه کار بنده منجر به ورع فاسد و غیر شرعی نگردد و به افراط گرایی ناپسند و یا به تفریط ممنوع منتهی نشود، باید معیارهای ورع را در نظر داشت:

۱. ورع مربوط به انجام فعل واجب، ترک کار حرام، انجام فعل مستحب و ترک کار مکروه می باشد. اما ورع (پرهیزگاری) از مباح محض که در آن هیچ شک و شبه ای وجود ندارد، لازم نیست. ولی شماری از مردم اندکه در ورع اشتباه نموده آن را محدود بر پرهیز از محرمات میدانند، نه انجام واجبات. این مردم از دروغ گفتن، خوردن مال مشکوک و مانند آن پرهیز می کنند، اما با این حال آنها کارهایی را ترک می کنند که انجام آن واجب است، مانند صلۀ رحم، حقوق همسایه، آموختن علم، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا و غیره. و این ورع گاهی اوقات صاحب خود را در بدعت های بزرگ می اندازد، که در واقع ورع خوارج، معتزله و برخی دیگر از فرقه های گمراه از این قبیل بود، که به گمان خود از ظلم و آنچه که ظلم می پنداشتند پرهیز کردند، ولی بخاطر این کار واجبات بس عظیمی را ترک نمودند مثل: نماز جمعه، جماعت، ادای فریضه حج و غیره.

۲. این که ورع مبنی بر علم شرعی باشد؛ زیرا ورعی که مصدر آن جهل و یا احتیاط فاسد باشد بسا اوقات به فساد بزرگتر منجر می گردد. پرهیز و اجتناب بعضیها از محرمات بنا بر دلیل شرعی نبوده، بلکه براساس اینکه از آن چیز متنفر اند و با خواست آنان سازگار نیست، پرهیز می کنند و از همین جهت در نزد آنان حدس و گمانهای کاذب به وجود می آید و در نتیجه در پرهیزگاری فاسد واقع می شوند و خود گمان می کنند که کار نیک انجام می دهند!

۳. باید در بین مفاسد و مصالح موازنه وجود داشته باشد، آنچه که مصلحت در آن غالب باشد پس ورع در آن این است که آن فعل انجام گردد، و اگر فساد بر آن غلبه یابد، ورع آن است که، آن فعل ترک گردد. ورع سبب می شود تا بعضی مردم برخی امور را نظر به جنبۀ فساد آن ترک نمایند و به جنبۀ مصلحتی که بر جنبه فساد آن غالب است، نظر ننمایند و یا برعکس آن بعضی کارها را نظریه جنبۀ مصلحت آن بدون توجه به جنبه فساد آن انجام میدهند.

## مواردی که در آن ورع ضروری است

مواردی که باید در آن ورع صورت گیرد، زیاد است و ما در این جا به نکات و موارد مهم آن اشاره می‌نماییم:

- ۱- **ورع باطن:** انجام ندادن کاری جز به خاطر خداوند پاک و تطهیر قلب از ریا.
- ب- **ورع در طعام و شراب:** این چیز از بزرگترین انواع ورع است و این کار با تفکر به حلال و دوری از حرام و آنچه که در آن شبهه وجود دارد، انجام می‌گیرد.
- ج **ورع در سخن و کلام:** از جهت سختی آن برخی از سلف صالح می‌گویند: ورع در سخن گفتن، مشکل تر از بدست آوردن طلا و نقره است.
- د- **ورع در امور مشکوک:** مراد از امور مشکوک، اموری است که در بین حلال و حرام قرار دارند برای بسیاری مردم اشتباه ایجاد می‌شود که آیا این کار حلال است و یا حرام؟
- هـ- **در خرید و فروش:** مثال آن پرهیز از مخفی کردن عیب مال حین فروش آن است، پس ورع آن است که عیب مال بیان گردد گرچه در اثر این بیان قیمت مال پایین آید، و مثال دیگر ورع در خرید و فروش این است که فروشنده پولهای ناسالم در بین پولهای سالم مخفی نگردیده و داده نشود.
- و- **ورع در فتوی:** این نوع ورع به این طریق صورت می‌گیرد که بدون علم و دقت و اطمینان در امور شرعی فتوی داده نشود.

## ارزیابی

- ۱- ورع را در لغت و اصطلاح با ذکر دلیل بیان نمایید.
- ۲- برای اثبات ورع از قرآن و سنت دلیل بیاورید.
- ۳- فضیلت ورع را چگونه و با کدام دلیل ثابت می‌توان نمود؟
- ۴- در ورع چه معیارهایی وجود دارد؟ آن را روشن سازید.
- ۵- انواع ورع را بیان نمایید.
- ۶- در کدام زمینه‌ها ورع امر لازمی است؟

کارخانه گمی

مقاله ای بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد و در آن پیرامون زمینه‌های ورع و فواید ورع بحث نمایید.

## استفاده از وقت

اسلام بر ضرورت استفاده از وقت، و بکاربردن آن در آنچه که سودمند است، تأکید کرده و بر انسان حرام گردانیده که وقت خود را بدون فایده هدر بدهد، زیرا انسان در روز قیامت از وقت خود که در کدام راه صرف نموده است، پرسیده می‌شود. در این درس جوانب مختلف اهمیت وقت در زندگی مسلمان را بررسی خواهیم نمود.

### اول: اهمیت وقت

وقت، از نعمت‌های بزرگ خداوند است، که بر بنده گان خود منت گذاشته است. به نحوی که فرموده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَنۢ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾ [الفرقان: ۶۲]

ترجمه: (و اوست آن که شب و روز را جانشین یک دیگر ساخت؛ برای کسی که می‌خواهد پند بگیرد یا می‌خواهد شکر گزار شود). رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ الصُّحَّةُ وَالْفَرَاغُ﴾<sup>(۱)</sup>. ترجمه: دو نعمت اند که مردم ارزش آنها را ندانسته و در آنها زیان می‌بینند: صحت و فراغت.

و در جای دیگر فرموده است: ﴿لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ وَعَنْ عِلْمِهِ مَاذَا عَمِلَ فِيهِ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: «در روز قیامت، تا لحظه ای بنده گام برداشته نمی‌تواند تا آن که، از عمرش پرسیده شود که آن را در کدام راه به سر برده و از جوانی اش که آن را در کدام راه

۱- البخاری

۲- ترمذی

صرف کرده و از مالش که آن را از کدام راه بدست آورده و به کدام راه مصرف نموده و از علمش که با آن چه عمل کرده است».

حضرت عائشه رضی الله عنها روایت کرده که: رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: «خُذُوا مِنَ الْأَعْمَالِ مَا تُطِيقُونَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا، وَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «به اندازه توان خود کار کنید. بدورستی که خداوند خسته نمی شود تا آن که شما خسته شوید، و محبوب ترین عمل در نزد خداوند با دوام ترین آن است، اگر چه اندک باشد».

به خاطر اهمیت بزرگی که وقت و زمان در زنده گی انسان دارد، خداوند متعال به زمان سوگند یاد، نموده و فرموده است که بسیاری مردم در استفاده درست از آن دچار اشتباه و زیان می باشند به جز آنانی که وقت خویش را به طور درست به کار می گیرند و از آن در راه خیر و صلاح خود و جامعه استفاده می نمایند. چنانچه او تعالی می فرماید: «وَالْعَصْرُ ﴿۱﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾» [سورت العصر آیت ۱-۳]

ترجمه: «سوگند به عصر، قطعاً انسان همواره در زیان است، جز آنانی که ایمان آورده و عمل نیکو انجام داده اند و همدیگر خویش را به حق و صبر توصیه کرده اند»

بسیاری از علما و دانشمندان اسلامی از این سوگند به زمان، این را فهمیده اند که خداوند تعالی به اهمیت وقت و زمان قایل است و در حقیقت نصیب انسان از زندگی همانا استفاده درست از وقت است، و باید آن را در راه درست آن به مصرف برساند.

انسان مؤمن، بیشتر از هر کسی در این دنیا به ارزش وقت پی می برد؛ زیرا او همین که صبحگاهان از خواب بیدار می شود، می داند که وقت نماز فجر است و هنگامی که نماز فجر را به جای آورد، می داند که بعد از چند ساعت وقت نماز ظهر فرا خواهد رسید، و زمانی که از نماز ظهر فارغ گردید برای ادای نماز عصر خود را آماده می سازد، و چون خورشید غروب کرد نماز مغرب را ادا می نماید و به این نتیجه می رسد که شب فرا رسید و چون نماز عشا (خفتن) به پایان رسید، می داند که از این به بعد واجبات و مسؤولیتهای دیگری دارد که باید به انجام برساند.



## چگونه از وقت خود استفاده نماییم؟

مسلمان به اهمیت وقت خود آگاه است، زیرا وقت زود گذر می‌باشد. پس هراندازه که عمر انسان طولانی شود، بازهم کوتاه است و آنچه که از آن گذشت، دیگر باز نمی‌گردد و عوض هم ندارد. حسن بصری رحمه الله گفته است: «هر روزی که در آن صبح می‌دمد، ندا می‌کند: ای ابن آدم من مخلوق جدید هستم، و بر کار تو شاهد هستم، پس از من استفاده کن، بدرستی زمانی که سپری شدم تا روز قیامت دیگر بر نمی‌گردم». و زمانی که از وقت خود در برابر خداوند مسؤول می‌باشیم، پس برماست که:

- ۱- از سستی و تنبلی در تمام حالات و اوقات اجتناب نماییم.
  - ۲- اوقات فراغت خود را در کارهای خیر و حق به مصرف برسانیم نه در امور شر و باطل.
  - ۳- اوقات خود را منظم نماییم، و آن را جز برای کارهای نیک ما نند عبادت کردن، مطالعه، تحقیقات علمی، کار، سپورت، ادای مسؤولیتهای فردی و اجتماعی و غیره در کارهای بیهوده و نادرست مصرف ننماییم.
  - ۴- کار را در وقت آن انجام بدهیم و کار امروز را به فردا نیفکنیم.
  - ۵- ارزش وقت خود و وقت دیگران را بدانیم.
- مسلمان تلاش می‌کند تا اوقات فراغت خود را در کارهایی که فایده آن به او و جامعه باز می‌گردد، صرف نماید، مثل قرائت قرآن کریم، یا ورزش، یا مطالعه کتابهای علمی و سایر کارهای خیر، حصول رزق حلال از طریق کسب و کار حلال و... پس برماست تا وقت را غنیمت شماریم تا باشد به مسلمانان قرنهای اول اقتدا کرده باشیم که اوقات خود را در هرچه که بدین ودنیای شان مفید بود، غنیمت شمرده از آن استفاده اعظمی می‌نمودند.

## سخنان دانشمندان و صالحین در مورد استفاده درست از وقت

- مسؤولیت‌های ما از اوقات مان بیشتر است؛ پس وقت خود را بی‌فایده مصرف نکنید.
- زمان در مورد ما بی‌طرف نیست؛ یا دوست صمیمی ما می‌باشد، و یا دشمن سر سخت.
- وقت مانند شمشیر است؛ اگر قطعش نکردی، ترا قطع خواهد کرد.
- خداوند اعمالی را در روز بر بنده لازم گردانیده است که آن را جز در روز نمی‌پذیرد، و اعمالی در شب بر او لازم ساخته که آن را جز در شب نمی‌پذیرد.

## ارزیابی

۱. حدیثی را بنویسید که در آن رسول الله ﷺ بر غنیمت شمردن وقت تأکید فرموده اند.
۲. دو خصوصیت از خصوصیت‌های وقت را بیان نمایید.
۳. عبارت ذیل را تشریح کنید: (هر انسان از وقت خود مسؤولیت دارد که در آن چه کاری انجام داده است).
۴. عبارت‌های ذیل را در کتابچه خود نقل کنید و بعداً علامت (✓) را در مقابل عبارت صحیح و علامت (X) را در مقابل عبارت غیر صحیح بگذارید:
  ۱. مسلمان، اوقات خود را غنیمت می‌شمارد، پس عمل خیر انجام میدهد.
  ۲. خداوند به انسان مشرک و یا گناه کار برای بار دوم فرصت میدهد و او را به دنیا باز می‌گرداند تا کار نیک انجام بدهد.
  ۳. برای مسلمان مناسب نیست تا عمل امروز را به فردا به تأخیر بیندازد.
  ۴. مسلمان کوشش می‌کند تا وقت خود را در کارهای جدی و مهم مصرف نماید، پس برای وی وقت اضافه برای تفریح مشروع وجود ندارد.
  ۵. مسلمان کوشش می‌کند تا وقت فارغ خود را در اموری سپری نماید که برایش منفعت داشته باشد.

## کارخانه گمی

کارهای خانگی و سرگرمی‌های روز مرهٔ تان را در تقسیم اوقات هفتگی با مشخص نمودن ساعات آن بنویسید. مثلاً.

| روز      | عبادات | مطالعه | ورزش | ملاقات | کارها | ارزیابی |
|----------|--------|--------|------|--------|-------|---------|
| شنبه     |        |        |      |        |       |         |
| یکشنبه   |        |        |      |        |       |         |
| دوشنبه   |        |        |      |        |       |         |
| سه شنبه  |        |        |      |        |       |         |
| چهارشنبه |        |        |      |        |       |         |
| پنجشنبه  |        |        |      |        |       |         |
| جمعه     |        |        |      |        |       |         |

## نگهداری زبان

### نگهداری زبان چیست؟

مقصد از نگهداری زبان آن است که انسان بغیر از خیر، سخن نزنند و از سخن زشت، غیبت، سخن چینی، فحش و مانند آن اجتناب ورزد.

### اهمیت نگهداری زبان

انسان، از هرآنچه که از زبانش بیرون می‌آید، مسؤول است، بطوری که خداوند آنرا بر او حساب می‌کند، الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [لق: ۱۸] ترجمه: «انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند، مگر این که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن است».

و رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿إِذَا أَصْبَحَ ابْنُ آدَمَ فَإِنَّ أَعْضَاءَهُ تُكْفِّرُ لِلْسَّانِ تَقُولُ اتَّقِ اللَّهَ فِينَا فَإِنَّكَ إِنْ اسْتَقَمْتَ اسْتَقَمْنَا وَأَنْ أَعْوَجَجْتَ أَعْوَجَجْنَا﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «زمانی که انسان روز خود را آغاز می‌نماید، تمام اعضای بدن او در برابر زبان او فروتنی نموده و می‌گویند: در حق ما از خدا بترس اگر تو درست رفتار کردی، ما نیز رفتار درست می‌داشته باشیم و اگر تو کج شدی، ما نیز کج می‌شویم».

و فرموده است: ﴿لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: (ایمان بنده مستقیم نمی‌شود تا اینکه قلبش مستقیم شود، و قلب او مستقیم نمی‌شود تا اینکه زبانش مستقیم شود).

حضرت عبدالله بن مسعود می‌فرماید: سوگند به آن ذاتی که هیچ معبود برحق غیر از او نیست؛ هیچ چیزی در روی زمین مانند زبان به نگهداشت ضرورت ندارد.

۱- ترمذی

۲- مسند احمد

## قواعد سخن گفتن

- کسی که بخواهد از بدی‌های زبان در امان باشد، باید امور ذیل را در نظر بگیرد:
۱. سخن نزنند مگر اینکه برای خودش و یا دیگران فایده ای داشته باشد، و یا از خود و از دیگران دفع ضرری نماید.
  ۲. برای سخن گفتن وقت مناسب را انتخاب کند، و چنانچه گفته شده است: "هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد".
  ۳. کلام خود را به اندازه که هدف و مقصود را برساند مختصر سازد، و کسی که سخنش سودی را جلب و یا ضرری را دفع نکرد، در سخن وی خیری نیست.
  ۴. در توصیف مبالغه و در بدگویی اسراف نکند؛ زیرا مبالغه در مدح نوعی از تملق و ریاء است، و اسراف در بدگویی نوعی از انتقام جویی. مؤمن در نزد خداوند عَلَّیهِ السَّلَام بهتر از آن است که به این گونه صفات متصف باشد؛ زیرا زیاده روی در مدح، سبب می‌گردد تا شخص از افترا و دروغ استفاده کند.
  ۵. اینکه مردم را به آنچه که رضایت خداوند نیست، راضی نکند، رسول الله صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فرموده است: **«مَنْ التَّمَسَّ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَّهُ اللَّهُ مُؤَنَةَ النَّاسِ وَمَنْ التَّمَسَّ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ»**<sup>(۱)</sup>.
  - ترجمه: «کسی که رضایت خداوند را در نافرمانی مردم جستجو می‌کند خدا او را کفایت می‌کند، و کسی که رضایت مردم را در نافرمانی خداوند جستجو می‌کند، خداوند او را به مردم وا گذار می‌کند».
  ۶. اینکه بطور مطلق وعده ای ندهد که بر ایفای آن قادر نباشد، و یا وعده ای ندهد که تطبیق کرده نمی‌تواند چنانچه خداوند میفرماید **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۳﴾»** [الصف: ۲-۳]
  - ترجمه: ای مؤمنان چرا می‌گوید آنچه نمی‌کنید؟! بزرگ است از روی خشم نزد الله عَلَّیهِ السَّلَام آنکه بگوئید چیزی را که نمی‌کنید.
  ۷. انسان زبان خود را دایم به ذکر الله مشغول سازد و از زبانش جز سخن خوب چیزی بیرون نشود. روایت شده است که نبی کریم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فرموده است: **«لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ**



ذَكَرَ اللَّهِ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ! وَإِنْ أَبْعَدَ النَّاسُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى الْقَلْبَ الْقَاسِيَّ<sup>(۱)</sup>.

**ترجمه:** «بغیر از ذکر خداوند سخن زیاد ننزید؛ زیرا سخن زیاد بغیر از یاد خدا، انسان را سنگ دل می‌سازد، و بدرستی که دور ترین مردم از خداوند، سنگدل ترین آنان است).  
۸. گوش دادن به سخن دیگران و خود داری از قطع کردن سخن آنها، جز در صورتی که در آن سخن منکر و بدی وجود داشته باشد.

۹. خود داری از پرسش در مورد چیزهایی که ضرر می‌رساند وفایده ندارد.  
۱۰. در اثنای سخن گفتن تمام مخاطبین را در نظر گرفتن، و اجتناب از این که صرف به یک سو و یا به تعدادی معین متوجه باشد.

۱۱. به آهستگی صحبت کردن و خود داری از سرعت در سخن گفتن.  
۱۲. با هر کسی یا گروهی طوری صحبت نماید که مناسب حال و سویی او باشد.  
۱۳. به غیبت گوش ندهد و با غیبت کننده‌گان شریک نشود، بلکه کسی که غیبت می‌کند، او را به صواب بیاورد و به یادش بیاورد که در غیبت قرار دارد.  
۱۴. از تکرار و گفتن هر چیزی که می‌شنود، خود داری ننماید؛ زیرا هر سخنی را که می‌شنویم، قابل آن نیست که آن را به دیگران نیز بیان داریم.  
۱۵. در جای گریه، خنده نکند و در جای خنده نگیرد و در وقت حزن و اندوه، خوشی نشان ندهد و در وقت خوشی، حزن و غم نشان ندهد.

### فضیلت حفظ زبان

از نبی کریم ﷺ سوال شد: کدام مسلمان افضل است؟ آن ﷺ فرمودند: «مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»<sup>(۲)</sup>.

**ترجمه:** (کسی که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند).  
عقبه بن عامر گفت: یا رسول الله، نجات چیست؟ آنحضرت ﷺ فرمود: (زبان خود را حفظ کن، و خویشتن را در امورخانه خود مصروف بدار، و برخطاهای خود گریه کن)<sup>(۳)</sup>.

۱- رواه الترمذی

۲- متفق علیه

۳- ترمذی

پیامبر ﷺ فرموده است: ﴿مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ﴾<sup>(۱)</sup>. ترجمه: «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد پس سخن خیر بگوید و یا خاموش باشد).

### فتنه‌ها و بیماری‌های زبان

مسلمان باید زبان خود را از چیزهای ذیل نگهدارد:

- ۱- از سخن گفتن در مورد چیزی که به او ارتباط ندارد.
- ۲- سخن گفتن در چیزهای که گناه باشد.
- ۳- بد سخنی و کلام زشت.
- ۴- لعنت گفتن.
- ۵- فحش گفتن و دشنام دادن.
- ۶- تمسخر و استهزا به دیگران.
- ۷- مردم را با لقب‌های زشت یاد کردن.
- ۸- افشای اسرار مردم.
- ۹- دروغ گفتن، هر چند مزاح باشد.
- ۱۰- غیبت و بهتان.
- ۱۱- سوگند خوردن بیجا و بی مورد.
- ۱۲- چیزی را به خود نسبت دادن که داده نشده و یا صفتی که از آن برخوردار نیست.
- ۱۳- تحقیر کردن مردم.
- ۱۴- قسم خوردن بیجا در خرید و فروش.
- ۱۵- کفران نعمت و خود ستایی.

کارخانه‌گی

پیرامون نگهداشتن زبان از بدیها با تمسک به آیات متبرکه و احادیث نبوی ﷺ یک مقاله بنویسید.

۱- متفق علیه

## کتمان اسرار

از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله نزد آمدند و من با اطفال بازی می‌کردم، بر ما سلام نمود و مرا برای کاری فرستادند و من دیرتر نزد مادرم رسیدم؛ چون آمدم مادرم گفت: چرا دیر کردی؟ گفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا برای کار خویش فرستادند. گفت: کار شان چه بود؟ گفتم: آن پنهان است. گفت: هیچکس را از راز رسول الله صلی الله علیه و آله باخبر مساز! <sup>(۱)</sup>.

### کتمان چیست؟

کتمان در لغت: از فعل کتم یکتم کتماناً گرفته شده که بر پوشانیدن و مخفی کردن دلالت می‌کند <sup>(۲)</sup>.

کتمان در اصطلاح: عبارت از حفظ اسرار و مخفی کردن امور خاصی است که لازم نیست مردم آنها را بدانند.

### انواع کتمان

کتمان بر دو نوع است: (۱) کتمان پسندیده. (۲) کتمان ناپسند.

کتمان پسندیده: جزئی از امانت و نوعی از وفا و نشانه ای وقار است.

### نمونه‌هایی از کتمان پسندیده

۱- کتمان سر: مسلمان اسرار را حفظ می‌کند چه این اسرار مخصوص به خودش باشد

۱- مسلم

۲- مقاییس اللغة (۱۵۹/۵).

ویا مربوط به شخص دیگر؛ که بر او اطمینان نموده است، زمانی که مسلمان اسرار را حفظ نمود وجدان او مطمئن و راحت می‌گردد و از هیچ چیزی خوف ندارد. و محافظت مسلمان بر کتمان رازها، دلیل بر امانت داری او می‌باشد، بطوری که سبب می‌گردد تا مردم به او اعتماد نموده و براو باور داشته باشند؛ اما زمانی که از جمله کسانی باشد که اسرار را فاش می‌کنند، مردم از وی متنفر شده بر او اعتماد نمی‌کنند. نبی کریم ﷺ فرموده است: ﴿إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ حَدِيثًا فَالْتَفَتَ فِيهِ أَمَانَةٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: (هرگاه شخص، مصروف سخن زدن باشد و به چهار سوی خود نگاه کند؛ سخن او امانت است، یعنی او نمی‌خواهد دیگران بر سخنش مطلع شوند.) و رسول الله ﷺ هرگاه قصد انجام غزوه ای را می‌نمودند، وقت و مکان جنگ را به هیچ کس نمی‌گفت تا اینکه لشکر مجهز گردیده و آماده جنگ می‌گردید.

**۲- کتمان نیازها:** هرگاه مسلمانی بخواهد عملی را به بهترین وجه انجام دهد، لازم است که آن را تا زمانی که اجرا میکند، مخفی داشته باشد، و به کسی که مواجه می‌شود نقل نکند. و نبی کریم ﷺ در انجام احتیاجات به کتمان سر توصیه فرموده است: ﴿اسْتَعِينُوا عَلَىٰ إِحْجَاجِ حَوَائِجِكُمْ بِالْكَتْمَانِ، فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودٌ﴾<sup>(۲)</sup>. ترجمه: «بخاطر برآورده ساختن احتیاجات خود از کتمان کمک بگیرید، زیرا هر صاحب نعمتی مورد حسد قرار می‌گیرد».

**۳- کتمان اسرار فامیل:** آنچه که در خانه واقع می‌شود، از جمله اسرار است که بر انسان واجب است آنرا مخفی داشته و برای دیگران افشا ننماید؛ و با مردم در مورد آنچه که در خانه اش می‌گذرد، قصه نکند، و همچنین بر او لازم است روابط زناشویی خود را کتمان کند، و آنچه را که در بین زن و شوهر واقع می‌شود، افشا نسازد.

۱- ترمذی

۲- طبرانی و بیهقی





نبی کریم ﷺ فرموده است: ﴿إِنَّ مِنْ أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلَ يُفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «بدترین منزلت را در نزد خداوند در روز قیامت شخصی دارد که با زنش پیش می‌شود و زنش با او پیش می‌شود بعداً سرِ همسر خود را فاش میکند».

۴- **کتمان اسرار ناموس مسلمانان:** مسلمان بر علیه ناموس دیگر مسلمانان سخنی نمی‌گوید که سبب اذیت و آزار شان شود، بلکه آبرو و نوامیس آنان را حفظ می‌کند، و چشمان خود را از محارم آنها می‌بندد، الله پاک کسی را که هتک ناموس مسلمانان را می‌کند، به عذاب درد ناک در دنیا و آخرت وعید داده فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النور ۱۹]

ترجمه: «بی‌گمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می‌داند (عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشاء را) و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان و پلیدی‌ها را)».

پیغمبر ﷺ می‌فرماید: ﴿... وَ مِنْ سِتْرٍ مُؤْمِنًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾. ترجمه: کسی که عیب مسلمان را بپوشاند، خداوند ﷻ در دنیا و آخرت عیوب وی را می‌پوشاند. و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يَا مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُؤْمِنْ قَلْبُهُ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنْ مِنْ تَتَّبِعِ الْمُسْلِمِينَ، فَضَحَّهُ اللَّهُ وَ لَوْ فِي عَقْرِ دَارِهِ﴾.

ای کسانی که بر زبان ایمان آورده و قلب‌های تان مؤمن نشده! رازهای پنهانی مسلمانان را جستجو نکنید. پس به دوستی کسی که عورات مسلمین را جستجو می‌کند خداوند ﷻ او را رسوا می‌سازد، گر چه در بین خانه خود باشد.

## کتمان ناپسند بر سه نوع است

همان گونه که کتمان، امر مطلوب و درست است؛ مواردی هم است که برای مسلمان جواز ندارد آنرا مخفی نماید بلکه بر او لازم است آنچه را که میداند بگوید و در غیر آن صورت مرتکب گناه می‌گردد و آن قرار ذیل است:

أ- **کتمان شهادت:** برای هیچ مسلمانی جواز ندارد کتمان شهادت کند، بلکه بر او لازم است شهادت را آن طوری که دیده است، ادا نماید. الله تعالی به عدم کتمان شهادت امر کرده و گفته است: ﴿وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ [البقرة ۲۸۳]

**ترجمه:** و گواهی را پنهان نکنید و هر کس آن را پنهان کرد قلبش گناهکار است، و خدا بدانچه انجام میدهد آگاه است.

ب- **کتمان علم:** برای مسلمان جواز ندارد که علم خود را مخفی کند؛ زیرا کتمان علم گناه بزرگ است و مجازات شدید در آخرت به همراه دارد و سبب لعنت خداوند بر کسی می‌گردد که علم خود را مخفی می‌کند. الله تعالی گفته است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ [البقرة ۱۵۹]

**ترجمه:** «بیگمان کسانی که پنهان میدارند آنچه را که از دلایل روشن و هدایت فرو فرستاده ایم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده ایم، خدا و نفرین کننده‌گان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جن)، ایشان را نفرین میکنند (و خواستار طرد آنان از رحمت خدا خواهند شد).

نبی کریم ﷺ فرموده است: ﴿مَنْ سِئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكَتَمَهُ، أَلْجَمَهُ اللَّهُ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾<sup>(۱)</sup>.

۱- ابوداود، ترمذی و ابن ماجه

ترجمه: «کسی که از علمی پرسیده شود و او علم خود را مخفی نماید، خداوند او را در روز قیامت لجامی را از آتش در دهن وی می گذارد؛ پس مسلمان باید شهادت حق و علم خود را کتمان نکند.

**ج- کتمان در خرید و فروش:** بر فروشنده مسلمان لازم است که عیب مال خود را بیان کند، و در معامله خود صادق باشد، تا خداوند در تجارت او برکت عطا کند، نبی کریم ﷺ می فرماید: **«الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا، فَإِنْ صَدَقَا وَبَيَّنَّا بُورِكَ لَهُمَا فِي بَيْعِهِمَا، وَإِنْ كَتَمَا وَكَذَبَا حُفَّتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا»<sup>(۱)</sup>.**

ترجمه: «هر دو معامله کننده (فروشنده و خریدار) اختیار دارند تا زمانی که از هم جدا نشوند، اگر راست گفتند و بیان نمودند در معامله شان برکت نهاده می شود. اگر پوشیدند و دروغ گفتند، برکت معامله شان از میان می رود».

## ارزیابی

۱- جملات ذیل را مطالعه نموده و در مقابل آن علامت صحت و یا غلط را در بین قوس بگذارید:

\* فیروز اسرار خانه خود را به دوستان خود، و اسرار دوستان خود را در خانه خود فاش می کند. ( )

\* فواد به کسی اجازه نمیدهد تا در مورد اسرار خانه اش از وی سوال نماید. ( )

\* زمانی که مردی بدون اجازه وارد مجلس ما گردید، همه ما خاموش شدیم. ( )

\* زمانی که برادرم از اسرار دوستان خود برایم میگوید، من به سخنانش گوش نمیدهم. ( )

۲- کتمان را در لغت و اصطلاح بیان کنید.

۳- برای کتمان پسندیده دو مثال ذکر نمایید.

۴- چه وقت می‌توان کتمانی را ناپسند و نادرست توصیف نمود؟

کارخانه گی

یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد و در آن در مورد فوائد کتمان و اضرار آن سخن بگویید.

## تائی

یکی از صفات ارزشمند انسان مؤمن تائی (صبر) میباشد، خداوند متعال در موارد زیادی انسان های صابر و با حوصله را تمجید و ستایش نموده است. خداوند متعال میفرماید:

﴿أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا﴾ [الفرقان: ۷۵]

ترجمه: «آنها (عبادالرحمن) هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیبایی و صبر شان به آنها پاداش داده میشود و در آن با تحیت و سلام رو به رو میشوند». از خلال این درس خواهیم شناخت که تائی چیست و دلیل مشروعیت آن کدام است و چه فضیلت دارد؟ آیا در عجله خیراست و یا پشیمانی؟ و چگونه خود را به اخلاق و صفت تائی مزین سازیم؟ و چه وقت در کارهای خود حوصله نشان دهیم و چه وقت عجله نماییم؟

### تائی چیست؟

تائی در لغت: مصدر تائی یتائی، به معنای حوصله و دقت نظر است که براساس لغت به چند معنی می آید و در این درس به معنای آهسته گی، حوصله مندی و آنچه شباهت به آن دارد؛ مثل حلم و غیره. تائی در اصطلاح: عدم عجله در طلب چیزی، و حوصله نمودن در به دست آوردن آنست.

### دلایل مشروعیت تائی

- خداوند تعالی فرموده است: ﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّهُمْ عِدًّا﴾ [مریم: ۸۴]

ترجمه: (ای پیغمبر! از کفر ایشان دلتنگ مباش، و در نزول عذاب ) بر آنان شتاب مکن. ما تمام اعمال ایشان را دقیقاً محاسبه می کنیم ( و جزای کارهایشان را خواهیم داد). و در جای دیگری فرموده است: ﴿وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۴]

ترجمه: «ای پیغمبر! در [خواندن] قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن و بگو پروردگارا بر دانشم بیفزای.»

- از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «التَّائِي مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَمَا أَحَدٌ أَكْثَرَ مَعَاذِيرَ مِنَ اللَّهِ، وَمَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْحَمْدِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: (تأنی) حوصله مندی) از جانب خداوند است و عجله از جانب شیطان، هیچ کسی به اندازه خداوند عذر پذیر نیست، و هیچ چیزی به نزد خداوند از ستایش محبوبتر نیست).

- بر مسلمان لازم است تا در اجابت دعا عجله نکند، نبی کریم صلی الله علیه و آله فرموده است: «يُسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ رَبِّي فَلَمْ يَسْتَجِبْ لِي»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: (دعای هر یکی از شما قبول می شود، مادامی که عجله نکند و بگوید پروردگار خود را دعا کردم ولی قبول نکرد).

### فایده تأنی

- هرگاه تأنی - حوصله نمودن - بمعنای تثبیت و تمهل وعدم عجله باشد، پس انسان مسلمان بر تأنی و تعمق در تمام کارهایش حریص می باشد، و او در کار خود اهمال نمی ورزد، بلکه در آن با دقت و اخلاص فکرمی کند، حضرت علی رضی الله عنه گفته است: سرعت در کار را طلب نکنید، بلکه خوب و بهتر بودن آن را طلب کنید، زیرا مردم از این نمی پرسند که کار در چه مدتی تمام شده است بلکه به خوبی و کیفیت آن نظر می کنند. بعضی حکماء گفته اند: هرآنکه در اعطای جواب عجله کند، از صواب محروم میشود. دیگری گفته است: کسیکه در کاری تأنی و فکر کرد، آنرا در می یابد.

### فضیلت تأنی

حضرت عبد الله ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که: رسول الله صلی الله علیه و آله به اشج بن عبد القیس گفتند: «در تو دو صفت وجود دارد که خدا آن را دوست می دارد: بردباری و تأنی»<sup>(۳)</sup>.

۱- الترغیب والترهیب (۴/۱۸۳)

۲- بخاری و مسلم (متفق علیه)

۳- بخاری و مسلم

## عجله

عجله ضد تأنی است، در ضرب المثل عربی آمده است: کسی که مرکب خود را بدواند و او را بزند تا سریع حرکت کند، این شخص با عجله ای که دارد، به مراد خویش نمی‌رسد و نه هم مرکب او راحت می‌باشد، بلکه مرکب او هلاک می‌گردد.

## عجله در کارهای خیر

هرگاه مسلمان اراده کار خیر نماید، باید در انجام آن تاخیر نکند، مثلاً هرگاه اراده بدارد که صدقه و خیرات را بدهد، پس براوست که در ادای آن شتاب ورزد. همچنان زمانی که نیت انجام طاعت مشخصی را دارد، پس باید به اجرای آن مبادرت ورزد. نبی کریم ﷺ فرموده است: «التَّوَدُّ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «در هر عملی تأنی خوب است مگر در اعمالی که برای آخرت انجام می‌گیرد». چنانچه نبی اکرم ﷺ ما را به عجله کردن در افطار روزه، امر کرده است: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجِلُوا الْفِطْرَ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: «همیشه مردم به خیر اند، تا وقتی که در افطار شتاب نمایند». الله تعالی می‌فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» [آل عمران: ۱۳۳]

ترجمه: و (با انجام اعمال شایسته و بایسته) به سوی آمرزش پروردگارتان، و بهشتی بشتابید؛ که عرض آن، مانند عرض آسمانها و زمین است؛ (و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیّه شده است». از این آیات واحادیث واضح و روشن می‌گردد که در انجام کار خیر باید تأخیر نشود.

## عواقب ناگوار عجله و عدم تأنی

۱- در روایات آمده است که پیامبر ﷺ عقبه بن ولید را به نزد قوم بنی مصطلق فرستاد تا زکات مال شان را جمع کرده، به مدینه برد. زمانی که عقبه به بنی مصطلق نزدیک شد و دید که مردم بنی مصطلق سوار و پیاده و مسلح از پیش روی به طرف او در حرکت اند و گمان کرد که آنها به جنگ او می‌آیند؛ زیرا که در دوران جاهلیت در میان او و آن قوم اختلافاتی موجود بود، با عجله و هراسان بدون تحقیق در حقیقت امر به مدینه

۱- ابوداود

۲- متفق علیه

بازگشت و به پیامبر اکرم ﷺ خبر داد که بنی مصطلق از اسلام برگشته اند و قصد کشتن مرا را داشتند، پیامبر اکرم ﷺ سربه ای را فرستاد تا آنها را تأدیب کند و در ضمن از آنها خواست که در این مورد تحقیق نماید. آنها بعد از تحقیق در یافتند خبری را که عقبه به پیامبر ﷺ رسانده از حقیقت عاری می باشد. بناء بدون آنکه با آنها جنگی داشته باشند، به مدینه باز گشتند و حقیقت را به آنحضرت بازگو نمودند.

۲- در روایت دیگری آمده است که پیامبر ﷺ سربه ای را فرستاد تا دشمن را سرکوب نماید و وقتی سربه به آن منطقه رسید و در میان لشکر اسلام و مشرکین جنگ در گرفت، لشکر مشرکین شکست خورد و یکی از آنها از صحنه فرار نمود. اسامه بن زید و یک نفر انصاری او را تعقیب کردند و چون نزدیک شد که او را دستگیر کنند، مرد کلمه توحید را به زبان آورد، اسامه بن زید گمان کرد که او از ترس جان کلمه گفته و با ضرب نیزه او را به زانو در آورد و چون سربه به مدینه بازگشت و داستان را به پیامبر ﷺ باز گو نمودند، آن حضرت اسامه را به خاطر اشتباه و عجله ای که کرده بود سرزنش نمود و اسامه هم از کرده اش سخت پشیمان گردید.

### فواید تأنی قرار ذیل است

۱. تأنی وعدم عجله منجر به قبول دعا می گردد.
۲. تأنی وحلم از خصلتهایی است که خدا ورسولش آنرا دوست دارند.
۳. تأنی باعث عدم وقوع شخص عاقل در خطا و لغزش می شود.
۴. تأنی نوعی از وقار پسندیده است.
۵. کاری که خیر بودن وشر بودنش دقیقاً معلوم نباشد، باید در آن تأنی کرد.
۶. در کاری که خیر بودنش ثابت است، باید در آن تأخیر نشود.

### ارزیابی

۱. تأنی را در لغت و اصطلاح تعریف نمایید؟
۲. مشروعیت تأنی را از قرآن کریم وسنت نبوی ثابت کنید.
۳. اهمیت تأنی در زنده گی مسلمان چیست؟
۴. فایده وضرر عجله چیست؟

کارخانه گی

با استفاده از حدیث شریف (العجلة من الشیطان) عجله کردن در کارها از شیطان است، پنج سطر در مورد (ضررهای عجله) بنویسید.



## تعاون و همکاری

### ضرورت تعاون در جامعه

آیا بقای یک جامعه بدون تعاون و تکافل افراد آن، امکان پذیر است؟ و آیا انسانی به تنهایی زنده گی کرده می تواند؟ یقیناً هیچ جامعه ای بدون تعاون و همکاری برپا نمی شود، و انسان به تنهایی تمام نیازمندی ها و منافع خویش را تکمیل کرده نمی تواند. زیرا استمرار زنده گی اش مرهون روابط با دیگران می باشد.

تعاون در همه کارهای خیر خصوصاً با نیازمندان یک وجیبه اسلامی، و خصلتی از خصلتهای نیک اسلامی می باشد، چنانچه پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسِّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ...»<sup>(۱)</sup>.

**ترجمه:** «کسی که مصیبتی از مصیبت های دنیوی مؤمنی را مرفوع سازد، خداوند مصیبتی از مصیبت های روز قیامت او را مرفوع می کند، و کسی که با تنگدستی سهلگیری کند، خداوند در دنیا و آخرت با او سهلگیری می کند. کسی که عیب مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت عیب او را می پوشاند. خداوند در صدد کمک بنده است، تا لحظه ای که بنده در صدد کمک به برادر مسلمانش باشد».

هدف درس حاضر اینست که معنی و مفهوم تعاون روشن شود و برای مسلمانان روش های تعاون و همکاری معلوم گردد.

### تعریف تعاون

**تعاون در لغت:** به معنای مساعدت به کار رفته است.<sup>(۲)</sup>

**و در اصطلاح:** اینکه شخص مسلمان برادر خود را در کارهای نیک و پسندیده، و اجتناب از معاصی یاری رساند.

۱- صحیح مسلم - (۸ / ۷)

۲- لسان العرب لابن منظور (۳۷۹/۵ - ۳۸۰)، و انظر الصحاح للجوهري (۲۱۶۷-۲۱۶۹)

## دلایل تعاون

### ۱- دلیل تعاون از قرآن کریم:

خداوند به انجام تعاون امر نموده میفرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾ [المائدة: ۲]

ترجمه: «با یکدیگر مدد کنید بر نیکو کاری و پرهیزگاری، و با یک دیگر مدد نکنید بر گناه و ستم و بترسید از خداوند...».

### ۲- دلیل تعاون از سنت نبوی

• در حدیث شریف روایت است که رسول ﷺ فرمودند: ﴿أَنْصُرْ أَخَاكَ ظَلِمًا أَوْ مَظْلُومًا﴾ فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ ظَلِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: ﴿تَحْجُزُهُ أَوْ تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «برادرت را یاری کن، خواه ظالم باشد یا مظلوم! مردی گفت: یا رسول الله ﷺ چون مظلوم باشد یاری اش می‌دهم، هرگاه ظالم باشد، چطور او را یاری کنم؟ فرمود: اینکه او را از ظلم باز داری، همین یاری دادن اوست.».

### اهمیت تعاون و رابطه آن با همبستگی

تعاون در میان افراد جامعه یک ضرورت اجتماعی بوده که قرآن کریم به آن دستور میدهد؛ مشروط بر اینکه این تعاون تا سرحد کارهای نیک و خیر و عام المنفعه باشد، و به کارهای نامشروع مانند تجاوز بر حریم دیگران و ظلم و هتک حرمت ایشان نینجامد. در میان تعاون و همبستگی در اسلام نزدیکی وجود دارد، به اینگونه که تعاون مقتضی بذل کوشش و جهد از جانبین می‌باشد، البته همبستگی یک درجه بلندتر از تعاون می‌باشد، اینکه کمک از شخص قوی به شخص ضعیف همراه با احساسات محبت و شفقت صورت می‌گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ تعاون و همبستگی میان مسلمانان را به یک بناء شامخ تشبیه نموده میفرماید: ﴿الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ﴾<sup>(۲)</sup>.

۱- بخاری

۲- بخاری

**ترجمه:** «مؤمن با برادر مؤمن خود مانند یک بنای بلند است که بعضی از اجزای آن بعضی اجزای دیگر را استوار و محکم میکند و انگشتان خود را بهم بست»  
 یک خشت به تنهایی خود هر قدر که محکم و قوی باشد، باز هم ضعیف شمرده می‌شود و هزاران خشت پراکنده بنای را تشکیل نمی‌دهد، ولی بنای قوی و محکم و استوار از مجموع خشتهای متماسک و درهم پیچیده در صفهای منظم بوجود می‌آید. عین همین مثال بر جامعه اسلامی صدق می‌کند.

همچنان پیامبر ﷺ در مورد تراحم و تکامل و تعاطف در بین افراد جامعه می‌فرماید:  
 ﴿مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى﴾<sup>(۱)</sup>.

**ترجمه:** «حالت مسلمانها در محبت و رحمت و مهربانی شان به همدیگر مانند یک جسد است، که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضای جسد در تب و بیدار خوابی با آن همراهی می‌کنند».

### فضیلت تعاون

اسلام بر تعاون ترغیب نموده است، چون تعاون باعث نشر کارهای نیک، و رفع نیازمندیها، و پیروزی بر مشکلات و ایجاد الفت و محبت در بین افراد جامعه می‌گردد، پیامبر ﷺ درین مورد می‌فرماید: ﴿يَدْ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ، مَنْ شَدَّ شُدَّ فِي النَّارِ﴾<sup>(۲)</sup>.

**ترجمه:** «دست رحمت خداوند بالای جماعت است و اگر کسی تنها شده، جماعت مسلمانها را رها کند در دوزخ تنها میشود». و تعاون از جمله نیازهای زنده‌گی می‌باشد؛ چون یک فرد به تنهایی نمی‌تواند تمام مشکلات زنده‌گی را متحمل شود. پیامبر ﷺ فرموده است: ﴿مَنْ كَانَ مَعَهُ فَضْلٌ ظَهَرَ فَلْيُعِدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا ظَهَرَ لَهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ زَادَ فَلْيُعِدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا زَادَ لَهُ﴾<sup>(۳)</sup>.

**ترجمه:** «اگر کسی سواری زائد داشته باشد، پس باید برای آنکه سواری ندارد، بدهد، و اگر کسی توشه زائد داشته باشد، پس باید برای آنکه توشه ندارد، بدهد».

۱- مسلم

۲- سنن الترمذی

۳- مسلم و ابوداود

پیامبر ﷺ در جای دیگری فرموده است: «وَعَوْنُكَ الضَّعِيفُ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ صَدَقَةٌ»<sup>(۱)</sup>. ترجمه: «تعاون شما با شخص ضعیف صدقه محسوب میشود».



## فعالیت

شاگردان عزیز! حکایات ذیل را بخوانید و سپس دلالت هر کدام را به موضوع تعاون بطور فشرده بیان بدارید:

۱. روزی پیرمرد حکیمی، فرزندان خود را جمع نموده و برای ایشان دسته ای از شاخچه‌ها را داد و از هر کدام آنها خواست که آنها را بشکنانند، و لی همه عاجز آمدند، سپس آن مرد حکیم دسته شاخچه‌ها را از هم جدا ساخته و برای هر یک از آنها یک شاخچه داد که آن را بشکنند و همه ایشان در این کار موفق شدند!
۲. خداوند ﷻ حضرت ابراهیم ﷺ را دستور داد که کعبه شریفه را آباد سازد و او از فرزند خود اسماعیل ﷺ خواست تا او را در این کار یاری کند و هر دو با هم این بنا را به بهترین وجه به پایۀ اکمال رساندند.
۳. خداوند تبارک و تعالی حضرت موسی ﷺ را دستور داد که فرعون را به توحید و یکتا پرستی دعوت کند و او از خداوند خواست که برادرش حضرت هارون را نیز بعنوان معاون- وزیر- بفرستد و هر دو با کمک یکدیگر توانستند بر فرعون و نیروهایش غالب آیند.

## ارزیابی

- ۱- تعاون را در لغت واصطلاح تعریف کنید.
- ۲- برای مشروعیت تعاون از قرآن کریم یک دلیل ذکر نمایید.
- ۳- چگونه تعاون از سنت نبوی شریف ثابت می‌گردد؟
- ۴- تعاون و همکاری در میان مسلمانان چه اهمیت دارد؟
- ۵- چه رابطه معنوی میان تعاون و همبستگی موجود است؟
- ۶- تعاون برای یک مسلمان چه فوایدی را ببار می‌آورد و کدام فضایل در آن نهفته است؟



## کارخانه‌گی

در بارۀ اهمیت تعاون مقاله ای بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.



## حکمت

حکمت، جایگاه بلند و بزرگی در دین اسلام دارد و هرگاه گفتار و کردار، متصف به حکمت شود از قدر و منزلت خاصی برخوردار می‌شود و هر اندازه از حکمت بعید گردد مذموم و متصف به حماقت و خشونت می‌شود. درین درس سعی می‌شود تا مضمون و ابعاد و فوائد حکمت در کارها را مورد بررسی و مطالعه قرار بدهیم.

### تعریف حکمت

حکمت، تعقل و فهم دین و یا اتقان در علم و عمل است و در این جا مراد از حکمت گسترده تر بوده، تمام امور را در برمی گیرد و به مفهوم نهادن هر چیزی در جای مناسب آن می‌باشد، مانند غضب در محل غضب و خورسندی در محل خورسندی و فهم عمیق در استعمال روشهای مختلف در موارد مختلف.

### حکمت در روشنی قرآن کریم

حکمت، مختص به نبوت نبوده بلکه برای پیروان پیامبران بهره و نصیب بزرگی از حکمت بخاطر پیروی آنها وجود دارد؛ چنانچه خداوند عَلَّامٌ می‌فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» [البقرة ۲۶۹] ترجمه: «حکمت را به هرکس که بخواهد (و شایسته بیند) (پیغمبر باشد و یا نباشد) می‌دهد، و به هرکس که حکمت داده شود، بیگمان خیر فراوانی به او داده شده است، و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند و) متذکر نمی‌گردند». و در باره لقمان که پیامبر هم نیست می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» [لقمان ۱۲].

ترجمه: «ما به لقمان فرزانی بخشیدیم (و بدو دستور دادیم) که خدا را سپاسگزاری کن و (بدان که) هر کس سپاسگزاری کند، به سود خویش سپاسگزاری می‌کند، و هر کس ناسپاسی کند (به خود زیان می‌رساند نه به خدا) چرا که خدا بی‌نیاز و ستوده است». و در وصف داود عَلَيْهِ السَّلَام، که پیامبر است می‌فرماید: ﴿وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ﴾ [البقرة: ۲۵۱]

ترجمه: «خداوند حکومت و حکمت را برای داود بخشید».

### باز تاب حکمت در احادیث نبوی

از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که: آنحضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا در آغوش خویش گرفته دعا نمود: «ای بار خدایا! به او حکمت تعلیم بده»<sup>(۱)</sup>. و در حدیث دیگر آمده است که آنحضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «حسد و غبطه خوردن جز در دو چیز جواز ندارد، یکی مردی که خداوند به او مالی داده و او را در مصرف نمودن آن در راه حق قدرت داده است، و مردی که خداوند به او علمی داده و او بدان حکم نموده و آن را تعلیم می‌دهد»<sup>(۲)</sup>.

از حضرت ابی بن کعب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: در برخی از اشعار حکمت نهفته است<sup>(۳)</sup>. یعنی آن اشعار که قول صادق و مطابق باحق باشد.

### موانع حکمت

۱- هوا و هوس و خواهشات نفسانی از بزرگترین موانع حکمت است چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ [ص: ۲۶]  
ترجمه: و پیروی مکن خواهش نفس را که آن ترا از راه خدا گمراه میکند، و در آیت دیگر آمده است: ﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ﴾ [المؤمنون: ۷۱]

ترجمه: «اگر حق و حقیقت از خواستها و هوسهای ایشان پیروی می‌کرد (و جهان

۱- بخاری

۲- بخاری

۳- بخاری

هستی بر طبق تمایلاتشان به گردش می‌افتاد) آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها بسر می‌برند تباه می‌گردیدند (و نظم و نظام کاینات از هم می‌پاشید).

۲- فهم نا درست از دلایل شرعی و یا استدلال بیجا و بی مورد بر آن، و یا عدم جمع بین آنها.

۳- قلت تجربه و تخصص.

۴- خود ستایی و مشخص نبودن اهداف و سطحی نگری و عجله در کارها.

۵- خلط در مفاهیم و تقدیم جزئیات دینی بر کلیات و بی خبری از دسایس و مکر دشمنان، و درست درک نکردن اصل مصالح و مفاسد.

### چگونگی رسیدن به حکمت؟

دوری از رذائل اخلاقی باعث می‌شود که ما بتوانیم اخلاق نیکو و حکمت را در خود زنده گردانیم و هر که طالب حکمت است، باید بداند که حکمت فضل و مهربانی از جانب پروردگار می‌باشد که رسیدن به آن فقط از طریق اطاعت و پیروی باری تعالی میسر است و بس.

### بزرگترین اسباب حکمت عبارت اند از:

اخلاص، تقوی و پرهیزگاری، طلب علم شرعی از مصادر اصلیش، مشوره، استخاره، دور اندیشی، اهداف عالی و با ارزش، دانستن سنت‌های تکوینی و شرعی، عدالت، تثبیت و کوشش، دعاء و صبر، رفق و نرمی و امثال آن. گاهی این صفات در یک شخص جمع میشوند، و گاهی در مجموعه‌ای از انسانها، و لذا کثرت و قلت حکمت امر نسبی است. کاملترین انسانها پیامبران و از ایشان کاملتر پیامبران اولوا العزم و از ایشان کاملتر، حضرت محمد مصطفی ﷺ می‌باشد؛ لهذا خداوند بر او و امت اش منت گذاشته که حکمت را برایش اعطا نموده است، چنانچه خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ [النساء: ۱۱۳]

ترجمه: «و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و حکمت را».

## ارزیابی

- ۱- حکمت را تعریف نمایید.
- ۲- اقسام حکمت را بیان کنید.
- ۳- مراحل حکمت را روشن سازید.
- ۴- برخی از نصوص قرآنی را در مورد حکمت ذکر کنید.
- ۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حکمت چه فرموده است؟
- ۶- چه چیزهایی مانع حکمت می شود؟
- ۷- برای به دست آوردن حکمت چه کارهایی لازم و ضروری است؟
- ۸- حکمت در زنده گی انسان چه اهمیت و تأثیر دارد؟

کارخانه گی

در مورد حکمت مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.



## شکر

### شکر چیست؟

شکر در لغت: مصدر شکر یشکر است که دلالت دارد، بر ستودن و سپاسگزاری در برابر کار نیکی که برای وی انجام یافته است.

در اصطلاح: شکر عبارت است از دادن مکافات در عوض احسان، و به نیکویی یاد کردن آن کسی که خیر و احسان را تقدیم می کند.

### دلایل مشروعیت شکر

الله تعالی فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۲]

ترجمه: «ای مؤمنان، از آنچه شما را روزی دادیم، پاکیزه ها را بخورید و اگر تنها خداوند را می پرستید، پس او را شکر کنید).

و او تعالی فرموده است: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ [ابراهيم: ۷]

ترجمه: «اگر شکر کنید، زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید، هراینه عذاب من سخت است».

رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا أَوْ يَشْرَبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «بدرستی که خداوند از بنده خود راضی می شود که طعام را بخورد و خداوند را ستایش کند، و یا شربت را بیاشامد و خداوند را به خاطر آن ستایش کند».

و آن حضرت ﷺ فرموده است: ﴿عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: «به کارمؤمن جای تعجب است؛ زیرا که تمام کارش خیراست؛ و این جز برای شخص مؤمن برای کس دیگری نیست؛ اگر به او خوشی برسد، شکر می کند این برایش خیراست، و اگر به او ضرر برسد، صبر می کند و این برایش خیر است).

۱- مسلم

۲- مسلم

## شکر انبیاء علیهم السلام

شکر یک خصلت نیک و حتمی برای انبیاء - علیهم السلام - بوده است، خداوند تعالی در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [النحل: ۱۲۰ - ۱۲۱]  
ترجمه: «هر آئینه ابراهیم علیه السلام (که شما مشرکان و شما یهودیان بدو می نازید) عبادت کننده بود (جامع همه فضائل اخلاقی) و مطیع فرمان الهی و حقگرای بیزار از باطل و کناره گیر از بدیها و او از زمره مشرکان (چون شما) نبوده است. او سپاسگزار نعمتهای خدا بود، (و به خاطر این خصال حمیده، خدا برای حمل رسالت) او را برگزید و به راه راست رهنمودش گردانید».

و خداوند - عزوجل - حضرت نوح علیه السلام را به شاکر بودن توصیف نموده است، چنانچه فرموده است: ﴿فَرِيقٌ مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ [الأسرى: ۳]  
ترجمه: «[بودند] فرزندان کسانی که [آنان را در کشتی] با نوح برداشتیم راستی که او بنده ای سپاسگزار بود» و در مورد سلیمان علیه السلام فرموده است: ﴿قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾ [النمل: ۴۰]  
ترجمه: «گفت این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می کنم و هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می گزارد و هر کس ناسپاسی کند، بی گمان پروردگارم بی نیاز و کریم است».  
و رسول الله صلی الله علیه و آله برای پروردگار خود بسیار شاکر بود، و به مأموخته است تا بعد از هر نماز بگوئیم: ﴿اللَّهُمَّ اَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ﴾<sup>(۱)</sup>.  
ترجمه: «ای بارخدایا مرا بر ذکر و شکر و بهترین عبادت خودت یاری برسان».

## انواع شکر

شکر و سپاسگزاری را می توان به انواع ذیل تقسیم نمود:

### ۱. شکر خداوند تبارک و تعالی

مسلمان پروردگار خود را بر نعمتهای زیادی که برایش داده است شکر می گوید، و کفران و ناسپاسی در مقابل نعمتهای خداوندی شائسته مسلمان نیست. الله تعالی گفته است: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾ [البقرة: ۱۵۲]  
ترجمه: (پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و سپاس گوئید مرا و ناسپاسی من

۱- ابوداود و نسائی

مکنید).

نعمتهای الله تعالی قابل شمارش نیست، چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ [إبراهیم: ۳۴]

ترجمه: «و اگر بخواهید نعمتهای خدا را بر شمارید، (بخاطر کثرت شان) نمی‌توانید آنها را شمارش کنید».

و درجای دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الأنفال: ۲۶]  
ترجمه: «و با معونت و یاری خود شما را (در جنگ بدر) نیرو بخشید و رزق (غنایم) پاکیزه را بهره شما کرد تا این که سپاسگزاری کنید».

رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿التَّحَدُّثُ بِنِعْمَةِ اللَّهِ شُكْرٌ، وَتَرْكُهَا كُفْرٌ، مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ، لَا يَشْكُرُ اللَّهَ، وَمَنْ لَا يَشْكُرُ الْقَلِيلَ، لَا يَشْكُرُ الْكَثِيرَ﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «سخن گفتن از نعمت خداوند شکر است، و ترک آن کفر، و کسی که اندک را شکر نکند، زیاد را شکر نمی‌کند، و کسی که مردم را شکر نکند، شکر خدا را نیز نمی‌کند».

و در حدیث دیگری آمده که رسول اکرم ﷺ فرموده: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: یقیناً خداوند دوست دارد که ببیند اثر نعمت خود را بالای بنده اش.

## ۲. شکر والدین

خداوند پاک به شکر گزاری از پدر و مادر و نیکی کردن به آنها امر کرده است، و می‌فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلَوْلَا دَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ﴾ [لقمان: ۱۴]

ترجمه: «و انسان را به (اطاعت) پدر و مادرش وصیت (سفارش) کردیم. مادرش او را برداشت در حال سست شدن بعد سست شدن و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است».

پس مسلمان پدر و مادر خود را با اطاعت از اوامر ایشان و نیکی کردن به آنها و حریص بودن بر رضایت و عدم برانگیختن خشم شان سپاسگزاری می‌کند.

۱- بیهقی

۲- ابوداود و ترمذی

### ۳. شکر مردم

مؤمن، نیکی را تحسین می‌کند و حقوق مردم را می‌شناسد، در برابر آنچه که برایش کار خیر انجام می‌دهند سپاس‌گزاری می‌نماید. رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿إِنَّ أَشْكَرَ النَّاسِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَشْكُرُهُمْ لِلنَّاسِ﴾<sup>(۱)</sup>. ترجمه: «بدرستی که شکرگزارترین مردم برای خداوند شکر گزارترین آنها برای مردم است».

#### الفاظ و کلمات ادای شکر:

نبی کریم ﷺ تأکید کرده است تا برای کسی که برای ما کار نیک را انجام می‌دهد کلمه شکر را ادا نماییم؛ و برایش بگوییم: (جزاک الله خيراً) (خداوند برای تو مزد نیکو بدهد). رسول الله ﷺ فرموده است: ﴿مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَقَالَ لِفَاعِلِهِ: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا، فَقَدْ أَبْلَغَ فِي الثَّنَاءِ﴾<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: (کسی که برایش کار خیر انجام داده شد، برای انجام دهنده آن کار گفت: جزاک الله خيراً) (خداوند ترا مزد نیکو بدهد) سپاسگزاری اش کامل شده است).

### ارزیابی

۱. شکر را در لغت و اصطلاح تعریف نمایید.
۲. دلیل مشروعیت شکر را از قرآن کریم و سنت نبوی بیان کنید.
۳. انواع شکر چیست؟
۴. چگونه شکر را اداء نماییم؟
۵. نمونه‌هایی شکرگزاری انبیاء علیهم السلام را بیان کنید.

کارخانه‌ی

در مورد اثرات اجتماعی و روانی شکر و سپاسگزاری یک مقاله بنویسید.

۱- مسند احمد

۲- ترمذی و نسائی

## قناعت

شخص تندرست با خانواده خود در منزل یکی از دوستانش و با نفقه مردمان خیرخواه امرار حیات می کند و از زنده گی خود راضی و خوشحال بنظر می رسد، اما وی نمیتواند مکلفیتهای تعلیمی و اساسی فرزندانش را انجام دهد. آیا این شخص یک انسان قانع است؟

اگر نیست، پس قناعت چیست و نقش آن در حیات فردی و اجتماعی انسانها چگونه است؟

### مفهوم قناعت

قناعت یعنی راضی بودن و خرسند بودن آدمی به آنچه در دست دارد، ودوری گزیدن از حرص و آزمندی برای به دست آوردن سرمایه وامکانات دنیوی.

بسیاری از مردم برای رفع نیازهای مادی یا رسیدن به خواسته های دنیوی شان دچار پریشانی می شوند و آرامش خود را ازدست می دهند. آنان به علت نگرانی از آینده یا نا رضایتی از حال، به تلاشهای گوناگونی دست می زنند و گاهی به همین جهت از چارچوبهای اخلاقی و اصول شرعی تخطی می کنند.

اسلام به پیروانش توصیه کرده که سرمایه را از راه های مشروع و قانونی به دست آورند، و هرگاه در این راه به مشکلات روبرو شدند و نتوانستند به همه آنچه می خواهند دست یابند، نباید به راه های ناروا روی آورند و مرتکب امور غیر مجاز شوند، بلکه بهتراست به آنچه دارند، قناعت کنند.

خداوند کسانی را که دست گذاری بسوی دیگران دراز نکرده، عفت و قناعت پیشه می گیرند، بدین گونه توصیف کرده است: ﴿يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا﴾ [سوره بقره: ۲۷۳]

ترجمه: (از شدت خویشتن داری) افراد نا آگاه آنها را بی نیاز می پندارند؛ اما آنها را از چهره هایشان می شناسی؛ و هرگز با اصرار از مردم چیزی نمی خواهند. پیامبر ﷺ در حق قناعت پیشگان فرموده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ وَرَزَقَ كَفَافًا وَقَنِعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: به حقیقت که رستگار شد کسی که به اسلام مشرف شده و روزی به حد کفایت وی داده شده و خداوند او را به آنچه داده قانع گردانیده است.

### قناعت حالت روانی است

قناعت یک حالت نفسی و روانی است که سبب می شود انسان از دیگران احساس بی نیازی و استغنا کند و خود را محتاج دیگران نینگارد. این احساس بستگی چندانی به مال و امکانات ندارد، چرا که ممکن است کسی بسیار سرمایه دار باشد؛ ولی به چنین احساس آرامش بخشی نرسیده باشد، و برعکس آن کسی با دارایی اندک انسانی مستغنی باشد. به همین جهت پیامبر اسلام ﷺ فرموده: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: دارایی به فراوانی کالای (چیزهای) مادی نیست، بلکه دارایی حقیقی، استغنای باطنی است.

### راه حصول قناعت:

یکی از راه هایی که انسان را به قناعت می رساند، در نظر آوردن کسانی است که وضعیت مادی شان پایین تر است، زیرا هر کس می تواند کسانی را بیابد که نسبت به او از امکانات کمتری برخوردار باشند. پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «انْظُرُوا إِلَى مَنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ فَهُوَ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزِدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ»<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: به کسی بنگرید که از شما پایین تر است، نه به کسی که (در امور مادی) از شما بالاتر است، زیرا این امر در حق شما مناسب تر است که به نعمت خداوند به چشم

۱- رواه مسلم

۲- رواه البخاری

۳- متفق علیه



سبک نبینید.

این امر بهترین راه تقویت قناعت برای انسان است که پیامبر اسلام ﷺ به مسلمانان رهنمایی کرده است. علاوه بر این می‌توان با پرهیز از اسراف و زیاده‌خرجی، وبا صرفه‌جویی در مصارف زندگی و اعتدال در امور معیشتی آسان تر به قناعت دست پیدا کرد. یکی دیگر از راه‌هایی که انسان را در رسیدن به قناعت یاری می‌کند، دوری از پریشانی و اضطراب به خاطر آینده است. زیرا کسی که می‌داند روزیش طبق آنچه مقدر گردیده به اومی رسد، جایی برای نگرانی نخواهد داشت. همچنین به یاد داشتن این حقیقت که قناعت سبب سربلندی، استغنا و عزت انسان در نزد دیگران می‌گردد، از عواملی است که او را در متصف شدن به این صفت شایسته کمک می‌کند.

### آثار و نتایج قناعت

از مهم‌ترین آثاری که بر قناعت مرتب می‌شود محبوبیت انسان در نزد خدا و بنده‌گان اوست؛ و احساس آرامش و سکینت باطنی است.



### فعالیت

معلم محترم از برخی شاگردان طلب نماید که پیش روی صنف آمده، ابراز نظر نمایند که در زندگی مادی و معنوی خویش به چه کسانی نظر نمایند، و از چه کسانی الگو برداری داشته باشند.

### خلاصه

- قناعت عبارت از راضی بودن به آنچه خداوند برای انسان داده است، و دوری گزیدن از حرص و آزمندی.
- اسلام به پیروانش توصیه نموده که برای به دست آوردن مال حلال از راه‌های مشروع جد و جهد نمایند؛ اما به آنچه کسب می‌کنند، راضی و قانع بوده باشند.
- قناعت یک حالت روانی است که سبب می‌شود انسان از دیگران احساس بی‌نیازی نماید.

- یکی از راه‌هایی که انسان را به قناعت می‌رساند، توجه به کسانی است که وضعیت مادی شان کمتر و پایین تر بوده باشد.
- مهمترین آثار و نتایجی که بر قناعت مرتب می‌گردد، محبوبیت انسان در نزد خداوند و بنده‌گان او تعالی می‌باشد.

## ارزیابی

۱. قناعت به چه معنا است؟
۲. چرا مردم اصول شرعی را در راه به دست آوردن مال و دارایی نادیده می‌گیرند؟
۳. آیا قناعت نتیجه داشتن پول و سرمایه است؟
۴. چگونه می‌توان به قناعت دست پیدا کرد؟
۵. مهم ترین آثار قناعت چیست؟

کارخانه‌گی

یک مضمون کوتاه دربارهٔ مظاهر و نمونه‌های پرهیز از اسراف و زیاده خرجی بنویسید.



## عفت

عفت، یک خصلت با ارزش است. قرآن کریم دارنده این صفت را ستوده، و رسول الله ﷺ مسلمانان را به داشتن این خصلت دعوت نموده است، معنای عفت چیست؟ و چگونه اسلام به آن دعوت کرده است؟ و آثار مثبت آن چیست؟ و در صورت مخالفت از آن کدام آثار ناگوار را بر جای می گذارد؟.

درین درس به جواب این سوالات می پردازیم.

### معنای عفت

عفت در لغت: پرهیز از زشتی است.

عفت در اصطلاح: عبارت است از پرهیز از آنچه که حلال نیست.

عفت به معنی خاص آن، عبارت است از پرهیز و امتناع از آنچه که سبب عار شده و حلال نمی باشد، و آن دارای انواع ذیل است:

### اول: دوری از زشتی ها

خداوند متعال، ما را به دوری از زشتی ها و فحشاء، و اجتناب از نگرستن به محرمات دستور داده فرموده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ [النور: ۳۰ - ۳۱]

ترجمه: «ای پیغمبر! به مردان مؤمن بگو: ( آنان موظفند که از نگاه کردن به عورت و محل زینت نامحرمات ) چشمان خود را فرو گیرند، و عورت های خویشان را ( با پوشاندن و دوری از پیوند نامشروع ) مصون دارند. این برای ایشان زینده تر و محترمانه تر است.

بی گمان خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است (و جزای رفتارشان را می دهد) و به زنان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نامحرمان) فرو گیرند و عورت های خویشان را مصون دارند و زینت خویش را (همچون سر، سینه، بازو، ساق، گردن، خلخال، گردن بند، بازوبند و غیره) نمایان نسازند، مگر آن مقدار و آن چیزهایی را که ظاهر باشد مانند دستها تا بند دست و پاها تا بجلک و روی».

و در حدیث شریف از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ..... وَرَجُلٌ طَلَبَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: «هفت کس هستند که خداوند آنها را در سایه خویش، در روزی که سایه ای جز سایه او تعالی نیست، جای میدهد... و (از جمله این هفت تن) شخصی است که زنی صاحب مقام و زیبا او را دعوت به زنا نماید، ولی او در جواب بگوید: از خدا می ترسم...»

## دوم: دوری از گدایی کردن

قرآن کریم عده ای از فقرای مسلمان را که فقر خود را آشکارن ساختند و از مردم به خاطر عفتی که داشتند چیزی طلب نکردند، ستایش نموده و گفته است: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنَىٰ عَنْهُ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» [البقرة: ۲۷۳]

ترجمه: «(این صدقات) برای آن (دسته از) نیازمندانی است که در راه خدا فرو مانده اند، و نمی توانند (برای تأمین هزینه زنده گی) در زمین سفر کنند. از شدت خویشن داری، فرد بی اطلاع، آنان را توانگر می پندارد. آنها را از سیمایشان می شناسی. با اصرار، (چیزی) از مردم نمی خواهند و هر مالی که (به آنان) انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است».

آیه کریمه فوق این موضوع را بیان می کند که بر مسلمان واجب است کسی را که گرسنه است و عزت نفسش اجازه طلب کردن از مردم را به وی نمیدهد، کمک نماید و به او چیزی بدهند که از گرسنگی نجات یابد و این گروه فقیر در هر جامعه وزمانی

۱- بخاری و مسلم

موجود میباشد و بر ما است تا به آنان کمک نماییم و به ظاهر آنان فریب نخوریم، بسا از مردم حال شان بر دیگران پوشیده است! و نفس‌های با عزت شان به آنان اجازه نمیدهد تا دست به گدایی بزنند. و حدیث شریف ما را بر پرهیز از گدایی تشویق می‌کند. حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: غنا و بی نیازی با زیاد بودن مال نیست، بلکه غنا در غنای نفس است<sup>(۱)</sup>.

### آثار عفت

مسلمانی که از گدایی، طمع و شهوت بدور باشد، از نفس خود احساس رضایت می‌کند و در راه به دست آوردن اموال دنیایی، خود را خوار و ذلیل نمی‌کند؛ زیرا عفت به وی آموخته است که چگونه از آنچه که در دست مردم است، خود را بی نیاز گرداند، و چگونه از شهوت بدور بوده و مربی نفس خود باشد، و چگونه بر چیزهای فریبنده صبر داشته باشد. از دعای رسول الله صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالْعِفَافَ وَالْغِنَى»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: (ای بار خدایا من از تو هدایت، تقوا عفت و بی نیازی را میخواهم). همچنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ»<sup>(۳)</sup>. ترجمه: «ای گروه جوانان کسی که از شما توان ازدواج را دارد پس ازدواج نماید؛ زیرا ازدواج چشم را از هر چیز بیشتر می‌پوشاند، و شرمگاه را حفظ می‌کند، و کسی که توان ازدواج را ندارد، پس روزه بگیرد؛ زیرا روزه قطع کننده شهوت اوست».

۱- بخاری

۲- مسلم

۳- متفق علیه

## انواع عفت

عفت به دو نوع است:

۱- عفت از محرمات ۲- عفت از گناهان.

اول: عفت از محرمات بدو نوع است:

۱- دور نگهداشتن شرمگاه از حرام. ۲- دور نگهداشتن زبان از تجاوز بر آبروی دیگران.

دوم: عفت از گناهان به دو نوع است:

۱- خود داری از ظلم کردن. ۲- بازداشتن نفس از خیانت هر چند که مخفی باشد.

## ارزیابی

۱. معنی عفت را توضیح دهید.

۲. دو آیه و دو حدیث را بیاورید که بر عفت تشویق می‌کنند.

۳. آثار و پیامدهای عفت بر افراد و جوامع را واضح سازید.

۴. عفت به چند نوع است؟

۵. برای عفت از گدایی یک دلیل ذکر نمایید.

۶. برای عفت از نگاه کردن به نامحرم یک آیت ذکر نمایید.

کارخانه گمی

درمورد عفت و پاکدامنی یک مقاله بنویسید و آثار خوب عفت و آثار زشت بی‌عفتی را روشن سازید.

## امر به معروف و نهی از منکر

اسلام بخاطر ایجاد یک جامعه سالم که افرادش در کارهای نیک باهم همکار و متعاون بوده و با شر مقابله نمایند، امر به معروف و نهی از منکر را تشریع و به آن تشویق نموده است.

درین درس خواهیم دید که مراد از امر به معروف چیست؟ مراد از نهی از منکر چیست؟ منهج و روش اسلام در این مورد چیست؟

### معنای امر به معروف

معروف در لغت: عبارت است از خوبی‌هایی که نفس‌های بشری آنرا می‌شناسد و به آن اطمینان میابد، چنانچه الله تعالی میفرماید: ﴿وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [سورت لقمان: ۱۵]

ترجمه: (با ایشان در دنیا به طرز شایسته و بایسته رفتار کن)، یعنی با ایشان به نیکویی رفتار کن.

و در اصطلاح: معروف اسم جامعی است برای همه اقوال و افعال نیک و هر آنچه که طاعت و تقرب به درگاه الهی و احسان به مردم محسوب می‌شود. و هر آنچه که شریعت به آن فرا خوانده است.

### معنای نهی از منکر

منکر در لغت ضد معروف است یعنی نا شناخته و در اصطلاح: هر آنچه شریعت او را قبیح و حرام پنداشته است، مثلاً خیانت، دروغ‌گویی، اذیت دیگران، اعتداء و تجاوز بر حقوق و اموال مردم و غیره که شریعت از آن نهی کرده است.

## حکم امر به معروف و نهی از منکر

اسلام امر به معروف و نهی از منکر را بر پیروان خود واجب گردانیده است، چنانچه خداوند میفرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

**ترجمه:** «باید از شما گروهی باشد که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارند».

امر به معروف و نهی از منکر عملی است که هر مسلمان نسبت به موقف و جایگاه خویش باید به آن قیام کند مثلاً علما، احکام شرعی را برای مردم بیان نموده و برای شان وعظ و نصیحت می‌کنند، و پدر و مادر، فرزندان خود را رهبری و رهنمایی می‌کنند و همین قسم اقشار دیگر جامعه هر کدام بالنوبه این وظیفه را عملی می‌سازند، و بر همه واجب است که در امر به معروف و نهی از منکر با هم متعاون و همکار باشند، و ترک این وظیفه موجب لعنت و دوری از رحمت خدا می‌گردد، و پیامبر اسلام ﷺ انکار از منکر و تغییر آن را در حدود طاقت و قدرت شخص واجب گردانیده و می‌فرماید: ﴿مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ﴾<sup>(۱)</sup>

**ترجمه:** «هرگاه کسی از شما کار بدی را دید باید آن را به دست خویش تغییر دهد، اگر نتوانست به زبان خود آن را منع کند و اگر نتوانست با دل خود آن را انکار کند و این ضعیف ترین مرحله ایمان است».

پس برای انسان مسلمان جواز ندارد که موقف بی تکلیفی و بی طرفی را در مقابل منکرات اختیار کند؛ بلکه باید اصلاح را به اندازه توان و قدرت خود انجام دهد. و تغییر منکر را با دانستن و مراعات فقه امر به معروف و نهی از منکر از تغییر عملی به دست آغاز نماید و این در صورتی که آن شخص مالک این چیز بوده باشد و این عملش باعث برانگیختن شر بزرگتر نباشد؛ سپس انکار به زبان می‌باشد و این عمل به نصیحت و



ارشاد تحقق می‌یابد. سپس انکار قلبی می‌باشد که اثر آن در سیمای انسان و تحرکات جسمی نمودار می‌گردد، که بارز ترین این اثر در مفارقت از مجالس منکر می‌باشد.

### آثار امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

امر به معروف مردم را بسوی نیکی و استقامت سوق می‌دهد و ایشان را به صلاح و فلاح و رستگاری دعوت می‌کند، آخرت را به یاد آنها می‌آورد، چنانچه خداوند میفرماید: ﴿وَذَكِّرْ

فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ﴾ [الذاریات: ۵۵]

ترجمه: «پند و اندرز بده، چرا که پند و اندرز به مؤمنان سود می‌رساند».

نهی از منکر جامعه را از سقوط در گودال فساد و هلاکت نجات می‌بخشد، و هر جامعه ای که افراد آن از این عمل شانه خالی کنند؛ در آن معصیت و گناه عام گردیده، و ظلم و فساد در آن زیاد شده اختلاف و نزاع رایج میگردد و باعث از بین رفتن و سقوط جامعه مذکور میشود.

در بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث گهربار آنحضرت ﷺ اهمیت امر بالمعروف و نهی از منکر بیان گردیده، و هر جامعه ای که به این وظیفه پای بند باشد، بهترین جامعه است چنانچه خداوند میفرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران ۱۱۰].

ترجمه: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید. به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید»

### آداب امر به معروف و نهی از منکر

هر کسیکه بخواهد امر به معروف و نهی از منکر نماید باید این خصلتها را رعایت کند:

۱- نرمی و ملایمت نیک: چون خشونت و سختی باعث نفرت مردم میگردد و ایشان را از کارهای نیک دور می‌سازد چنانچه الله تعالی میفرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]

ترجمه: «پس به سبب رحمت الهی است که تو با آنان ( که سر از خط فرمان کشیده بودند) نرمش نمودی، و اگر درشتخوی و سنگدل می‌بودی، از پیرامون تو پراکنده

میشدند».

و برای شخص دعوتگر نمی‌زبید که خویشتن را از دیگران برتر دانسته، ویا اینکه احساسات آنها را جریحه دار ساخته و خشم آنها را برانگیزد.

۲- حکمت: باید داعی مردم را با حکمت دعوت نماید چنانچه خداوند میفرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهِمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵]

ترجمه: (ای پیغمبر!) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن».

۳- سطح درک و فهم مردم را مد نظر بگیرد.

۴- مطابقت میان قول و عمل: شخص امر به معروف و نهی از منکر کننده باید یک شخصیت قدوه و نمونه باشد که خودش آنچه را بسوی آن دعوت میکند، در زندگی خود عملی سازد، چون مردم بر کسی که رفتارش با گفتارش متناقض باشد، اعتماد نمی‌کنند. خداوند ﷺ نیز او را مورد خشم و غضب خویش قرار می‌دهد: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [الصف: ۳]

ترجمه: بسیار نا پسند باشد نزد خدا که بگویید آنچه را که انجام ندهید.

#### فعالیت

امر به معروف را از نهی از منکر در نصوص ذیل جدا سازید

۱- خداوند میفرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الذاریات: ۵۱]

ترجمه: «و با خدا معبودی دیگر قرار مدهید که من از جانب او هشدار دهنده آشکارم»

۲- پیامبر ﷺ میفرماید: «و لا تحاسدوا و لا تباغضوا و لا تقاطعوا و لا تدابروا»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: با همدیگر حسد نورزید، بغض و کینه نداشته باشید، قطع روابط نکنید و از همدیگر رو گردان مباشید.

۳- خداوند میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۲]

۱- شعب الایمان - (۴/ ۱۹۹)



ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن چنان که می‌باید از خدا بترسید ( و با انجام واجبات و دوری از منهیات گوهر تقوا را به دامن گیرید ) و شما ( سعی کنید که غافل نباشید تا چون مرگتان به ناگاه در رسد ) نمیرید مگر آن که مسلمان باشید».

۴- رسول خدا ﷺ میفرماید: «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ، وَاعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ»

ترجمه: رابطه برقرار کن با کسی که با تو قطع رابطه می‌کند و درگذری کن از کسی که با تو ظلم می‌کند».

۵- و در آیت دیگر می‌فرماید: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]

ترجمه: «در انجام نمازها و ( به ویژه ) نماز میانه (یعنی عصر) کوشا باشید و محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا بپا خیزید».

### ارزیابی

- ۱- سه نمونه از امر به معروف را ذکر کنید.
- ۲- سه نمونه نهی از منکر را ذکر کنید.
- ۳- معروف را در لغت و اصطلاح بیان نمایید.
- ۴- منکر را تعریف نمایید.
- ۵- برای امر به معروف و نهی از منکر از قرآن کریم یک دلیل بیاورید.
- ۶- حکم امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۷- این آیت را توضیح دهید ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]
- ۸- برای امر به معروف و نهی از منکر کدام آداب وجود دارد؟ آن را روشن سازید.

کارخانه گمی

طی یک مقاله، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را در کتابچه‌های خویش توضیح دهید.

## امیدواری

### امید چیست؟

رجاء و امید الفاظ مترادف اند، به معنای توقع حالت خوشایند که در حوصله مندی شخص افزایش می‌آورد و ضد آن یأس و ناامیدی است که انسان را از تلاش بیشتر باز میدارد.

### امید انبیاء (علیهم الصلاة والسلام)

امید و آرزو از جمله اخلاق انبیا (علیهم السلام) است، و همین امید است که آنها را وا داشته تا به دعوت اقوام خود به سوی خداوند ﷻ بدون یأس و ناامیدی، برغم آنچه که با روگردانی و نفرت و آزارشان مواجه میشدند، به رهیاب شدن آنها در روزهای آینده ادامه بدهند و در بدترین شرایط و در اوقات مصیبت و سختی امیدوار باقی می‌ماندند و هیچگاه یأس و ناامیدی در دلهایشان راه نمی‌یافت.

خداوند پاک پیامبر خویش حضرت یعقوب علیه السلام را با مفقود شدن پسرانش (یوسف و بنیامین) مورد آزمایش قرار داد، و به خاطر آنها بسیار غمگین شد تا این که بینائی خود را از دست داد، ولیکن یعقوب علیه السلام به قضای خداوند امید داشت و از بازگشت پسرانش ناامید نگشت و امید و آرزویش را به خداوند پاک افزایش داد تا فرزندانش را برایش بازگرداند، و یعقوب علیه السلام از دیگر فرزندانش خواست تا به جستجوی پسران گمشده اش بدون یأس و ناامیدی ادامه دهند؛ و برایشان گفت: ﴿يَا بَنِي إِدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ [یوسف: ۸۷]

**ترجمه:** «ای فرزندانم بروید و از یوسف و برادرش جستجو نمایید و از رحمت خدا ناامید مباشید. به درستی که از رحمت خداوند جز قوم کافر ناامید نمی‌شوند». و خداوند امید و آرزوی یعقوب علیه السلام را تحقق بخشید، و بینایی و فرزندانش را به وی برگرداند.



امید و اطمینان به نصرت خداوند بطور روشن در موقف نبی خدا، موسی علیه السلام، همراه قومش آشکار شده است، زمانی که فرعون و لشکریانش موسی و قومش را تعقیب نمود و گمان بردند که فرعون به زودی آنان را درخواهد یافت و زمانی که فرعون را در نزدیکی خود یافتند احساس ناامیدی کردند و درپیش روی آنان بغیر از دریا چیزی نبود. پس برای موسی گفتند: ﴿إِنَّا لَمُذْرَكُونَ﴾ [الشعراء : ۶۱] ترجمه: گرفتار (دریافته) شده گانیم. پس خداوند پاک وی را امر کرد تا عصای خود را به دریا بزند، در نتیجه دریا بدو نصف تقسیم شد و موسی و قومش داخل شدند و از دریا سالم عبور نمودند، بعداً دریا دوباره بصورت اول خود بازگشت و فرعون و لشکرش غرق شد و موسی و کسانی که با وی ایمان آوردند، نجات پیدا کردند.

**امید رسول الله صلی الله علیه و آله:** نبی کریم صلی الله علیه و آله بر هدایت قوم خود حریص بود و حتی یک روز هم از تحقق این هدفش ناامید نشد و دایم به پروردگار خود دعا می کرد تا قوم وی را هدایت کند، و سینه های شان را برای اسلام باز نماید.

بعد از سفر مشقت بار آن حضرت به طایف، جبرئیل علیه السلام با ملک کوه ها به نزدشان آمد و برایش گفت: ما را پروردگار بسوی تو فرستاده است تا اگر خواسته باشید این دو کوه (احشبین) را به همدیگر می زنیم و آنها را هلاک می کنیم، ولی آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: (نه چنین نکنید، من امید وارم که خداوند از پشت ایشان کسانی را بیرون بیاورد که تنها خداوند را عبادت کنند و برایش چیزی را شریک ن سازند)<sup>(۱)</sup>.

رسول الله صلی الله علیه و آله در اینکه خداوند جل جلاله وی را یاری می رساند، اطمینان کامل داشت و لذا در سخت ترین شرایط مأیوس و ناامید نمی شد، حتی زمانی که در غار ثور با ابوبکر صدیق رضی الله عنه پناه برد و مشرکین به تعقیب آنها تا دهن غار رسیدند اطمینان و امید خود را از دست نداد بلکه چنانچه قرآن کریم بیان می کند با اطمینان و ایمان کامل به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود: ﴿لَا تَحْزَن إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ [التوبة: ۴۰] ترجمه: غمگین (ناراحت) مباش، یقیناً که خداوند همراه ما است.

## امید و عمل

امید به خدا و مغفرت اوتعالی، دایم با عمل شخص همراه است، نه با تنبلی و آرزوهای بیجا. خداوند تعالی فرموده است: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکھف: ۱۱۰]

ترجمه: «پس هر کس که خواهان دیدار خدای خویش است، باید که کار شایسته کند، و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نسازد».

و خداوند عزوجل گفته است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقره: ۲۱۸]

ترجمه: «کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که هجرت نموده اند و در راه خدا جهاد کرده اند، آنان رحمت خدا را امید میدارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است».

## فضیلت امید

امید، انسان را دایم به عمل و کار خستگی ناپذیر وادار می کند و اگر امید نباشد، انسان از ادامه حیات و مقابله با مصیبتها و سختی های آن، باز می ماند. اگر امید نباشد، ناامیدی بر قلب وی مسلط می گردد و بر مرگ حریص می شود، و به همین جهت گفته شده است: ناامیدی راهی به سوی نا کامی و مرگ است و امید نور زنده گی و شاهرایی به سوی کامیابی. و گفته شده است: ناامیدی همراه زندگی جمع نمی شود و زندگی همراه ناامیدی.

مسلمان از رحمت خداوند ناامید نمی شود؛ زیرا امید به عفو خداوند است که به توبه و رفتن به راه راست وادار می سازد و خداوند بزرگ از ناامیدی از رحمت و مغفرت، نهی کرده است، فرموده است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر: ۵۳]

ترجمه: «بگو: ای آن بندگان من که در معاصی زیاده روی کرده اید! از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید. قطعاً خداوند همه گناهان را می آمرزد. چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است».

هرگاه انسان گناهی را مرتکب شود، بسوی پروردگار خود میشتابد و توبه می کند و تمام امید آن در عفو خداوند و قبول توبه اوست. امید طاقتی است که خداوند آنرا در دل های بشر نهاده است؛ تا آنان را به آباد نمودن زمین تحریک نماید و نبی کریم ﷺ فرموده است: ﴿إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا﴾

**ترجمه:** «اگر قیامت برپا شود و در دست یکی شما نهال خرماى بود پس اگر توان نشاندن آنرا داشت، پس آن را غرس نماید».

## ارزیابی

۱. امید را در لغت و در اصطلاح تعریف نمایید.
۲. یک نمونه از امید را در زنده گی خود را بیاورید.
۳. امید در نزد انبیاء چگونه بود؟
۴. اهمیت امید را بیان کنید.
۵. امید داشتن در زنده گی انسان چه فضیلت دارد؟
۶. امید با عمل چه ارتباطی دارد؟
۷. نمونه هایی از امید پیامبر ﷺ را بیان کنید.

کارخانه گی

یک مقاله در مورد امید و ناامیدی بنویسید که از ده سطر کمتر نبوده و شامل نکات ذیل باشد:

- ۱- خطرات ناامیدی.
- ۲- اسباب ناامیدی.
- ۳- راه های کسب امید واری.